

حوزه انقلابی

۱۶

مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم

ماهنامه علمی - تخصصی حوزه انقلابی

سال سوم - شماره شانزدهم

بهمن ماه ۱۳۹۹

۱۶

ماهنامه علمی - تخصصی حوزه انقلابی

سال سوم - شماره شانزدهم - بهمن ماه ۱۳۹۹

- جریان‌شناسی مذاکره در تجربه سیاسی انقلاب اسلامی
- ضرورت و هویت حوزه انقلابی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای
- نقد انگاره فرادستی روحانیت در جمهوری اسلامی ایران
- حوزه و اتهام سکولار؛ مفهوم‌شناسی و مراتب
- کرونا و جریان دینداری؛ توطئه یا بیماری طبیعی
- خلاصه‌ای از همایش علمی - بصیرتی مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم (بهمن ۱۳۹۹)



من گاهی این شک در ذهنم به وجود می‌آید که بعضی از ما معلمان، عمق عظمت تشکیل حکومتی بر اساس اسلام - یعنی حکومت قرآن و احکام اسلامی و فقه آل محمد - علیهم افضل صلوات الله - را درست متوجه نشویم. تشکیل این حکومت، چیز بسیار عظیمی است. انسان وقتی در وسط ماجرای است، عظمت آن را حس و درک نمی‌کند.

شما ملاحظه بفرمائید، بعد از سال ۴۱ - یعنی سال صلح امام مجتبی - علیه الصلاة والسلام - تا دوران تشکیل نظام جمهوری اسلامی، یک روز، حکومتی بر پایه قرآن که شخص عادل هم در رأس آن حکومت باشد، تشکیل نشده بود. این، شوخی است؟

(سخنرانی در دیدار با علما و روحانیون تبریز، ۱۳۷۲/۵/۵)



قم، میدان جانبازان، خیابان شهیدان فاطمی (دور شهر)، کوچه چهار،

مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم

تلفن: ۰۲۵-۳۱۱۲۰۹۱۵ - ۰۲۵-۳۷۷۳۷۴۰۶ - نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۳۷۴۰۶

قیمت: ۱۵۰/۰۰۰ ریال

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



صاحب امتیاز: مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیة قم

مدیر مسئول: محمدحسن نبوی

قائم مقام مدیر مسئول: داود رجبی نیا

سر دبیر: محسن محمدی

هیئت تحریریه: محمدحسن نبوی، مصطفی اسکندری، علی ملکوتی نیا، داود رجبی نیا، رضا لکزایی،

محمد حقی، محسن محمدی

کارشناس اجرایی: مجتبی قراباغی

ویراستار: احسان صباح

طرح جلد و صفحه آرایی: محمد عسگری

دفتر نشریه: قم - میدان جانبازان، خیابان شهیدان فاطمی، کوچه چهار، مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیة قم

کد پستی: ۳۷۱۵۶-۴۶۴۸۸

تلفن: ۰۲۵ - ۳۱۱۲۰۹۱۵

نمابر: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۷۴۰۶

پست الکترونیک: howzehenghelabi110@gmail.com

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

یادآوری

مطالب چاپ شده در ماهنامه «حوزه انقلابی» فقط دیدگاه نویسندگان محترم مقالات می‌باشد و مسئولیت مقالات بر عهده ماهنامه نمی‌باشد. انتشار مطالب این ماهنامه در سایر نشریات با ذکر منبع و رعایت امانت مجاز می‌باشد. ماهنامه حوزه انقلابی به منظور ارتقای کیفی و غنی‌سازی محتوای مطالب از پیشنهادها و انتقادهای خوانندگان محترم خود استقبال می‌کند.

دعوت به همکاری و شیوه تنظیم مقاله

ماهنامه حوزه انقلابی که توسط مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم در راستای طرح دیدگاه‌های اندیشمندان و نخبگان جامعه در موضوع حوزه انقلابی تهیه و منتشر می‌شود؛ از اساتید، صاحب‌نظران و نخبگان حوزه علمیه قم جهت ارائه مقاله در حوزه فرهنگی سیاسی دعوت به عمل می‌آورد. مقالات پس از داوری و پذیرش در ماهنامه چاپ و منتشر خواهد شد. حق‌التألیف نویسندگان در صورت پذیرش و چاپ مقالات، مطابق با ضوابط تعیین شده پرداخت می‌شود.

لطفاً مقالات خود را به صورت مکتوب به معاونت پژوهش یا به پیام‌رسان ایتا به آدرس eitaa.com/pajooohesh_basij_asatid ارسال کنید.

بخش اول: تاریخ و سیاست

جریان‌شناسی مذاکره در تجربه سیاسی انقلاب اسلامی ۱۱

محسن مؤمنی

ضرورت و هویت حوزه انقلابی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای ۳۵

محمد ملک‌زاده

بخش دوم: فرهنگ و اجتماع

نقد انگاره فرادستی روحانیت در جمهوری اسلامی ایران ۴۵

سیدمحمدهادی مقدسی

حوزه و اتهام سکولار؛ مفهوم‌شناسی و مراتب ۶۱

خلیل عالمی

بخش سوم: پرونده ویژه: کرونا و جریان دینداری

کرونا و جریان دینداری؛ توطئه یا بیماری طبیعی ۷۷

محمدحسین محمدی

بخش چهارم: گزارش علمی

خلاصه‌ای از همایش علمی – بصیرتی مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان ۱۰۵

حوزه علمیه قم (بهمن ۱۳۹۹)

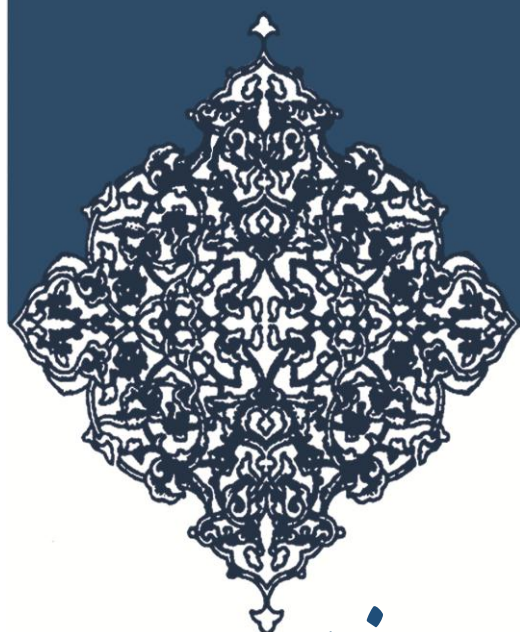
به کوشش مجتبی قراباغی



رهنمود ولایت

«من گاهی این شک در ذهنم به وجود می آید که بعضی از ما معلمان، عمق عظمت تشکیل حکومتی بر اساس اسلام - یعنی حکومت قرآن و احکام اسلامی و فقه آل محمد علیهم السلام را درست متوجه نشویم. تشکیل این حکومت، چیز بسیار عظیمی است. انسان وقتی در وسط ماجرای است، عظمت آن را حس و درک نمی کند. شما ملاحظه بفرمائید، بعد از سال ۴۱ - یعنی سال صلح امام مجتبی علیه السلام تا دوران تشکیل نظام جمهوری اسلامی، یک روز، حکومتی بر پایه قرآن که شخص عادل هم در رأس آن حکومت باشد، تشکیل نشده بود. این، شوخی است؟»

(سخنرانی در دیدار با علما و روحانیون تبریز، ۱۳۷۲/۵/۵)



بخش اول
تاریخ و سیاست



چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعات تاریخ انقلاب اسلامی، مذاکره است. این ویژگی با توجه به اصول‌گرایی و آرمان‌های انقلاب اسلامی اهمیت بیشتری پیدا کرد. از همان ابتدای انقلاب مذاکره با آمریکا مطرح شد ولی افزون بر تجربه تاریخی جنایات آمریکا در ایران، برخی مسائل مانند حادثه طبس، کودتای نوژه، جنگ تحمیلی و حمله به هواپیمای مسافرتی ایران، مذاکره با آمریکا را به حاشیه راند. البته در همه این دوران طرفداران مذاکره در ایران فعال بودند. بعد از جنگ تحمیلی و به‌ویژه در دولت اصلاحات، پرونده هسته‌ای، مذاکره را به صورت جدی در عرصه سیاسی و روابط خارجی ایران قرار داد. تحلیل تجربه تاریخی انقلاب اسلامی در مورد مذاکره نشان می‌دهد که دستاوردهای مقاومت هوشمندانه بیشتر از مذاکره است. آمریکا از مذاکره اهدافی در راستای نفوذ و استحاله انقلاب اسلامی در سر دارد. در این مورد هیچ تفاوتی بین دموکرات و جمهوری‌خواه نیست. واژگان کلیدی: مذاکره، انقلاب اسلامی، آمریکا، برجام، مقاومت، نفوذ.

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم، کارشناس ارشد مطالعات انقلاب اسلامی.

مقدمه

بزرگترین رهاورد انقلاب اسلامی را می‌توان، استقلال و آزادی دانست. رهایی از ستم مستبدین و دخالت مستکبرین خواسته‌ای بود که ملت ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام آن را تحقق بخشید. این خواسته به قدری برای ملت ایران ارزش داشت که در مسیر آن جان‌فشانی کرد، ولی جریانی خزننده، آشکار و نهان در تمامی سال‌های پس از انقلاب به دنبال برقراری ارتباط با غرب بوده است؛ ارتباطی که ملت ایران با عزم و اراده خود آن را قطع کرد و به ملت حیاتی دوباره بخشیده بود.

از همان روزهای ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون همواره جریانی به دنبال سازش با غرب به‌ویژه آمریکا بوده است. با توجه به فضای سیاسی امروز جامعه، جریان‌شناسی خط سازش در برابر خط مقاومت و ایستادگی، امری لازم و ضروری است که می‌تواند جامعه و نسل امروز را بیمه کند و موجب بصیرت‌افزایی و روشنگری میان عوام و خواص شود. با توجه به اینکه بسیاری از کسانی که در دهه پنجم انقلاب اسلامی زندگی می‌کنند، از مسائل دهه اول انقلاب اطلاعی ندارند و یا اینکه آنها را فراموش کرده‌اند، این مسئله اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. گسترش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، امروزه اطلاع‌رسانی رویدادها و تاریخ شفاهی انقلاب را تسهیل کرده است ولی قبل از انقلاب و دهه‌های نخستین آن، بیشتر مردم با بسیاری از مسائل آشنا نمی‌شدند.

افزون بر این نگاه فرایندی و جریانی به گذشته تاریخ، به فهم بهتر مسائل کمک می‌کند؛ زیرا مسائل پراکنده و جزئی را کنار هم قرار می‌دهد و با فهم کلی و ارائه تصویر کلان از مسائل، قدرت تحلیل و بصیرت سیاسی مخاطب را ارتقا می‌دهد.

با مروری بر بیانات امام راحل و مقام معظم رهبری درباره مذاکره با غرب به‌ویژه آمریکا، دیدگاه‌ها، نظرات و در مجموع راهبرد انقلاب اسلامی در این زمینه روشن می‌شود. مخالفت صریح نسبت به سازش با آمریکا بخشی از منظومه فکری و عملی امامین انقلاب از ابتدای پیروزی انقلاب تا به امروز است. با این وجود، برخی افراد و جریان‌های سیاسی از همان ابتدای انقلاب، به دنبال سازش با آمریکا بوده‌اند.

برای شناخت بهتر این جریان، لازم است فعالیت‌های جریان طرفدار سازش و مذاکره با آمریکا را مرور کنیم تا معلوم شود آنچه از سوی دیده‌بان انقلاب و ولایت فقیه مطرح شده است، نه تنها از سر توهم و ترس نبوده بلکه مبتنی بر عقلانیت و حتی تجربه بوده است. از سوی دیگر با روی کار آمدن جو بایدن، مجدداً بحث مذاکره در کشور مطرح شده است. لازم است تجربه مذاکره با غرب را در کشور مرور کنیم تا تحلیل بهتری نسبت به شرایط امروز و آینده داشته باشیم.

اصول مذاکره در اسلام

در این نوشتار مذاکره با آمریکا در تجربه تاریخی انقلاب اسلامی بحث و بررسی می‌شود. نتیجه این رویکرد نگاه مثبتی از موضوع مذاکره را نشان نمی‌دهد. ممکن است از این نوشتار چنین برداشت شود که گفتمان انقلاب اسلامی مخالف مذاکره است؛ چنانکه برخی در مقابل منتقدین برجام، طوری وانمود می‌کنند که نیروهای انقلابی مخالف تعامل با سایر کشورها هستند و به دنبال انزوای سیاسی و بستن مرزهای کشور هستند. بر این اساس برخی به مخالفین برجام، اتهام می‌زنند که شما می‌خواهید کشور به کره شمالی تبدیل کنید.

برخلاف همه این هیاهوهای ناجوانمردانه و فرافکنانه باید گفت گفتمان انقلاب اسلامی موافق مذاکره است و بر همین اساس به دنبال برقراری ارتباط سازنده با همه کشورهای جهان است. البته از نظر ما کشوری به نام اسرائیل وجود ندارد که بخواهیم با آن ارتباط داشته باشیم. آمریکایی‌های هم به دنبال استثمار و از بین بردن استقلال ما هستند و برقراری ارتباط با چنین کشوری اساساً خطاست.^۱

مذاکره، به‌عنوان مهمترین و مؤثرترین ابزار دیپلماسی، نقش بی‌بدیلی در تأمین اهداف

۱. «... ما با همه جای دنیا غیر از آمریکا و غیر از رژیم جعلی صهیونیست مذاکره می‌کنیم؛ با همه ارتباط داریم، مذاکره می‌کنیم، می‌نشینیم، پا می‌شویم، مشکلی نداریم...» (بیانات، ۱۳۹۹/۰۵/۱۰) «... ما راه تعامل و مذاکره و مبادله و تبادل نظر و نشست و برخاست و معامله با هیچ کشوری در دنیا را جز همین رژیم صهیونیستی و آمریکا نیستیم...» (بیانات، ۱۳۹۸/۰۷/۰۴)

سیاست خارجی کشورها ایفا می‌کند. اسلام نیز که در پی تحقق صلح و امنیت جهانی بر پایه ارزش‌های متعالی الهی است، بر مشروعیت مذاکره کشور اسلامی با سایر دولت‌ها صحنه گذاشته است. از جمله مباحث حائز اهمیت در مسئله مذاکره، کارکردهای مذاکره در تحقق اهداف سیاست خارجی کشور اسلامی است. حکومت اسلامی می‌تواند از طریق مذاکره زمینه‌ساز تحقق اهداف متعالی‌ای همچون تحقق آرمان‌های جهانی اسلام، هدایت، اتحاد، تثبیت امنیت، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز، رفع اختلافات، حفظ نظام، ثبات نظام بین‌الملل، انعقاد معاهدات و تضعیف جبهه طاغوت گردد.^۱

در فقه امامیه نهاد مذاکره، جزو عناوین اولیه ضروری است نه ثانویه اضطراری. اصول و قواعد بنیادین فقهی مذاکره از جمله قاعده نفی تسلط و قاعده تناسب رفتاری، اصل عزت، حکمت و مصلحت عقلایی، حاکی از مذاکره فعال نه منفعل هستند. مذاکره فعال در دیدگاه تکلیف‌گرایانه ریشه دارد. بر این اساس مذاکره‌کنندگان باید به گونه‌ای طراحی و رفتار کنند که محدودیت‌ها و تحریم‌هایی را بر کشور اسلامی تحمیل نکنند.^۲ یکی از مسائل مهم در سیره نبوی مذاکره و گفت‌وگو با سایر قدرت‌های سیاسی و اجتماعی است. راهبردها و اصول مذاکره برگرفته از سیره نبوی چنین است:

استفاده مطلوب از مولفه‌های قدرت، بهره‌گیری از گفت‌وگوهای مقدماتی پیش از شروع مذاکرات، طرح حداکثری خواسته‌ها در گام اول، رعایت احترام متقابل و نزاکت بین‌المللی، تعیین وظایف تمام گروه‌های دخیل بر محور برابری، قاعده نفی سبیل، تضعیف جبهه دشمنان در فرایند مذاکرات، وضع قرارداد بر محور تثبیت و ارتقای جایگاه حکومت اسلام، تأکید بر پیمان‌ها و حرمت نقض میثاق‌ها، تقدم صلح‌طلبی بر ستیزه‌گرایی و بهره‌گیری از فرصت‌های ایجادشده در اثر برقراری معاهدات و تفاهم‌نامه‌ها.^۳

۱. ر.ک: «کاربست مذاکره در دیپلماسی کشور اسلامی»، قاسم شبان‌نیا، ص ۵-۲۶.

۲. «اصول و قواعد بنیادین فقهی حاکم بر مذاکره»، مهدی موحدی‌نیا، علی مظفر قراملکی، سیدمحمد حسینی، ص ۵۸۱-۶۰۶.

۳. ر.ک: «الگوی مذاکره در سیره نبوی»، ابوذر گوهری مقدم، حامد کیانی مجاهد، ص ۲۱۷-۲۴۲.

تاریخچه‌ای از روند مذاکرات ایران و آمریکا

۱. مذاکرات دولت موقت با دولت کارتر

پس از پیروزی انقلاب، نهضت آزادی، اولین گروهی بود که به سمت مذاکره با آمریکا رفت. مهندس بازرگان با در دست گرفتن زمام دولت موقت از ۱۵ بهمن ۵۷، گام‌های خود را آرام آرام به سمت مذاکره با آمریکا نیز برداشت. نباید فراموش کرد بازرگان همان کسی بود که در مهر ۵۷ در ملاقات با امام در پاریس، به دنبال انصراف امام از انقلاب بود چراکه آمریکا را ابرقدرتی می‌دانست که توان رویارویی با آن وجود ندارد.^۱

از آنجایی که مهندس بازرگان و اعضای کابینه‌اش، عمدتاً لیبرال و طرفدار مذاکره با آمریکا بودند و رفع مشکلات کشور را در گرو کرنش و کوتاه آمدن در برابر آمریکا می‌دیدند، امید آمریکا نیز برای حفظ منافع و تثبیت جایگاهش در ایران بعد از انقلاب، افزایش یافت. بازرگان معتقد بود مبارزه با استبداد مقدم بر مبارزه با استعمار خارجی و جریان استکبار است. اساساً بازرگان برخلاف امام، جریان سلطه و استکبار را قبول نداشت لذا شعارهای ضدآمریکایی را شعارهایی تدافعی و ثانوی به حساب می‌آورد و درگیر شدن با آمریکا را صلاح نمی‌دانست. او تنها یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم شاه در مصاحبه با نیویورک تایمز گفت: دولت ایران مشتاق است روابط خوب خود با آمریکا را از سر بگیرد.^۲

علاوه بر بازرگان، دیگر اعضای نهضت آزادی و دولت موقت نیز به دنبال حفظ رابطه با آمریکا بودند. به‌عنوان مثال و بر اساس اسناد لانه جاسوسی، عباس امیرانتظام به‌عنوان سخنگوی دولت موقت و ابراهیم یزدی وزیر خارجه، بارها از تداوم روابط حسنه با آمریکا سخن گفته بودند.^۳

از سویی دیگر امام خمینی علیه السلام در مورد رابطه ایران و آمریکا فرمودند: روابط ما با آمریکا

۱. بازگشت از نیمه راه، علی الفت‌پور، ص ۱۴.

۲. نهضت آزادی، مروری بر تاریخچه، ماهیت و عملکرد، علی رضوی‌نیا، ص ۷۰.

۳. اسناد لانه جاسوسی، شماره ۳۴، ص ۱۳۷.

روابط یک مظلوم با یک ظالم است، روابط یک غارت‌شده با یک غارتگر است.^۱ اول مهر ۱۳۵۸ ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه دولت بازرگان برای شرکت در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل به نیویورک سفر کرد. او در این سفر هفده‌روزه، در نیویورک با همتای آمریکایی اش «سایروس ونس» دیدار کرد. این دیدار در حالی رخ داد که احساسات ضدآمریکایی در ایران در اوج خود بود.^۲ آمریکا از یک طرف متعهد شد که قطعات یدکی نظامی مورد نیاز ایران را که پیش از انقلاب خریداری شده بود به ایران تحویل دهد اما در ۳۰ مهر ۱۳۵۸، ورود محمدرضا شاه را به آمریکا پذیرفت. این اقدام تناقضی آشکار در اعمال و رفتار آمریکا بود. با این حال دولت موقت همچنان به آمریکا خوش‌بین بود تا اینکه در نهایت، مهدی بازرگان و ابراهیم یزدی در ۱۰ آبان ۱۳۵۸ مخفیانه با برژنسکی مشاور امنیت ملی کارتر در حاشیه مراسم بیست و پنجمین سالگرد استقلال الجزایر موسوم به اجلاس الجزایر دیدار کردند تا بر سر موضوع سفر شاه به آمریکا و ادامه روند مذاکرات بحث کنند.^۳ با انتشار این خبر، دانشجویان پیرو خط امام دست به کار شدند. آنها سفارت آمریکا را که در واقع لانه جاسوسی آمریکا در ایران بود، فتح کردند. گروگان‌های آمریکایی تا ۳۰ دی‌ماه ۱۳۵۹ یعنی ۴۴۴ روز در بند نیروهای انقلابی بودند. با اشغال سفارت آمریکا، دولت موقت استعفا داد و پروژه مذاکره با آمریکا ناتمام ماند. البته ارتباط اعضای نهضت آزادی با آمریکایی‌ها به قبل از پیروزی انقلاب نیز بازمی‌گشت. برای مثال می‌توان در این باره از عباس امیرانتظام نام برد. در اسناد لانه جاسوسی به ارتباط امیرانتظام، مشاور دولت بازرگان با ریچارد کاتم، مأمور سازمان سیا، اشاره شده است.^۴ همچنین منابع متعددی از ارتباط امیرانتظام، عضو مرکزی نهضت آزادی

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۵۷.

۲. چهل تدبیر، علی الفت پور، ص ۳۱.

۳. <http://irdc.ir/fa/news/3898>.

۴. اسناد لانه جاسوسی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، کتاب دهم، ص ۱۸۶.

با استمپل (کارشناس سیاسی سفارت آمریکا)، رمزی کلارک، جورج کیو، بروس لینگن و ... خبر داده‌اند.^۱

اعضای نهضت آزادی و دولت موقت در توجیه عملکرد خود در این مورد معتقدند در روزهای منتهی به انقلاب اسلامی و روزهای نخستین آن، مذاکره با آمریکا به‌عنوان یک خط قرمز سیاسی مطرح نبود و حتی برخی از روسای انقلابیون با نمایندگانی از آمریکا دیدار و گفت‌وگو داشتند.^۲

پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، اتفاقات و رخداد‌های مهمی روی داد که همیشه آمریکا یک طرف ماجرا بود؛ مانند: دخالت‌ها، کارشکنی‌ها و توطئه‌های متعدد آمریکا در جریان انقلاب اسلامی، حمله نظامی به ایران و ماجرای صحرای طبس در ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ در قالب نیروهای دلتافورس در عملیاتی با عنوان پنجه عقاب، کودتای نقاب (نوژه)، حمایت از گروهک‌های تجزیه‌طلب و ضدانقلاب مانند کوموله و دموکرات، حمایت از صدام برای شروع جنگ تحمیلی و تحریم‌های مختلف اقتصادی.

۲. بیانیه الجزایر

حل بحران گروگان‌گیری به دستور امام به مجلس شورای اسلامی واگذار شد. در ۱۱ آبان ۱۳۵۹ مجلس شورای اسلامی، شروط چهارگانه‌ای تعیین کرد که به دولت امکان حل اختلاف مربوط به گروگان‌گیری را می‌داد. بهزاد نبوی وزیر مشاور نخست وزیر وقت (شهید رجایی) در امور اجرایی، مأموریت یافت تا از طریق مذاکره با دولت الجزایر این مسئله را حل کند. به همین دلیل مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا با واسطه‌گری مقامات الجزایری جریان پیدا کرد و نتیجه این مذاکرات رسیدن به بیانیه‌ای مشترک به‌عنوان «بیانیه

۱. نقاب‌ها، محمدعلی الفت‌پور، ص ۸۹.

۲. رک: مصاحبه محمد توسلی، دبیرکل نهضت آزادی با روزنامه اعتماد (شنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۹)؛ «روشنفکران نفهمیدند کجای تاریخ نشسته‌اند»، میزگردی با حضور دکتر ابراهیم یزدی و دکتر احمد نقیب زاده درباره روابط ایران و آمریکا، ص ۱۷۱-۱۸۱، مهرنامه، شماره ۴۱، اردیبهشت ۱۳۹۴.

الجزایر» بود. بهزاد نبوی که طی فرایندی مشکوک به سرپرستی هیئت ایرانی انتخاب شده بود، تقریباً به هیچ یک از شروط مذکور در تنظیم بیانیه توجه نکرد. در نتیجه بیانیه الجزایر به نفع آمریکایی‌ها رقم خورد و چیزی نصیب ایران نشد.

۲۹ دی ۱۳۵۹ بیانیه الجزایر درباره آزادی ۵۲ گروگان آمریکایی صادر شد. ایران و آمریکا به طور جداگانه این بیانیه را امضا و به دولت الجزایر داده بودند البته آمریکایی‌ها نسخه فارسی بیانیه را امضا نکرده بودند و هیئت ایرانی هم نسبت به این امر اعتراضی نکرده بود! آمریکا در این بیانیه متعهد شد که در امور داخلی ایران دخالت نکند اما به زودی آن را نقض کرد و به سایر تعهداتش در بیانیه نیز عمل نکرد!^۱

۳. ایران گیت

یکی از مناقشات جنجالی سال‌های دهه شصت، ماجرای سفر «مک فارلین» به ایران، معروف به ماجرای «ایران گیت» است. رابرت مک فارلین، مشاور امنیت ملی «ریگان» و «الیور نورث»، عضو شورای امنیت ملی آمریکا، دو مسافر هواپیمایی بودند که در ۴ خرداد ۱۳۶۵ در ایران به زمین نشسته بود. نمایندگان دولت آمریکا کیکی را با خود آورده بودند که شمایل کلید بر روی آن بود! همچنین یک عدد هفت تیر به همراه یک انجیل با امضای رونالد ریگان!

این بار بهانه مذاکره، آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان و فروش تسلیحات به ایران بود. این سفر که به صورت مخفیانه به ایران صورت گرفته بود، توسط گروهی طراحی شده بود که در اوج جنگ ایران و رژیم بعث عراق به دنبال مذاکره با آمریکا بودند. هنگامی که امام خمینی^ع در جریان این سفر قرار گرفت به شدت با آن مخالفت کرد و به هیچ یک از مسئولین رده بالای نظام اجازه ملاقات و مذاکره با مک فارلین را نداد.

آزادی گروگان‌ها و تحویل محموله‌های تسلیحاتی به ایران بهانه دخالت و در نهایت سلطه آمریکا بر ایران بود که با تدبیر امام خمینی^ع خنثی شد. ابتکار عمل امام خمینی^ع در

1. <http://tarikhirani.ir/fa/news/7065>.

افشای این ماجرا رسوایی بزرگی را برای آمریکا به عمل آورد. تدبیر امام موجب شد تا افتضاح ایران‌گیت، بعد از ماجرای واترگیت^۱ بزرگترین رسوایی سیاسی آمریکا لقب گیرد.^۲ در مورد ماجرای مک فارلین این پرسش اساسی مطرح است که چه کسانی در ایران از این سفر اطلاع داشتند و آن را برنامه‌ریزی کردند؟ جریانی که قبل از این رویداد و بعد از آن، بر مذاکره با آمریکا تأکید داشتند، در این رویداد چه نقشی داشتند؟ آیا آنها می‌خواستند امام خمینی و انقلاب اسلامی را در مقابل اقدامی انجام‌شده قرار دهند؟^۳ در هر صورت ماجرای مک فارلین نشان داد که همواره جریانی در کشور وجود دارد که طرفدار مذاکره با آمریکاست و به‌عنوان عامل نفوذی، به صورت خواسته یا ناخواسته، منافع آمریکا را در کشور پیگیری می‌کند.

۴. اشتباه محاسباتی در عدم پاسخ متقابل به دخالت‌های آمریکا

بخش مهمی از جریان مذاکره در انقلاب اسلامی در فرایند جنگ تحمیلی و قرارداد ۵۹۸ روی داد. تاریخ نشان داد همان کسانی که از عصر گفتمان به جای عصر موشک‌ها سخن گفتند، مبانی مذاکره و سازش با آمریکا را در همان زمان نیز داشتند. دخالت آمریکا در امور ایران با حمایت از رژیم حزب بعث و جنگ تحمیلی، در سال‌های پایانی دهه ۶۰ وارد مرحله جدیدی شد. پس از شکست ترنند آمریکایی‌ها در ماجرای مک فارلین، تابستان سال ۱۳۳۶ را می‌توان اوج درگیری‌های ایران و آمریکا دانست. هرچند نظر امام برخورد قاطع با آمریکا بود اما برخی چهره‌های سیاسی مانند آقای هاشمی رفسنجانی تمایلی به پاسخ قاطع به تجاوز شیطان بزرگ نداشتند. هاشمی در

۱. واترگیت به رویدادهایی در مورد تخلف انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا در سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۷۵ در هتلی به همین نام در واشینگتن دی.سی. گفته می‌شود که سبب به بالا گرفتن احتمال استیضاح و در نتیجه کناره‌گیری ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا در ۸ اوت ۱۹۷۴ شد. نیکسون اولین رئیس‌جمهور آمریکا بود که استعفا کرد. در ۸ سپتامبر ۱۹۷۴، جرال فورد جانشین نیکسون، وی را عفو کرد.

۲. چهل تدبیر، محمدعلی الفت‌پور، ص ۱۰۸؛ آوردگاه، محمدعلی الفت‌پور، ص ۴۳۶.

۳. برای مطالعه بیشتر در این مورد رک: «مروری بر مستند قمار؛ مذاکره با شیطان؛ مستندی درباره روابط مخفیانه هاشمی

رفسنجانی و حسن روحانی با آمریکا»، <https://www.mashreghnews.ir/news/1180158/>

خاطرات سال ۱۳۶۳ خود اذعان می‌کند باید «آتش‌بس در خلیج فارس را بپذیریم»^۱ امری که به اعتراف خود او مخالف نظر امام بود!

در تیر ۱۳۶۶ خبری منتشر شد مبنی بر اینکه ناوهای آمریکایی برای اسکورت نفتکش‌های کویتی می‌خواهند از تنگه هرمز عبور کنند و وارد خلیج فارس شوند. هنگامی که جلسه سران قوا در حضور امام برگزار شد، ایشان به حضار گفتند اگر من جای شما باشم اولین ناو آمریکایی که وارد تنگه هرمز شد را می‌زنم! برخلاف امام، مسئولین از این کار امتناع کردند. در نتیجه این مباحثات در برابر آمریکا، عراق با حمایت آمریکا، سکوهای نفتی ایران را مورد هدف قرارداد.

نبرد دریایی ایران و آمریکا در خلیج فارس که به «جنگ نفتکش‌ها» یا «نبرد خلیج فارس» معروف است، با رشادت سپاه پاسداران و دلاورمردانی همچون شهید نادر مهدوی و یارانش رقم خورد. سپاهیان اسلام در این نبرد، درس عبرت بزرگی به آمریکایی‌ها دادند. آنها فهمیدند امنیت خلیج فارس در وهله اول برای ایران است و اگر قرار باشد خلیج فارس ناامن باشد، برای همه ناامن خواهد بود. به این ترتیب ایران سیادت دریایی خود را به رخ آمریکا و کشورهای منطقه کشید.

آمریکا که با مقاومت بسیجیان و پاسداران اسلام روبه‌رو شده بود، از شدت عصبانیت دست به شیطنت دیگری زد و در شهریور ۱۳۶۶ با حمله به کشتی «ایران اجر» و به شهادت رساندن خدمه آن، روی دیگری از خصومت خود را نشان داد. در آن ایام آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس جمهور وقت، در اجلاس سالیانه سازمان ملل در نیویورک، واکنش مهمی نسبت به این جنایت نشان داد و نطق کوبنده‌ای علیه آمریکا در سازمان ملل ایراد کرد.

فشارها در عرصه داخلی و بین‌المللی همچنان بر امام وجود داشت تا ایران را پشت میز مذاکره بکشاند. حتی کشتار حجاج در تابستان ۱۳۶۶ توسط عربستان سعودی و حمله به هواپیمای مسافربری ایران بر فراز خلیج فارس در ۱۲ تیر ۱۳۶۷ که با شلیک مستقیم آمریکایی‌ها صورت گرفت در همین جهت قابل تحلیل است.

۱. به سوی سرنوشت، اکبر هاشمی رفسنجانی، ص ۱۱۶.

فشارهای بیرونی آمریکا در کنار عدم همراهی برخی نیروها و چهره‌های داخلی در نهایت ایران را وادار به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ کرد که امام خمینی^ع از آن به جام زهر تعبیر کرد.^۱

۵. مذاکره دولت سازندگی با دولت بوش پدر

پس از رسوایی ریگان در مذاکرات مک فارلین، بوش پدر به قدرت رسید. او نیز مانند سایر رؤسای جمهور آمریکا به دنبال مذاکره با ایران بود. او برای جلب اعتماد طرف ایرانی، بیانیه زیرکانه‌ای داد و در انتهایش نوشت: حسن نیت، حسن نیت می‌آورد. آقای هاشمی رفسنجانی به وعده و وعید آمریکایی‌ها دلخوش کرد. محمدجواد ظریف رابط ایران در مذاکرات بود. آقای هاشمی رفسنجانی به واسطه اعتمادی که حزب الله لبنان به ایران داشت و با استفاده از نفوذ ایران در لبنان، همه گروگان‌های آمریکایی در لبنان را تا بهمن ۱۳۷۰ آزاد کرد، حالا نوبت آمریکا بود تا به تعهدات خود عمل کند و دارایی‌های توقیف شده ایران را آزاد کند اما این وعده هیچ‌گاه محقق نشد!^۲

۶. مذاکرات دولت اصلاحات با دولت بیل کلینتون

با پیروزی محمد خاتمی در ۲ خرداد ۱۳۷۶، شعار تنش‌زدایی، رسانه‌های اصلاح‌طلب را فراگرفت. خاتمی که دیپلماسی و مذاکره را در اولویت برنامه‌هایش قرار داده بود، با سرعت به سمت مذاکره با آمریکا حرکت کرد.

اصلاح و بهبود رابطه با آمریکا و عادی‌سازی روابط که از آن به سیاست تنش‌زدایی یاد می‌شد یکی از شعارهای اصلی اصلاح‌طلبان و محمد خاتمی بود. آنها به گونه‌ای از تنش‌زدایی صحبت می‌کردند گویا تمام تنش‌ها زیر سر ایران است!

آلبرایت وزیر خارجه دولت کلینتون در فروردین ۱۳۷۷ از ایجاد رابطه میان ایران و آمریکا استقبال کرد. کار به جایی رسید که در اوایل سال ۱۳۷۸ سخنگوی وزارت خارجه

۱. آوردگاه، محمدعلی الفت‌پور، ص ۱۴۳ به بعد.

۲. <http://mshregh.ir570100>.

آمریکا اعلام کرد آمریکا آماده است تا کنسولگری خود را در تهران جهت تسهیل صدور ویزا راه‌اندازی کند!

تبریک سال نو به ایرانی‌ها و ابراز پشیمانی نسبت به گذشته و امید به ایجاد ارتباط در آینده، بخشی از ادبیات آبرایت و کلیتون شده بود.^۱

۷. مذاکرات دولت اصلاحات با بوش پسر

مذاکره ایران و آمریکا در دوره جرج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور آمریکا و عضو حزب جمهوری‌خواه، وارد مرحله دیگری شد. در زمان او مذاکره ایران و آمریکا دشوارتر شد. این خصمت جمهوری‌خواهان است که خیلی رو بازی می‌کنند و بر خلاف دموکرات‌ها، دیپلماسی عمومی ضعیف‌تری دارند. بوش صریحا اعلام کرد که سیاست آمریکا در قبال ایران، تغییر رژیم است.

حملات ۱۱ سپتامبر، درگیری‌های القاعده و طالبان در افغانستان، حمله آمریکا به افغانستان و سپس عراق مجموعه حوادثی بود که روند مذاکره دولت اصلاحات با آمریکا را وارد مدار دیگری کرد. خاتمی برای حادثه ۱۱ سپتامبر پیام صادر کرد. اصلاح‌طلبان نیز برای کشته‌های آمریکایی، در ایران شمع عزا روشن کردند. خاتمی برای اینکه برای رفتارهای خود پشوانه‌ای ایدئولوژیک بتراشد، تئوری گفتگوی تمدن‌ها را مطرح کرد. جالب اینکه شعار گفتگوی تمدن‌ها از سوی خاتمی زمانی بیان می‌شد که تئوری جنگ تمدن‌ها توسط هانتینگتون مبنای رفتار سیاسی و جنگ‌افروزی آمریکایی‌ها بود.^۲

اصلاح‌طلبان به قدری در برابر آمریکا کرنش کردند و بر طبل مذاکره کوبیدند که رهبر انقلاب در ابتدای خرداد ۸۱ در سخنانی تأکید کردند: شماری دم از مذاکره با آمریکا می‌زنند که این افراد یا با الفبای سیاست و یا با الفبای غیرت‌آشنایی ندارند. طرح اینگونه مسائل در این شرایط اهانت به عزت و غیرت ملت ایران است.^۳

1. www.ensafnews.com/192349.

۲. «نظریه برخورد تمدن‌ها»، علیرضا شجاعی‌زند، ص ۲۹-۳۱.

۳. بیانات در دیدار جمعی از اینارگران و خانواده‌های شهدا، ۱۳۸۱/۰۳/۰۱.

با این حال دولت خاتمی بر سر نابودی گروه‌های تروریستی در افغانستان با آمریکایی‌ها وارد مذاکره نیز شد اما طولی نکشید که بوش، ایران را محور شرارت خواند!^۱

۸. مذاکرات هسته‌ای در دوران اصلاحات

با مطرح شدن پرونده هسته‌ای ایران در عرصه بین‌الملل، سایت‌های هسته‌ای نطنز و اراک مورد توجه جدی غربی‌ها قرار گرفت. سازمان مجاهدین خلق با انتشار عکس‌هایی مدعی شده بود ایران فعالیت هسته‌ای غیرصلح‌آمیز دارد. آمریکا نیز به دنبال اجماع بین‌المللی برای محار ایران بود. آمریکا در سال ۲۰۰۲ ایران را متهم کرد که تعهدات خود را در قبال پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نقض کرده و درصدد تولید سلاح هسته‌ای است. آمریکایی‌ها توانستند در اقدامی غیرمتعارف قطعنامه شدیداللحنی علیه ایران به تصویب برسانند.^۲

ایران برای کاهش فشارهای جهانی و فشار آمریکا، به پروتکل الحاقی پیوست. ایران در ۲۹ مهر ۱۳۸۲ در پیمانی با عنوان «پیمان سعدآباد» در نشست مشترک با وزرای خارجه انگلیس، فرانسه و آلمان به توافقی رسید که بر اساس آن قرار شد ایران تمامی فعالیت‌های هسته‌ای خود را تعلیق کند.

بر اساس این بیانیه ایران فعالیت تاسیسات هسته‌ای خود را به حالت تعلیق در آورد و برای بازدید بازرسان آژانس اعلام آمادگی کرد. حسن روحانی به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی، مسئولیت این دوره از مذاکرات را بر عهده داشت.

این مذاکرات با چراغ سبز کامل آمریکا انجام گرفت. پس از مدتی آمریکایی‌ها که منافعشان را در فشار حداکثری به ایران می‌دیدند، اقدام به کارشکنی کردند و علی‌رغم عقب‌نشینی تیم مذاکره هسته‌ای به سرپرستی حسن روحانی در دولت اصلاحات، توانستند ۲ قطعنامه علیه ایران صادر کنند.^۳

۱. آوردگاه، محمدعلی الفت‌پور، ص ۴۳۹.

۲. چهل‌تدابیر، محمدعلی الفت‌پور، ص ۲۸۴.

۳. آوردگاه، محمدعلی الفت‌پور، ص ۴۴۵.

۹. مذاکره با آمریکا در دولت احمدی نژاد

شروع دولت نهم همراه با شروع فعالیت‌های هسته‌ای ایران در ۱۷ مرداد ۱۳۸۴ در تاسیسات یو سی اف اصفهان بود. از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ صنعت هسته‌ای ایران به شکوفایی و بالندگی رسید. سرعت ایران در راه‌اندازی تاسیسات هسته‌ای، آمریکا را متحیر کرد. تحرکات آمریکا و برخی کشورهای اروپایی علیه ایران، مشکلات زیادی از جمله تحریم را برای ایران به همراه داشت. محمود احمدی نژاد هرچند در ظاهر اعلام نمی‌کرد اما در دولت دهم به‌ویژه در دو سال پایانی دولتش به دنبال مذاکره با آمریکا بود، این موضوع را می‌توان در تغییر لحن سخنرانی‌های او در سازمان ملل نیز دید: ما گفتگو را رد نمی‌کنیم و اگر بنا به مذاکره در آمریکا باشد، مسائل زیادی برای گفتگو وجود دارد. (۵ مهر ۱۳۹۱)

چراغ سبزی که اوپاما در ۲۰ آوریل ۲۰۱۰ نشان داده بود، رؤسای جمهور برزیل و ترکیه را به ایران کشاند. دولت احمدی نژاد هم خوشحال از این ماجرا، بستر را برای مذاکره فراهم کرد. موافقت ضمنی اوپاما با غنی‌سازی ایران نقطه قوت این دور از مذاکرات به شمار می‌رفت اما هشدارهای مقام معظم رهبری در آن دوران حاکی از عدم اعتماد ایشان به قول طرف آمریکایی بود.

همزمان با انتشار بیانیه تهران و توافق بین ایران، برزیل و ترکیه، ناگهان سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، آن را اتفاقی معمولی دانست و گفت این توافق به هیچ وجه پاسخگوی نگرانی آمریکا درباره برنامه غنی‌سازی ایران نیست. آمریکا نه تنها زیر میز مذاکره زد بلکه به وضع تحریم‌های سنگین علیه ایران نیز پراخت!^۱

۱۰. برجام، حاصل مذاکرات دولت تدبیر و امید

می‌توان نقطه شروع مذاکرات دولت حسن روحانی با آمریکا را در اواخر دولت احمدی نژاد با میانجی‌گری عمان و در زمان وزارت خارجه علی‌اکبر صالحی دانست.

۱. همان، ص ۴۴۶.

حسن روحانی و جواد ظریف دو چهره اصلی طرفدار مذاکره با آمریکا از همان ابتدا نشان دادند که هدفشان تنها رسیدن به توافق با آمریکا است و مفاد توافق برایشان اهمیتی ندارد. حسن روحانی در همان اولین سفر خود به سازمان ملل، با بیان اینکه خزانه کشور خالی است و همچنین تماس تلفنی با اوباما نشان داد تا چه حد این توافق برایش مهم است.

حاصل ماه‌ها جلسه و گفتگو بین ایران و طرف‌های مذاکره کننده، «برجام» نام گرفت. هدف برجام همان طور که بارها اعلام شده بود، رفع کامل تحریم‌ها بود اما جالب اینکه از همان لحظه امضای برجام، آمریکا نه تنها تحریم‌ها را لغو نکرد بلکه تحریم‌های جدید علیه ایران وضع کرد. ایران بر اساس مفاد توافق، تمامی تعهدات خود را عمل کرد و با نابودی کامل تاسیسات فردو، ریختن بتون در قلب رآکتور آب سنگین اراک و تعطیلی تاسیسات نطنز، تمام خواسته‌های آمریکایی را برآورده کرد. حالا همه چشم‌ها به آمریکا بود.

مقام معظم رهبری از ابتدای مذاکرات فرمودند که بنده به مذاکره با آمریکا خوش‌بین نیستم^۱ اما گوش دولت بدهکار نبود. ایشان هنگامی که فشار و اصرار دولت را بر پذیرش برجام دیدند، پذیرش برجام را مشروط به ۹ شرط کردند؛^۲ شرطی که هیچ یک محقق نشد!

۱. مقام معظم رهبری در موارد مختلف نسبت به آمریکا و مذاکره عدم رضایت و خوش‌بینی خود را اعلام کردند. برخی از آنها عبارتند از:

مذاکره در موضوعات خاص اشکالی ندارد؛ منتها گفتیم من اعتماد ندارم، خوشبین نیستم به مذاکره. (۱۳۹۲/۰۸/۱۲)
به آمریکایی‌ها بدبینیم؛ به آنها هیچ اعتمادی نداریم. (۱۳۹۲/۰۷/۱۳)

من خوشبین نیستم؛ چون تجربه من این را نشان می‌دهد. آمریکایی‌ها، هم غیرقابل اعتمادند، هم غیرمنطقی‌اند، هم در برخوردشان صادق نیستند. (۱۳۹۲/۰۴/۰۳)

۲. مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۹ مهر ۱۳۹۴ در قالب نامه‌ای به جناب آقای روحانی، شرطی را برای اجرای برجام تعیین فرمودند که عبارتند از: گرفتن تضمین‌های قوی و کافی برای لغو تحریم‌ها، نقض برجام و توقف فعالیت‌های آن در صورت وضع هرگونه تحریم، آغاز فعالیت‌های بند ۴ و ۵ تنها پس از اعلام آژانس مبنی بر پایان پرونده PMD، آغاز نوسازی کارخانه اراک تنها پس از قرارداد طرح جایگزین و تضمین کافی اجرا، معامله و تبادل اورانیوم غنی شده در برابر کیک زرد در صورت عقد قرارداد مطمئن و تدریجی، تهیه طرح توسعه میان‌مدت صنعت انرژی اتمی و بررسی آن در شورای عالی امنیت ملی، ساماندهی تحقیق و توسعه برای غنی‌سازی در پایان دوره ۸ ساله به گونه‌ای که پس از این دوره هیچ کمبود فناوری برای ایجاد غنی‌سازی مورد قبول برجام وجود نداشته باشد، مرجع بودن متن مذاکرات و نه تفسیر طرف مقابل در موارد ابهام سند برجام، تشکیل هیئت رصدکننده انجام تعهدات طرف مقابل و تحقق الزامات اجرای برجام.

حسن روحانی نیز تا توانست منتقدین مذاکره با آمریکا و برجام را به باد توهین و ناسزا گرفت و دهان منتقدین را بست. یکی از انتقادهای منتقدین به تیم مذاکره کننده، عدم تضمین قطعی اجرای برجام از سوی آمریکا بود. برجامیان امضای جان کری را تضمین می‌دانستند ولی با خروج آمریکا از برجام در زمان ترامپ مشخص شد که برجام سست‌تر از آن چیزی بود که تصور می‌شد.^۱

تحلیل تجربه تاریخی جمهوری اسلامی از مذاکره

۱. اهداف آمریکا از مذاکره

سال‌های اخیر آمریکایی‌ها بارها اعلام کرده‌اند که استراتژی مذاکره را در دستور کار دارند و با ابزارها و شیوه‌های مختلف قصد دارند ایران را به پای میز مذاکره بکشانند. ترامپ بعد از اعمال تحریم‌های گسترده (فشار حداکثری) بارها ادعا کرد ایرانیان به زودی به پای میز مذاکره خواهند آمد. جو بایدن نیز اعلام کرد تحریم‌ها را برای بازگرداندن ایران به میز مذاکره برنمی‌داریم. این تغییر رفتار آمریکا این سوال را به ذهن خطور می‌کند که چرا آمریکایی‌ها بر مذاکره اصرار دارند؟

بررسی اسناد سیاسی و بررسی‌های مطالعاتی اتاق فکرهای آمریکایی نشان می‌دهد از آنجایی که آمریکایی‌ها از براندازی نظامی و سخت نظام جمهوری اسلامی ایران ناامید شده‌اند، براندازی نرم را دنبال می‌کنند. در این راستا از راهبردهای مختلفی برای نفوذ در روند سیاسی ایران بهره می‌برد. مذاکره یکی از اصلی‌ترین بسترهای راهبرد و سیاست نفوذ آمریکا در ساختارهای جمهوری اسلامی به شمار می‌آید.

برجام در شرایطی منعقد شد که مقامات آمریکایی اعتراف کرده بودند تحریم‌ها به بن‌بست رسیده و ساختمان تحریم‌ها (در اثر مقاومت ایران) در حال فروپاشی بود اما توافق برجام دستاویز و بهانه جدیدی دست آمریکا داد تا بتواند تحریم‌ها را علیه ایران مجدداً به کار گیرد. بنابراین آمریکا به مذاکره نیاز داشت نه ما؛ زیرا او در همه برنامه‌هایش

۱. آوردگاه، محمدعلی الفت‌پور، ص ۴۴۸.

علیه ایران شکست خورده بود و مذاکره ابزار جدید او برای مقابله با ما بود. مقام معظم رهبری در این مورد فرمودند:

البته شما این را هم می‌دانید و شاید بهتر از من بدانید که آمریکایی‌ها احتیاج دارند به مذاکره با جمهوری اسلامی. دولت‌های آمریکا - هم آن دولت قبلی، هم این دولت، هم دولت اسبق - همه احتیاج دارند نمایش بدهند که ما جایی مثل جمهوری اسلامی را کشاندیم پای میز مذاکره؛ این چیزی است که نیاز دارند. آن روزی که اواما موفق شد تلفنی با آقای دکتر روحانی صحبت بکند، اینها آنجا جشن گرفتند که خبرش بعداً رسید به ما از طُرُق. اینها احتیاج دارند به این قضیه؛ هیچ لزومی ندارد که ما این احتیاج آنها را برآورده کنیم.^۱ پیشنهاد مذاکره از سوی آمریکایی‌ها، یک تاکتیک آمریکایی و برای فریب دادن افکار عمومی است.^۲

اکنون نیز که فشار حداکثری به پایان رسیده است و عملاً آمریکا دیگر تحریمی ندارد که علیه ایران اعمال کند، باید مراقب باشیم که مذاکره فرصتی برای آمریکا ایجاد نکند. از این رو مقام معظم رهبری فرمودند ما وقتی به تعهداتمان در برجام عمل می‌کنیم که آمریکا همه تحریم‌ها را عملاً رفع کند.

از سال ۱۳۵۸ که روابط ایران با آمریکا قطع شد، جمهوری اسلامی در مراحل مختلف بر اصول و اهداف خود ثابت‌قدم باقی ماند. در نتیجه هم در ابعاد ملی و هم منطقه‌ای به قدرت بیشتری دست یافت. براینده کلی این دوران شکست برنامه‌های آمریکا و افزایش قدرت انقلاب اسلامی بود. در نتیجه آمریکا سیاست خود را از «تقابل» که هدف آن براندازی سخت‌افزارانه بود به «تعامل» که هدف آن نفوذ بود تغییر داد.

مقام معظم رهبری در این مورد می‌فرماید:

نیت آنها این بود که از این مذاکرات و از این توافقات، وسیله‌ای پیدا کنند برای نفوذ در داخل کشور. ما این راه را بستیم و این راه را به طور قاطع خواهیم بست؛ نه نفوذ اقتصادی آمریکایی‌ها را در کشورمان اجازه خواهیم داد، نه نفوذ سیاسی آنها را، نه حضور سیاسی آنها

۱. بیانات، ۱۳۹۷/۰۶/۰۷.

۲. بیانات، ۱۳۹۲/۰۱/۰۱.

را، نه نفوذ فرهنگی آنها را؛ با همه توان که این توان هم بحمدالله امروز توان زیادی است
مقابل خواهد کرد؛ اجازه نفوذ نخواهیم داد.^۱

اگر ما امروز راه را برای مذاکره با آمریکایی‌ها و وسوسه‌های آنها در بخش‌های مختلف،
باز کنیم، نه فقط زمینه‌ساز نفوذ آشکار و پنهان آنها شده‌ایم بلکه پیشرفت مورد نظر کشور
هیچ‌گاه محقق نخواهد شد و عقب‌ماندگی قطعی خواهد بود.^۲

«نفوذ» ابزاری جهت تحقق هدف براندازی به شکل نرم‌افزارانه بود که در قالب تغییر
سیاست‌ها و اهداف انقلاب اسلامی دنبال می‌شد. آمریکا برای تحقق این هدفش از ظواهر
سخت‌افزارانه مانند تهدید به جنگ استفاده کرد. مقام معظم رهبری این سیاست دشمن را
نیز به خوبی شناسایی و نقش بر آب کرد و با قدرت مثال‌زدنی فرمود: جنگ نخواهد شد،
مذاکره نخواهیم کرد.^۳ دوران ریاست جمهوری ترامپ به پایان رسید و همگان قدرت
تحلیل‌ای گفتار را دیدند.

می‌توان به چند عامل و مزیت اصلی که سبب تغییر راهبردی سیاست‌های آمریکایی‌ها
و رویکرد آنها به مذاکره البته با هدف نفوذ شد، به شرح زیر اشاره کرد:

۱. شکست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا به موازات تثبیت قدرت منطقه‌ای ایران؛
 ۲. اثبات ناکارآمدی گزینه نظامی علیه اقتدار و شکست‌ناپذیری جمهوری اسلامی ایران؛
 ۳. ناکامی در پیشگیری از فروپاشی رژیم تحریم‌های سخت و بی‌سابقه علیه ایران؛
 ۴. بلوغ و بالندگی دانش و تجربه ایرانیان در عرصه فناوری‌های نوین؛
- می‌توان برخی از اهداف و انگیزه‌های آمریکایی‌ها از اصرار بر مذاکره را در موارد زیر
خلاصه کرد:

اهداف سیاسی: بازگشایی مسیر نفوذ به منظور تحمیل اراده سیاسی، ایجاد معبری برای
تغییر محاسبات مسئولان، شکستن چهره استکبارستیزی جمهوری اسلامی، تقویت جریان
غرب‌گرا، گرفتن اهرم بسیج اجتماعی از طریق تابوشکنی سوژه‌های هویتی.

۱. بیانات، ۱۳۹۴/۰۵/۲۶.

۲. بیانات، ۱۳۹۵/۰۶/۲۸.

۳. بیانات، ۱۳۹۷/۰۵/۲۲.

اهداف اقتصادی: گشایش‌های اقتصادی کوتاه با طعم بهره‌برداری سیاسی، ورود سرمایه‌های خارجی به هدف نفوذ سیاسی و اقتصادی.

اهداف فرهنگی: تغییر اعتقادات فکری و ذائقه فرهنگی جامعه، آماده شدن بسترهای سبک زندگی غربی، آوردن رسانه‌های جریان استکبار.

اهداف منطقه‌ای: ایجاد ناامیدی در ملت‌های منطقه، مدیریت رفتار منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، شکست سازش‌ناپذیری، کشاندن مذاکرات به مسائل غیرهسته‌ای، ایجاد بازار پرسودی از صادرات تسلیحاتی به منطقه.

۲. دوگانه مقاومت - سازش

جمهوری اسلامی بعد از انقلاب دو الگو را در سیاست خارجی خود تجربه کرده است: ۱. مقاومت؛ ۲. سازش. اکنون دستاورد هر دو روش در مقابل ماست و می‌توانیم در مورد آن قضاوت کنیم:

تجربه برجام در دولت تدبیر و امید تکرار همان تجربه سیاست تنش‌زدایی در دولت اصلاحات بود. در هر دو مورد ایران سیاست تعامل و پذیرش شرایط مقابل را در پیش گرفت ولی این سیاست‌ها سبب نشد که ایران به حقوقش برسد بلکه در عمل طرف مقابل بر انتظاراتش افزود و حیطة اختیارات ما را کم کرد. در این مدت طرف غربی بدعهدی و نقض پیمان کرده و در مقابل ایران را به عمل نکردن به تعهداتش متهم کرده است. در همه این موارد ایران پذیرفت که برای رفع تحریم‌ها اقداماتی انجام دهد. در حالی که ایران همه تعهدات خود را انجام داده بود تحریم‌ها فقط در مدت زمان کوتاهی تعلیق شدند و پس از مدتی کوتاه مجدداً از سرگرفته و حتی تشدید شدند.

در نتیجه با افزایش تحریم‌ها، شرایط ما بعد از برجام و مذاکره، نسبت به قبل از آن تشدید شد. یعنی شرایط اقتصادی ما قبل از برجام و مذاکره بهتر از بعد از آن بوده است. در نتیجه مذاکره به ابزاری برای متوقف کردن ایران و معطل گذاشتن و شرطی کردن اقتصاد کشور منجر شده است. در این مدت کسانی که همه ظرفیت کشور را به مذاکره و

برجام گره زده بودند، اقتصاد کشور را منتظر عمل کردن غربی‌های به تعهداتشان نگه داشتند و عملاً فرصت‌های بسیاری را از دست دادند.

در مقابل، تجربه مقاومت (در عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی) به عزت و اقتدار کشور منجر شد. دستیابی به دانش هسته‌ای، توان علمی، قدرت فضایی، توانمندی نظامی، نفوذ منطقه‌ای و دستاوردهای پزشکی مانند واکسن کرونا در سایه برجام و سیاست تنش‌زدایی حاصل نشدند.

انقلاب اسلامی دستاوردهای گوناگونی داشته است که در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی قابل طبقه‌بندی و تحلیل است. طبیعی است که دستاوردهای انقلاب در همه این عرصه‌ها یکسان نیست و کمبودهایی وجود دارد ولی پرسش اساسی این است که مذاکره با آمریکا در تحقق این دستاوردها چه جایگاهی داشته است؟

جمهوری اسلام همه دستاوردهای خود را به برکت تمرکز بر ظرفیت‌های داخلی و تعالیم فرهنگ انقلابی کسب کرده است. تاریخ انقلاب گواهی می‌دهد که هرگاه به ظرفیت‌های بیگانه دل‌بستیم، شکست خوردیم. باید بر اساس روحیه انقلابی تمرکز خود را بر ظرفیت داخلی قرار دهیم و این ظرفیت را توسعه دهیم. البته تفکر انقلابی هیچ‌گاه از ظرفیت بیرونی غافل نمی‌شود و همه ظرفیت‌ها را برای تحقق اهداف انقلاب به کار می‌گیرد. بر این اساس اقتصاد مقاومتی درون‌زا و برون‌گرا است.

تجربه‌ای که ایران در چهار دهه گذشته کسب کرده این است که مقاومت در مقابل فشارهای خارجی بهتر از تسلیم جواب می‌دهد؛ فرمولی که هیچگاه کارآیی خود را برای ایران از دست نداده است؛ چنانکه مقام معظم رهبری فرمودند هزینه مقاومت کمتر از سازش است.^۱

تجربه مذاکره با آمریکا و غرب نشان داده است که هرگاه از موضع ضعف وارد

۱. «مقاومت هزینه دارد اما هزینه سازش و تسلیم، از هزینه مقاومت به مراتب بیشتر است.» (۱۳۹۸/۰۳/۱۴)

شده‌ایم، مجبور به دادن امتیازهای بیشتر شده‌ایم. مذاکره در عرصه بین‌الملل میدان فلسفه اخلاق نیست بلکه میدان قدرت و زورآزمایی برای دفاع از حق و کسب فرصت‌هاست. بنابراین لازم است ذره‌ای عقب‌نشینی نکنیم. در هر مرحله‌ای که برای اثبات حسن نیت، اعتمادزایی و تنش‌زدایی، به صورت داوطلبانه از برخی حقوق خود گذشته‌ایم، دشمن بر مطالبات و انتظارات نابه‌جای خود افزوده است.

دو جریان در کشور در مورد مذاکره و سازش اقدام کردند: ۱. ملی‌گرایان ۲. لیبرال‌ها. خروجی این دو جریان برای کشور غرب‌گرایی و سکولاریسم بود یعنی هم از جهت سیاسی و هم از جهت دینی در تقابل با انقلاب بودند.

تاریخ انقلاب نشان داده است رشد، پیشرفت و تعالی کشور حاصل گفتمان انقلاب است. سهم جریان ملی‌گرا و لیبرال در این انقلاب بسیار اندک است اگر نگوییم ضرر زده‌اند. ملی‌گرایان و لیبرال‌ها دم از ایران و وطن می‌زنند ولی تاریخ شهادت خواهد داد که جریان مذهبی و انقلابی بیشترین خدمات را به وطن، ایران و ملیت کردند. واقعیت این است که مذاکره نه‌تنها مشکلی از مشکلات کشور حل نمی‌کند بلکه کشور را درگیر بازی‌ها و بهانه‌های جدید آمریکا می‌کند:

بعضی خیال می‌کنند که مذاکره با آمریکا مشکلات کشور را حل می‌کند؛ این اشتباه بزرگی است، صددرصد اشتباه می‌کنند. طرف مقابل، نشستن ما پشت میز مذاکره و قبول مذاکره از سوی ایران را به معنای به زانو درآوردن جمهوری اسلامی می‌داند؛ می‌خواهد بگوید که ما بالاخره با فشار اقتصادی، با تحریم‌های شدید توانستیم ایران را به زانو دریاوریم تا بیاید با ما بنشیند پشت میز مذاکره. می‌خواهد این را به دنیا تفهیم بکند، می‌خواهد اثبات کند که سیاست «فشار حداکثری» یک سیاست درستی است و این سیاست اثر کرد، جمهوری اسلامی را بالاخره آورد پای میز مذاکره نشانده بعد هم هیچ امتیازی نخواهد داد؛ این را من به شما عرض می‌کنم. قطعاً و یقیناً اگر چنانچه مسئولین جمهوری اسلامی ساده‌لوحی می‌کردند و می‌رفتند می‌نشستند که با مسئولین آمریکایی مذاکره کنند، هیچ چیز گیرشان نمی‌آمد؛ نه از تحریم‌ها کم می‌شد، نه از فشارها کم می‌شد. به مجرد اینکه مشغول مذاکره می‌شدند، توقعات جدیدی و تحمیل‌های جدیدی

مطرح می‌شد؛ از جمله اینکه موشک‌هایتان این جور باشد، موشک نداشته باشید، بُرد موشک‌هایتان از ۱۰۰ کیلومتر، ۱۵۰ کیلومتر بیشتر نباشد.^۱

۳. سراب دموکرات - جمهوری خواه

حضور مستقیم و مستمر سیاسی آمریکا در ایران به اوایل دهه ۳۰ باز می‌گردد. ملاحظه این تجربه ۷۰ ساله حاکی از آن است که آمریکایی‌ها همواره به فکر منافع خود بوده‌اند و هیچ‌گاه استقلال سیاسی و اقتصادی ایران را به رسمیت نشناختند.^۲ آمریکایی‌ها در شرایطی وارد صحنه سیاسی ایران شدند که ایران با نهضت ملی شدن صنعت نفت انگلیس را از کشور خارج کرده بود. از همان ابتدا آمریکایی‌ها با چهره خیرخواهانه وارد ایران شدند ولی خیلی زود با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ماهیت واقعی خود را نشان دادند. در این مدت ماهیت رفتار آمریکا با ایران چه از طرف جمهوری خواهان و چه دموکرات‌ها یکی بود. خروجی رفتاری و دستاورد عملی ابراز تأسف مادلین البرایت^۳ (وزیر امور خارجه آمریکا در دوران ریاست جمهوری کلینتون) و تبریک نوروزی اوپاما به زبان فارسی با محور شرارت خواندن ایران توسط بوش پسر و فشار حداکثری ترامپ، یکسان بود و تحریم‌های همه‌جانبه را علیه ایران به همراه داشت. قبل از انقلاب و اوایل انقلاب، اولویت انقلابیون در مرحله اول مبارزه با استبداد بود ولی هیچ‌گاه مبارزه با استعمار و نظام سلطه از دستور کار انقلاب خارج نبوده است. فراموش نمی‌کنیم که تبعید امام خمینی به دلیل مخالفت با کاپیتولاسیون و اعتراض به دخالت و جنایت آمریکا در ایران بود.

۱. بیانات، ۱۳۹۸/۰۸/۱۲.

۲. برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک: آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، کامران غضنفری؛ بررسی تاریخ روابط ایران، شورای پژوهشگران بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی؛ تاریخ روابط خارجی ایران، عبدالرضا هوشنگ مهدوی؛ عقاب و شیر، جیمز بیل؛ سیاست خارجی آمریکا و شاه، مارک گازیوروفسکی؛ رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، جمیل کدیور.

۳. مادلین آلبرایت بدون عذرخواهی، مسؤولیت کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را پذیرفت.

برای مطالعه بیشتر در مورد کودتای ۲۸ مرداد براساس اسناد سازمان سیا و وزارت خارجه آمریکا ر.ک: ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران، حسن واعظی؛ اسرار کودتای ۲۸ مرداد با شرح عملیات آژاکس، پی‌ام وود هاوس.

جریان‌شناسی مذاکره در تاریخ انقلاب نشان می‌دهد در اوایل انقلاب که جریان انقلابی‌گری از حرارت و شور بیشتر برخوردار بود، طرفداران مذاکره با آمریکا از عرصه سیاست حذف شدند. نمونه بارز آن دولت موقت است. با گذشت انقلاب، کم و بیش گفت‌وگوهای مذاکره تقویت شد. شرایط جنگ تحمیلی اولین زمینه‌ها را برای مذاکره فراهم کرد. با گذشت انقلاب، دولت‌هایی که در ایران مذاکره را مطرح کردند، با ناهمخوانی دولت‌های جمهوری‌خواه و دموکرات در آمریکا مواجه شدند. دولت اصلاحات که با کلیتون (رئیس جمهور دموکرات آمریکا) مبنای مذاکره را گذاشته بود با روی کار آمدن بوش پسر از حزب جمهوری‌خواه، برنامه‌هایش به هم خورد تا جایی که سیاست تنش‌زدایی دولت اصلاحات به اینجا ختم شد که آمریکا ایران را محور شرارت خواند. دولت تدبیر و امید نیز برجام را که مهم‌ترین سند مذاکره بعد از انقلاب بود، با دولت آمریکا در زمان اوباما، منعقد کرد ولی با روی کار آمدن ترامپ، آمریکا از برجام خارج شد و با اجرای سیاست فشار حداکثری، تحریم‌هایی بیشتر از قبل برجام بر ایران تحمیل کرد. تجربه مذاکره با غرب این گزینه را در مقابل ما قرار داده است که نگاهی به شرق نیز داشته باشیم و دوگانه جمهوری‌خواه-دموکرات را رها کنیم. نظام سیاسی ایران قبل از انقلاب کاملاً غرب‌گرا بود و نگاهی به شرق نداشت. اکنون با شکست تجربه مذاکره با غرب و همچنین تغییر وزن استراتژیک نظام بین‌الملل از غرب به شرق، لازم است برنامه کلان جمهوری اسلامی با نگاه به شرق تدوین شود. تدوین برنامه ۲۵ ساله با چین^۱ و همچنین ارتقای سطح روابط با روسیه در این راستا تحلیل می‌شود.

۱. در این مورد مقاله‌ای در شماره ۱۰ (مرداد ۱۳۹۹) ماهنامه حوزه انقلابی چاپ شد. ر.ک: «تحلیل و بررسی برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک ایران و چین»، گروهی از نویسندگان، ص ۷۳-۸۵.

منابع

۱. «اصول و قواعد بنیادین فقهی حاکم بر مذاکره»، مهدی موحدی‌نیا، علی مظهر قراملکی، سیدمحمد حسینی، پژوهش‌های فقهی، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷.
۲. «الگوی مذاکره در سیره نبوی»، ابوذر گوهری مقدم، حامد کیانی مجاهد، دوفصلنامه علمی دانش سیاسی، سال پانزدهم، شماره اول (پیاپی ۲۹)، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۳. «تحلیل و بررسی برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک ایران و چین»، گروهی از نویسندگان، ماهنامه حوزه انقلابی، شماره ۱۰، مرداد ۱۳۹۹.
۴. «کاربست مذاکره در دیپلماسی کشور اسلامی»، قاسم شبان‌نیا، حکومت اسلامی، سال بیست‌ویکم، شماره اول (پیاپی ۷۹)، بهار ۱۳۹۵.
۵. «نظریه برخورد تمدن‌ها»، علیرضا شجاعی‌زند، بازتاب اندیشه، شماره ۱۶، تیر ۱۳۸۰.
۶. اسناد لانه جاسوسی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، کتاب دهم، تهران، ۱۳۹۰.
۷. آوردگاه: چهل پاسخ به شبهات و چالش‌ها پیرامون ماهیت و تاریخ انقلاب اسلامی ایران، محمدعلی الفت‌پور، یقظه، تهران، ۱۳۹۹.
۸. بازگشت از نیمه راه، محمدعلی الفت‌پور، ناشر: مولف، ۱۳۹۵.
۹. به سوی سرنوشت (خاطرات هاشمی رفسنجانی در سال ۶۳)، اکبر هاشمی رفسنجانی، نشر معارف انقلاب، تهران، ۱۳۸۶.
۱۰. چهل تدبیر (مروری بر مقاطع بحرانی تاریخ جمهوری اسلامی ایران)، محمدعلی الفت‌پور، پرستا (وابسته به موسسه فرهنگی هنری پرستای حق)، تهران، ۱۳۸۹.
۱۱. نقاب‌ها: جریان‌شناسی نفوذ در تاریخ انقلاب اسلامی ایران؛ نگاهی به پیدا و پنهان ۳۶ پرونده نفوذ و استحاله سیاسی، فکری و فرهنگی ایران، محمدعلی الفت‌پور، ناشر: مولف، ۱۳۹۷.
۱۲. نهضت آزادی، مروری بر تاریخچه، ماهیت و عملکرد، علی رضوی‌نیا، کتاب صبح، تهران، ۱۳۸۷.



ضرورت و هویت حوزه انقلابی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

محمد ملک‌زاده^۱

چکیده

حوزه انقلابی یکی از مهم‌ترین واژگانی است که مقام معظم رهبری در مقام بیان انتظارات از حوزه‌های علمیه مطرح کردند. با توجه به جایگاه و تاثیر حوزه در تشکیل انقلاب اسلامی، انقلابی بودن حوزه، عامل و ملاک مهمی برای تداوم هویت و اصول انقلاب اسلامی است. شرایط سیاسی قبل از انقلاب اسلامی به گونه‌ای بود که تفکیک بین حوزه انقلابی و غیرانقلابی مطرح نبود ولی شرایط پس از انقلاب و لزوم حفظ دستاوردهای انقلاب این مفهوم را به صورت ویژه مطرح کرد.

یکی از لوازم تحقق حوزه انقلابی تبیین صحیح آن و ارائه مفهومی عملیاتی و جامع از آن است. حوزه انقلابی را در سه ساحت می‌توان مورد بررسی قرار داد: حوزه به مثابه نهادی ذیل انقلاب و مجموعه نظام، انقلابی بودن علوم حوزوی، انقلابی بودن عناصر حوزوی و مجموعه روحانیت. **واژگان کلیدی:** حوزه انقلابی، سکولاریسم، علوم حوزوی، تحول‌خواهی، استقلال حوزه.

۱. دانش‌آموخته حوزه، استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مقدمه

یکی از دغدغه‌های اساسی مقام معظم رهبری، حفظ هویت انقلاب از طریق انقلابی بودن و انقلابی ماندن است. این موضوع همواره یکی از موضوعات ثابت مطالبات ایشان بوده است که در مقاطع مختلف همواره تأکید ویژه‌ای بر لزوم صیانت از شور انقلابی، حفظ روحیه انقلابی، انقلابی عمل کردن و انقلابی‌گری داشته‌اند.

رهبر معظم انقلاب معتقدند انقلاب اسلامی بر مبنای سه رکن «مذهب»؛ «رهبری» و «مردم» شکل گرفته است و دلیل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی را باید در ویژگی «انقلابی بودن» هر سه رکن مذکور جستجو کرد. از این رو انقلابی بودن را نباید به دوران مبارزه برای پیروزی نهضت و یا دوران رهبری بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران منحصر کرد، بلکه آن ویژگی مثبتی است که باید در تمام دوران حیات بشری جریان داشته باشد. لذا ایشان تنها راه پیشرفت و ترقی جمهوری اسلامی را حفظ روحیه انقلابی‌گری و تلاش و کوشش برای انقلابی ماندن در دوره کنونی دانسته و تأکید می‌کنند باید ضمن آشنایی با ویژگی‌ها و شاخصه‌های انقلابی بودن، از آن برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی بهره گرفت.

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مصادیق انقلابی بودن را در چارچوب معنایی مکتب امام و انقلاب و اعتقاد راسخ آن بزرگمرد به اسلام انقلابی و ارزش‌های انقلاب اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. از نظر ایشان نظام اسلامی بر مبنای شاخصه‌هایی چون ولایت‌مداری، مردم‌محوری، حفظ استقلال و عدالت‌خواهی همراه با بصیرت دینی و سیاسی قرار گرفته است. ایشان همچنین انقلابی بودن در این دوره را منوط به هدف‌گیری مستمر آرمان‌ها و همت بلند برای رسیدن به مبانی و ارزش‌های یادشده می‌داند که امروزه به‌عنوان یکی از چالش‌های جدی جامعه اسلامی به حساب می‌آید.

ضرورت پرداختن به موضوع حوزه انقلابی از آنجا ناشی می‌شود که از ابتدای پانهادن در مسیر مبارزه با رژیم ستم‌شاهی پهلوی تا سقوط آن رژیم و پیروزی انقلاب اسلامی، همواره گروه‌ها و جریان‌های مخالفی از جمله در میان جریان‌های حوزوی وجود داشته‌اند که با قرار گرفتن در مسیر انقلاب، به اشکال مختلف نارضایتی خویش را از این حرکت نشان داده‌اند.

ضرورت و هویت حوزه انقلابی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

هرچند حضور، پیشگامی و هوشیاری روحانیت اصیل در جریان انقلاب اسلامی ایران را باید یکی از مهم‌ترین علل و عوامل تعیین‌کننده در پیروزی این انقلاب دانست، اما در این میان نمی‌توان نقش برخی گروه‌های غیرانقلابی متناسب به حوزه را نیز در ایجاد مانع در مسیر انقلاب از نظر دور داشت. از این رو ضروری است در خلال فهم ماهیت انقلابی‌گری، شاخصه‌ها و ویژگی‌های آن، جریان‌های گوناگون غیرانقلابی حوزوی را نیز مورد مطالعه و بررسی دقیق‌تر قرار داد.

برآمدن حوزه انقلابی و غیرانقلابی در دوره معاصر

حوزه‌های علمیه در طول تاریخ اسلام و تشیع، همواره پاسخگوی نیازهای جامعه بوده و هدایت مردم به سوی سعادت را عهده‌دار بوده‌اند. در بیشتر مقاطع تاریخ اسلام، به دلیل فراهم نبودن شرایط تاسیس حکومت اسلامی و اقتضائات زمانه، وظایف اصلی حوزه‌ها، بیشتر بر پاسخگویی به نیازهای فردی افراد جامعه متمرکز بود و کمتر جامعه به سوی حاکمیت ارزش‌های سیاسی و حکومتی دین اسلام، سوق داده می‌شد.

در این شرایط تفکیک دو حوزه انقلابی و غیرانقلابی چندان موجه نبود، ولی در دوره معاصر و از زمان آغاز نهضت انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی^ع و تلاش ایشان جهت تحقق حکومتی با محوریت فقه شیعه و رهبری فقیه جامع‌الشرایط، همزمان می‌توان شکل‌گیری دو جریان انقلابی و غیرانقلابی را در حوزه مشاهده کرد.

مسلمانان بدنه اصلی حوزه را جریان انقلابی شکل داده است؛ زیرا کاملاً واضح است که خاستگاه انقلاب اسلامی به رهبری یک فقیه جامع‌الشرایط، در حوزه‌های علمیه و با حمایت عالمان و طلاب انقلابی پایه‌ریزی گردید و جمهوری اسلامی نیز نظامی برخاسته از اندیشه دینی مکتب تشیع و برآمده از حوزه و روحانیت بوده است. بر اساس همین منطق، حوزه‌های علمیه، پس از پیروزی انقلاب، متصدی ارکان مختلف نظام سیاسی شده و بسیاری از مناصب اجرایی و حکومتی همچون ولایت فقیه، عضویت در شورای نگهبان، مسئولیت قوه قضائیه و امور دیگر را عهده‌دار شدند.

اگر روحانیت انقلابی جهت اقامه اسلام حداکثری در بستر جمهوری اسلامی، به حمایت از دیدگاه‌های انقلابی امام خمینی^{ره} برنمی‌خاست، نظام اسلامی با ویژگی‌های ممتاز آن، هرگز تحقق نمی‌یافت و ارزش‌های دینی و سیاسی مکتب اهل بیت^{علیهم‌السلام} حاکم نمی‌گردید و اسلام اصیل در منطقه وسیعی از جهان، هرگز این گونه توسعه نمی‌یافت.

هر چه اهمیت نقش عالمان انقلابی در انقلاب اسلامی ایران آشکارتر گردید، تلاش و برنامه‌ریزی دشمنان برای انقلاب‌زدایی از حوزه علمیه و تقویت بعد غیرانقلابی حوزه نیز افزایش یافت؛ لذا بنیانگذار جمهوری اسلامی با هشدار نسبت به کم‌اهمیت دانستن نقش دشمنان در این موضوع می‌فرمود: «راستی اگر کسی فکر کند که استعمار، روحانیت را با این همه مجد و عظمت و نفوذ تعقیب نکرده و نمی‌کند، ساده‌اندیشی نیست؟»^۱

برخی از تفکرات غیرانقلابی در جریانات حوزوی که همواره با حمایت دشمنان ترویج گردیده‌اند، عبارتند از: مخالفت صریح برخی جریانات حوزوی با اصل انقلاب در قالب اندیشه‌هایی همچون تفکرات انجمن حجتیه، مخالفت با مبانی ولایت فقیه و تضعیف آن با هدف ترویج مرجعیت غیرحکومت‌مدار، تبلیغ جدایی دین از حکومت با استناد به برخی آیات و روایات، منحصر دانستن حکومت مشروع دینی به حکومت معصومان^{علیهم‌السلام} و تلاش برای عرفی کردن حکومت دینی با استفاده از تجارب غربی.

هویت حوزه انقلابی

یکی از مهم‌ترین نیازهای جامعه امروز ما، مطالبه انقلابی‌گری و تفکیک جریان‌های انقلابی از غیرانقلابی به‌ویژه در نهاد حوزه و روحانیت به‌عنوان پرچم‌دار انقلاب اسلامی است. از بیانات و عملکردهای مقام معظم رهبری به دست می‌آید که تأکید اصلی معظم له بر لزوم صیانت از شور انقلابی، حفظ روحیه انقلابی‌گری و انقلابی عمل کردن است. ایشان همچنین انقلابی بودن در مقطع حساس کنونی را منوط به هدف‌گیری مستمر

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۷.

آرمان‌ها و همت بلند داشتن برای رسیدن به مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی می‌دانند که امروزه به‌عنوان یکی از چالش‌های جدی جامعه اسلامی به حساب می‌آید. بر این اساس ضروری است ما با شناخت دقیق‌تر از جریان‌های غیرانقلابی در مراکز مختلف به‌ویژه در مراکز حساسی چون حوزه‌های علمیه و نهاد روحانیت، از موجودیت انقلاب و نظام اسلامی پاسداری کنیم؛ زیرا به فرموده مقام معظم رهبری «اگر بخواهیم نظام اسلامی همچنان اسلامی و انقلابی بماند، باید حوزه علمیه انقلابی بماند؛ زیرا اگر حوزه علمیه انقلابی نماند، نظام در خطر انحراف از انقلاب قرار خواهد گرفت.»^۱ لازمه این امر، شناخت کاملی از مفهوم، ضرورت‌ها و بایسته‌های حوزه انقلابی، پیش از پرداختن به تفکرات غیرانقلابی و بحث و بررسی پیرامون آن در حوزه می‌باشد.

از اصطلاح حوزه انقلابی، حداقل سه برداشت مختلف می‌توان ارائه کرد:

۱. حوزه به مثابه نهادی ذیل انقلاب و مجموعه نظام

بر اساس یک برداشت، مراد از حوزه انقلابی، استناد حوزه و روحانیت، به انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی به مثابه «نهادی ذیل این نظام و مدافع آن» است. در این برداشت گرچه حوزه به‌عنوان نهادی مستقل از نظام اسلامی در نظر گرفته نمی‌شود و کارکرد آن ذیل مجموعه نظام و به‌عنوان یکی از ارکان آن تعریف می‌شود اما الزاما به معنای منفی «وابستگی حکومتی» و عدم هویت و استقلال فکری نیز نمی‌باشد.

از این رو رهبر انقلاب در تبیین نسبت حوزه با انقلاب و نظام اسلامی می‌فرماید:

آنچه که لازم است عرض بکنم که از همه این مطالب مهمتر است، نسبت حوزه‌های علمیه با انقلاب و نظام اسلامی است. هیچ‌کس در عالم روحانیت، اگر انصاف و خرد را میزان قرار بدهد، نمی‌تواند خودش را از نظام اسلامی جدا بگیرد.^۲

با توجه به حضور فعال روحانیت در عرصه جامعه و سیاست و با توجه به آنکه نظام

۱. بیانات، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵.

۲. بیانات، ۱۳۹۱/۰۷/۱۹.

اسلامی با هدایت و رهبری یک فقیه جامع الشرایط و پشتیبانی طلاب و علمای حوزه‌های علمیه تاسیس شده است، در ادامه مسیر نیز حوزه باید در کنار نظام اسلامی باشد و به‌عنوان بخشی از مجموعه انقلاب، هر جایی که نظام سیاسی به کمک آن نیاز داشته باشد، اعم از تولید اندیشه یا اطلاع‌رسانی و... همراهی نماید.

۲. انقلابی بودن علوم حوزوی

در برداشت دیگر از حوزه انقلابی، واژه «انقلابی» می‌تواند وصف ساختار حوزه و «علوم حوزوی» باشد. انقلابی بودن علوم حوزوی به معنای ویژگی تحول‌خواهی در علوم موجود حوزوی است به گونه‌ای که این ویژگی، دانش‌های حوزوی را در راستای اداره مطلوب ساحت‌های مختلف نظام اسلامی به کار گرفته و ضمن طراحی ساختار مناسب و محتوای مطلوب این علوم، پاسخ‌گویی به پرسش‌های نظام را مد نظر قرار دهد. بدیهی است این امر موجب تحول، پویایی و روزآمدی، کارآمدی، نظام‌وارگی و کاربردی شدن دانش‌های حوزوی در عصر موجود خواهد شد.

کارآمد نمودن ساختار حوزه و علوم حوزوی پیش از هر چیز نیازمند باور به تحول‌خواهی با توجه به امکانات، شرایط و موانع موجود است و باید به گونه‌ای طراحی شود که بتواند در زمانی کمتر و با مطلوبیت بیشتر، غایات حوزه و اهداف و نیازهای انقلاب را تأمین نماید. لذا رهبر انقلاب می‌فرماید:

حوزه برای پیشرفت خود باید از ابزارها و روش‌های متداول در محیط‌های علمی استفاده کند و خود را از امکاناتی که بشر را در کسب علم موفق‌تر می‌سازد محروم نسازد. در دنیایی که تازه‌های ابزاری و ساختاری به دانش‌پژوهان فرصت می‌دهد که تازه‌ترین دستاوردهای ذهن بشر را به سهولت کسب کنند، روا نیست که طالب علم دین، راهی به نوآوری در روش‌های ناقص و معیوب نداشته باشد.^۱

این همان چیزی است که ایشان از آن با عنوان ضرورت «زنده بودن حوزه» برای مفید بودن آن یاد می‌کند:

۱. بیانات، ۱۳۷۱/۸/۲۴.

باید حوزه زنده باشد، سالم باشد، قوی باشد تا بتواند رشد کند و آفاق جدیدی را باز کند، منطقه جدیدی را در اختیار مستفیدین از فواید خود قرار بدهد.^۱

۳. انقلابی بودن عناصر حوزوی و مجموعه روحانیت

در برداشت دیگر از حوزه انقلابی، واژه «انقلابی» می‌تواند صفتی برای «مجموعه روحانیت» اعم از طلاب، اساتید و علمای حوزوی باشد. بدیهی است انقلابی بودن هر کدام از این گزینه‌ها می‌تواند مفهوم حوزه انقلابی را تبیین نماید. به‌عنوان مثال در وضعیت کنونی، نوع رفتارهای سلبی یا ایجابی طلاب، اساتید و علمای حوزه در حمایت از نظام اسلامی، دفاع از آرمان‌های انقلاب در برابر دشمنان داخلی و خارجی و تقابل با نظام سلطه، در راستای مفهوم انقلابی‌گری حوزه علمیه و نهاد روحانیت قابل تعریف است. آیت‌الله خامنه‌ای با گلایه از فقدان این ویژگی در حوزه علمیه قبل از انقلاب می‌فرماید:

در حوزه علمیه قم درس زیاد بود، تلاش علمی خیلی بود، درس خواندن یک کار جدی بود، تقوی و معنویت هم انصافاً بود. اما از درک سیاسی و جهت‌گیری سیاسی و شوق و میل به حاکمیت اسلام خبری نبود. با اینکه بزرگانی بودند، علمای اعلام، آیات عظام، مدرسین، همه مخلص، همه عالم، هم در فقه اسلامی صاحب نظر و متبحر، اما در عین حال آن اندیشه حاکمیت اسلام در حوزه فقه رایج نبود. حتی می‌خواهم بگویم درس قرآن در حوزه نبود، درس حدیث در حوزه نبود، درس نهج‌البلاغه در حوزه نبود، تا اینکه انقلاب آمد، وقتی انقلاب آمد یعنی اسلام متحرک، اسلام متنی صحیح و معقول و زنده وقتی که آمد، واقعاً همه را زنده کرد.^۲

مفهوم انقلابی بودن روحانیت و علمای دین، هم می‌تواند در عرصه اندیشه باشد و هم در عرصه عمل؛ یعنی گاهی یک عالم دینی به لحاظ اندیشه فردی انقلابی است و گاهی به لحاظ عملی، رفتاری انقلابی دارد و در حوزه عملیاتی انقلابی عمل می‌کند. بنابراین در این صورت انقلابی بودن حوزه به مثابه یک وصف یا حالت و یا به معنای داشتن روحیه انقلابی برای علمای دینی خواهد بود.

۱. بیانات، ۱۳۷۴/۹/۱۳.

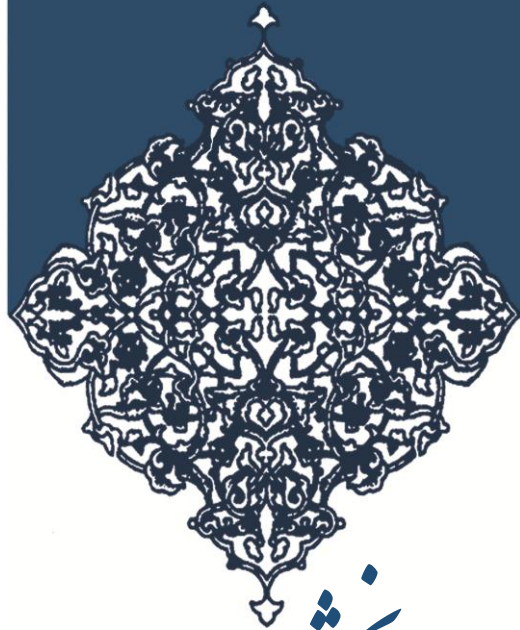
۲. بیانات، ۱۳۶۰/۳/۱۰.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس برداشت‌ها و احتمالات سه‌گانه فوق از مفهوم حوزه انقلابی، سه مفهوم کلیدی و اساسی را می‌توان در معنای حوزه انقلابی جای داد. این سه مفهوم عبارتند از: «حمایت و پشتیبانی از انقلاب و نظام اسلامی»، «تحول‌خواهی و کارآمدی» و «دغدغه‌مندی نسبت به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران».

سلامت حوزه انقلابی منوط به حفظ و پاسداری از مفاهیم کلیدی آن و دور نگهداشتن حوزه از آفت‌ها و آسیب‌های حوزه انقلابی است. مهمترین آسیب در این زمان، آفت تفرقه است که می‌تواند صدمه جدی به شاکله حوزه انقلابی وارد کند و آن را از حالت سازندگی، پویایی و بالندگی دور سازد.

حوزه می‌تواند با تکیه بر نقاط مشترک و دوری از عوامل بی‌ثمر اختلاف‌زا به مراقبت از روحیه انقلابی خود بپردازد. در این زمینه به‌ویژه می‌توان بر افزایش ارتباطات حوزه‌های علمیه با مراکز مختلف علمی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی با هدف ترویج فرهنگ ناب شیعی و آموزه‌های والای مکتب اهل بیت علیهم‌السلام تأکید کرد.



بخش دوم
فرہنگ و اجتماع



نقد انگاره فرادستی روحانیت در جمهوری اسلامی ایران

سیدمحمدهادی مقدسی^۱

چکیده

اقتدارگرایی در کنار دموکراسی، دو گونه اصلی رژیم‌های سیاسی امروزی تلقی می‌شود. طبق این دیدگاه در طبقه‌بندی حکومت‌ها، اگر یک رژیم سیاسی از قبیل رژیم‌های دموکراتیک نباشد، به ناچار رژیمی اقتدارگرا خواهد بود. اقتدارگرایی از استبداد کلاسیک تمایز دارد و حاوی عناصر و مؤلفه‌های پیچیده‌ای است. برخی از مؤلفه‌های آن را می‌توان مولود ساختار و بعضی دیگر را ناشی از کنش‌های کارگزار دانست.

در این تحقیق، یکی از مؤلفه‌های کارگزاری اقتدارگرایی با عنوان فرادستی، با استفاده از روش تحلیل محتوا، نسبت به نظام سیاسی جمهوری اسلامی ارزیابی می‌گردد. برخی معتقدند روحانیت در جمهوری اسلامی، به‌مثابه یک طبقه است که بدون اساس و بنیاد موجّه، امتیازاتی را به خود اختصاص می‌دهد.

در این مقاله، نادرستی این انگاره اثبات می‌شود. کارویژه روحانیت، هدایت‌گری به آموزه‌های اسلامی است و تشکیل حکومت تغییری در آن ایجاد نمی‌کند.

واژگان کلیدی: روحانیت، فرادستی، اقتدارگرایی، جمهوری اسلامی ایران.

۱. دانشجوی دکترای اندیشه سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*.

مقدمه

یکی از تقسیمات مشهور برای نظام‌های سیاسی در دوران معاصر، تقسیم حکومت‌ها به دموکراسی و اقتدارگرایی است. در مباحث نظری علوم سیاسی وانمود می‌شود حکومت‌ها بالضروره یا دموکرات هستند یا اقتدارگرا و این دو نوع نظام سیاسی در برابر یکدیگر قرار دارند و در مسائل اساسی دارای اختلافات بنیادین هستند.

در اقتدارگرایی برخلاف دیکتاتوری با برگزاری انتخابات از آرای عمومی برای گزینش مقامات استفاده می‌شود، اما کاندیداهای انتخابات یا توسط حکومت باید مورد تأیید قرار گیرند یا اینکه اساساً یک حزب سیاسی وجود دارد و مردم باید منتخب حزب را دوباره انتخاب کنند.

هرچند در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، بحث از نسبت «ولایت فقیه و استبداد» در محافل سیاسی جریان داشت، اما امروزه این بحث قابل طرح نیست، زیرا در دوره معاصر به سختی می‌توان دیکتاتوری‌های کلاسیک را به‌عنوان یک گونه از نظام‌های سیاسی معاصر شناسایی کرد؛ زیرا رژیم‌های استبدادی کلاسیک هیچ‌گونه فرصتی برای نقش‌آفرینی مردم فراهم نمی‌کردند و همه امور بر طبق خواست و اراده حاکم و بدون دخالت رأی و رضایت مردم صورت می‌گرفت.

اقتدارگرایی و تمامیت‌خواهی گونه جدید استبداد در قرن بیستم هستند که حکومت‌های غیردموکراتیک به آن موصوف می‌شوند. چنین رژیم‌هایی برخلاف استبداد کلاسیک که بر خواست شه‌ریار مبتنی بود، بر قانون اساسی استوار است و از انتخابات برای گزینش مقامات سیاسی استفاده می‌شود. امروزه گسترده‌ترین رویکردهای نظری درباره رژیم‌های غیردموکراتیک، دو مفهوم اقتدارگرایی^۱ و تمامیت‌خواهی^۲ را دنبال می‌کنند.

اگر شاخصه‌های اقتدارگرایی را در دو دسته ساختاری و کارگزاری دسته‌بندی کنیم، فرادستی یکی از عناصر کارگزاری اقتدارگرایی است. فرادستی، اساساً یکی از دیدگاه‌ها در

1. Authoritarianism.

2. Totalitarianism.

مسئله فرمانروایی سیاسی است و به این صورت تبیین می‌شود: «شخصی از نوع X بر شخصی از نوع Y فرمانروایی دارد، اگر و فقط اگر Y طبیعتی داشته باشد که وی را مناسب دستور گرفتن از X کند، و X طبیعتی داشته باشد که وی را مناسب دستور دادن به Y کند.»^۱ پوپر، «اصل امتیاز طبیعی» را یکی از مبانی توتالیتریزم به‌عنوان یکی از گونه‌های اقتدارگرایی می‌داند و آن را در برابر تساوی‌طلبی قرار می‌دهد. بر این اساس همان‌گونه که «ارباب» بر «برده» و «مرد» بر «زن» برتری دارد، «برخی انسان‌ها» (حاکم) بر «برخی انسان‌های دیگر» (مردم) برتری دارند و همان‌گونه که «برده» و «زن» توانایی لازم برای تدبیر امور خویش را ندارند، و این امر باید توسط «ارباب» و «مرد» صورت گیرد، «برخی انسان‌ها» (مردم) نیز کفایت لازم برای به‌عهده گرفتن زعامت امور سایرین را ندارند و از این رو به «انسان برتر» (حاکم) نیاز است. بنیان این استدلال بر نابرابری انسان‌ها از لحاظ استعدادهای درونی بنا شده است. بنابراین به مقتضای عدالت، باید هرکس به کاری مشغول شود که سرشت وی متناسب با آن باشد و نمی‌تواند پیشه دیگری را برگزیند و بایستی در مقام یا طبقه خود همواره باقی بماند.^۲

رواج ادبیات دموکراسی سبب شده است امروزه دیکتاتوری به‌عنوان یک وصف منفی در مورد حکومت‌ها و جهت ایجاد فشار افکار عمومی مطرح شود. زمینه طرح این موضوع در مورد نظام‌های سیاسی دینی بیشتر است؛ زیرا دموکراسی به‌عنوان دستاورد سیاسی جهان مدرن در شرایطی مطرح شد که بشر با حذف دین از ساحت اجتماعی، عقلانیت ابزاری را جایگزین کرده بود. با غلبه سکولاریسم، مقبولیت، ملاک مشروعیت نظام سیاسی شد. در این شرایط نظام‌های دینی که مشروعیت خود را بر اساس اصول دینی (نه مقبولیت مردمی) تدوین کرده بودند، در زمره حکومت‌های مستبد تعریف شدند. به این ترتیب جایگاه مردم در نظام‌های دینی به‌عنوان یک مسئله مطرح شد.

۱. فلسفه سیاسی، جین همپتون، ترجمه خشایار دیهیمی، ص ۳۵.

۲. جامعه باز و دشمنان آن، کارل پوپر، ترجمه عزت‌الله فولادوند، ص ۲۷۰-۲۶۸.

انقلاب اسلامی در مقابل نظام مستبد شاهنشاهی به پیروزی رسید و همواره مردم‌گرایی را در برنامه‌ها و اهداف خود قرار داد ولی بسیاری از شبهه‌پراکنان و معاندین که با نگاه سکولار و غرب‌زده انقلاب اسلامی را تحلیل می‌کردند، دینی بودن انقلاب را نشانه غیرمردمی و مستبد بودن آن می‌دانستند.

انقلاب اسلامی با طرح نظریه مردم‌سالاری دینی پاسخ نظری و عملی درخوری به این چالش ارائه کرد. تجربه بیش از ۴۰ ساله انقلاب اسلامی و برگزاری انتخابات‌های متعدد در سطوح مختلف گویای این مسئله است، ولی همواره جریان معاند شبهه‌افکن برای تضعیف انقلاب، شبهه استبداد سیاسی را مطرح می‌کنند. در این فضا روحانیت به تمامیت‌خواهی و انحصارگرایی در قدرت متهم می‌شود.

این مقاله با هدف بررسی و پاسخ به این شبهه، کارکردهای مختلف روحانیت در نظام سیاسی انقلاب اسلامی را بیان می‌کند تا رد ادعای فرادستی روحانیت در نظام سیاسی ایران مشخص شود.

طرح ادعای فرادستی روحانیت در نظرات سیاسی

برخی تلاش می‌کنند جایگاه روحانیت در جمهوری اسلامی را در جایگاهی فرادست قرار دهند. در این بخش برخی از این نظرات را مطرح می‌کنیم.

پل بروکر در کتاب «دیکتاتورهای نافرجام»^۱ فصلی را به ایران اختصاص داده است. او حکومت امام خمینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی را یک «حکومت شخصی تئوکراتیک یا روحانی»^۲ می‌داند که پس از رحلت ایشان به یک «حکومت گروهی روحانیت» تغییر شکل داده است. در نتیجه یک شکل یگانه از حکومت‌های دیکتاتوری پدید می‌آید که بروکر آن را «دیکتاتوری مدرن روحانیت»^۳ می‌نامد. نموده‌های دیگر برجستگی روحانیت در جمهوری اسلامی عبارتند از: حضور پررنگ در عرصه سیاست

1. Defiant Dictatorships
2. personal theocratic or clerical rule
3. modern clerical dictatorship

مانند تأسیس و اداره حزب جمهوری اسلامی، برگزاری نماز جمعه، نقش آفرینی در شبکه گسترده مساجد، واحدهای عقیدتی سیاسی در نهادهای نظامی و به طور کلی حضور قابل ملاحظه در نهادهای آموزشی و اداری.^۱

در تحلیل دیگر، فرادستی روحانیت بر عوام در حوزه عمومی خلاف حقوق بشر دانسته شده است. باور به حق ویژه فقیهان در حوزه عمومی، سیاست را زیرمجموعه فقه و شریعت قرار می‌دهد. بر این اساس حکمرانی را شرعاً باید به فقیهان سپرد و مکلفان موظف به اطاعت از آنان هستند.^۲

جایگاه برجسته روحانیت در تحلیل جامعه‌شناختی از جمهوری اسلامی در آثار بشیریه حضوری پررنگ دارند. او طبقه روحانیت را طبقه حاکم در جمهوری اسلامی می‌داند. نظریه اجتهاد، اساس تقسیم جامعه به اشراف فکری و عوام الناس است که با از میان بردن مفاهیم تابعیت و شهروندی در معنای مدرن آن، نوعی الیگارشی سیاسی را فراهم می‌آورد.^۳ در تحلیل او، فرادستی روحانیت از سنت اسلامی سرچشمه می‌گیرد. بر این اساس حقوق و تکالیف اجتماعی تنها در چارچوب سنتی پذیرفته می‌شوند و شیوه زندگی فردی وابسته به انتخاب و وجدان فرد نیست، بلکه از چشم‌انداز سنت اسلامی تعریف می‌شود. برطبق همین سنت اسلامی، روحانیت و علمای دین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌شوند و به‌عنوان جانشینان امامان شیعه خود را دارای حق انحصاری حکومت می‌دانند. از این رو اقتدار سنت اسلامی وابسته به اقتدار روحانیت است.^۴

به نظر بشیریه حتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان‌کننده مطالبات تاریخی طبقه روحانیت به‌عنوان طبقه‌ای سیاسی و سازمان‌یافته است و نویسندگان آن در صدد برآمده بودند تا در حدود امکان و ظرفیت دولت‌های مدرن به آن مطالبات پاسخ گویند و

1. Defiant dictatorships, Brooker, p145-47.

۲. حق الناس، محسن کدیور، ص ۱۰۳.

۳. دیپاچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران؛ دوره جمهوری اسلامی ایران، حسین بشیریه، ص ۱۱۰.

۴. همان، ص ۴۹-۵۰.

مناصب و امتیازات عمده‌ای را در ساختار قدرت برای آنان تأمین کنند. از این رو، باتوجه به نقش مرکزی طبقه روحانیت از اواخر قرن نوزدهم به بعد و به‌ویژه در انقلاب اسلامی، باید چنین «پاداش‌هایی» برای آنان منظور گردد.^۱

بررسی ادعای فرادستی روحانیت در نظام اسلامی

سابقه دیدگاهی که جمهوری اسلامی را حکومتی مخصوص به روحانیت می‌داند، به زمان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. آنچه زمینه این دیدگاه را فراهم کرد، رهبری نهضت اسلامی مردم ایران توسط یک فرد روحانی و حضور روحانیت در مناصب سیاسی پس از تشکیل جمهوری اسلامی بود.

امام خمینی^۲ در مصاحبه با خبرنگاران که پیش از تأسیس جمهوری اسلامی رخ داده بود، نقش رهبران مذهبی را صرفاً «رهبری مردم برای دستیابی به اهداف اسلامی»^۲ و «ارشاد و هدایت دولت»^۳ دانستند. ایشان هرگونه سهم شدن روحانیت در قدرت را رد کردند و فرمودند: «من و سایر روحانیون در حکومت، پستی را اشغال نمی‌کنیم»^۴

رفع تعارض بدوی موجود در کلام امام خمینی به این صورت است که بر اساس اصول قانون اساسی، هر منصب سیاسی به غیر از مقام رهبری، سپردن قدرت به یک فرد روحانی را الزام نکرده است. هرچند قانون اساسی مناصبی چون رئیس قوه قضائیه طبق اصل یکصد و پنجاه و هفتم و فقهای شورای نگهبان طبق اصل نود و یکم را در اختیار «فقها» که اغلب از روحانیت شمرده می‌شوند، سپرده است، اما این مناصب از شئون مقام رهبری و ناظر به کارویژه‌های هدایت‌گری آن است که طبق فرض در اختیار روحانیت قرار دارد. بنابراین، حضور چهره‌های روحانی در مناصبی مانند ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی در برخی ادوار را نباید امری الزامی بر اساس قانون اساسی دانست.

۱. همان، ص ۶۰.

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۶۷.

۳. همان، ج ۵، ص ۳۸۶.

۴. همان، ج ۵، ص ۴۷۲.

اساساً کارکرد روحانیت هدایت‌گری است و از چهار جهت نمی‌توان جایگاه روحانیت در نظام اسلامی را اقتدارگرایانه دانست:

۱. تمایز هدایت‌گری روحانیت با اصل رهبری در رژیم‌های اقتدارگرا

هرچند کارویژه مقام رهبری در جمهوری اسلامی که در دست یک روحانی قرار دارد، هدایت‌گری است؛ اما چنین کارویژه‌ای منافاتی با حقوق و تکالیف نهادهای سیاسی دیگر ندارد که به صورت مستقیم با مسائل مردم ارتباط دارند.

در رژیم‌های اقتدارگرا، تنظیم روابط حکومت و مردم در قالب «اصل رهبری» بود که به معنای اجرای رهنمودهای صادرشده از بالا و برقراری مسئولیت نسبت به بالا است.^۱ در جمهوری اسلامی، مقام رهبری نقش هدایت‌گری دارد و وظیفه خدمات‌رسانی به مردم بر عهده دستگاه‌های اجرایی است. بنابراین نمی‌توان الگوی رهبری در جمهوری اسلامی را شبیه اصل رهبری در رژیم‌های اقتدارگرا دانست.

برخی از متفکران غربی نیز اصل رهبری را دارای بن‌مایه اقتداری نمی‌دانند که لازمه‌اش الغای آزادی مردم باشد، بلکه آن را همانند سلسله‌مراتب نظامی می‌دانند که برای رسیدن به مقاصد بنیادین، آزادی اتباع را محدود می‌کند.^۲ حمایت‌های مکرر مقام رهبری در جمهوری اسلامی از مسئولان اجرایی را می‌توان بهترین شاهد بر نقض اصل رهبری دانست. آیت‌الله خامنه‌ای برای رفع این نگرانی، چنین روشنگری کرده‌اند:

پشت سر امام هم، دستگاه اداره‌کننده کشور، یعنی نظام جمهوری اسلامی بود. اما قضیه، به شخص امام منحصر نمی‌شود. مبدا کسی خیال کند که در نظام جمهوری اسلامی، توده‌های عظیم مردم، فقط باید با شخص رهبر در ارتباط باشند و دستگاه اداره‌کننده کشور به‌عنوان یک پدیده، در جذب و هدایت و راهنمایی و راه‌اندازی نیروی مردم و پشتیبانی آن‌ها نقشی ندارد! نه؛ این اشتباه است. برای همین بود که شما می‌دیدید که امام بزرگوار، بارها و بارها از مسئولین رسمی کشور حمایت و پشتیبانی می‌کرد.^۳

۱. آزادی و قدرت و قانون، فرانتس نویمان، ترجمه عزت‌الله فولادوند، ص ۳۴۳.

۲. توتالیتاریسم، هانا آرنه، ص ۱۴۱، ۲۰۷.

۳. بیانات، ۱۳۷۲/۰۸/۳۰.

۲. تقدم افراد صالح غيرروحانی بر روحانیت در کسب منصب‌های سیاسی

در جمهوری اسلامی، روحانی بودن به تنهایی برای فردی قدرت سیاسی به ارمغان نمی‌آورد. مقایسه جایگاه روحانیت در جمهوری اسلامی با حکومت‌های روحانی در دنیا نشان می‌دهد در جمهوری اسلامی، ارزش‌های دینی جایگاه اصلی دارد و روحانیت صرفاً کاربردی آلی دارد. آنچه جمهوری اسلامی را از حکومت‌های روحانی متمایز می‌کند، آن است که جمهوری اسلامی، «حکومت دین است، نه حکومت یک صنف خاص و یک مجموعه خاص»^۱

شهید مطهری، برای انکار طبقه‌انگاری روحانیت بسیار تلاش کرد. در باور شهید مطهری، ترکیب «حکومت اسلامی» هیچ دلالتی بر «حکومت روحانیون» ندارد؛ همان‌طور که «اسلام» هیچ ملازمه‌ای با «روحانیت» ندارد. نادرستی مساوی پنداشتن اسلام و روحانیت آن‌گاه معلوم می‌شود که بدانیم اسلام به‌عنوان ایدئولوژی «انسان بما هو انسان»، هرگونه اختصاص‌های قشری و طبقاتی را نفی می‌کند.^۲

در دید شهید مطهری، روحانیت نه به‌طور مجموعی و نه به‌صورت فردی نباید به دولت وابسته باشند و یا مناصب دولتی را به جای دیگران اشغال کنند؛ بلکه باید همان جایگاه حقیقی خودش که ارشاد، نظارت و مبارزه با انحرافات حکومت‌ها می‌باشد را حفظ کند. البته این به معنای تحریم حضور روحانیت در پُست‌های اجرایی نیست؛ گاه ممکن است ضرورت ایجاب کند که یک فرد روحانی، یک مقام دولتی را به دست گیرد. برای مثال، امکان دارد در نبود یک فرد صالح غیرروحانی، افراد صالح روحانی برای تصدی وزارت آموزش و پرورش وجود داشته باشند که در این حالت نباید ورود روحانیت در مناصب دولتی را تحریم نمود.

بر اساس دیدگاه شهید مطهری، تقدیم صالح غیرروحانی اصل است؛ بنابراین، در شرایطی که فرد روحانی و غیرروحانی هر دو دارای شرایطی مساوی هستند و یا فرد

۱. همان، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹.

۲. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، ج ۲۴، ص ۳۱۸-۳۱۷.

غیرروحانی صلاحیت‌های بیشتری نسبت به فرد روحانی دارد، فرد غیرروحانی مقدم بر فرد روحانی می‌شود و فقط در نبود فرد صالح غیرروحانی، فرد روحانی مقدم می‌گردد.^۱ بنابراین، صرفِ روحانی بودن، امتیازآور نیست؛ زیرا بر اساس آموزه‌های اسلامی، امتیازات طبقاتی همانند امتیازات نژادی لغو شده است و اساساً هیچ طبقه بالا یا پایین توأم با انحصار علمی و عملی نباید وجود داشته باشد.^۲

۳. روحانیت به‌مثابه یک حرفه تخصصی

روحانیت همانند دیگر حرفه‌های تخصصی است که مردم به آنان برای کسب نیازهای خویش مراجعه می‌کنند. طبق این تحلیل، اساساً پیوند تنگاتنگ روحانیت و مردم از بروز هرگونه اقتدارگرایی روحانیت جلوگیری می‌کند. هرچند برخی در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی از جایگزینی دیکتاتوری چکمه با دیکتاتوری نعلین و تاریک‌تر بودن فاشیسم روحانیت از دیکتاتوری نظامیان سخن گفتند، اما باید اذعان کرد طبیعت نعلین، طبیعت دیکتاتوری نیست.^۳

تحلیل شهید بهشتی در نقد ایده «فاشیسم نعلین» جالب توجه است. در تحلیل ایشان، فاشیسم نعلین بر اساس رشد مردم نفی می‌شود و در واقع طرح این ایده را باید یک توهین دوجانبه به مردم و روحانیت دانست. روحانیت به‌عنوان قشری از اقشار اجتماعی سابقه‌ای دیرینه در زندگی اجتماعی جوامع اسلامی دارد و از آنجا که رابطه منسجم و متراکمی میان آنان و مردم عادی برقرار است، هرگونه کاربست دیکتاتوری از سوی روحانیت در این سابقه طولانی باید با واکنش مردم مواجه می‌گردید. بر اساس تحلیل شهید بهشتی، روحانیت را بایست همانند سایر حرفه‌های تخصصی محسوب نمود؛ همان‌طور که مردم به پزشکان با هدف دریافت راهنمایی و مشاوره از آنان مراجعه

۱. همان، ج ۲، ص ۳۱۱-۳۱۲.

۲. «روحانیت در اسلام و در میان مسلمین»، سیدمحمد بهشتی، ص ۱۳۴.

۳. بیانات، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴.

می‌کنند، مراجعه مردم به روحانیت نیز فقط برای دستیابی به آموزه‌ها و تعالیم اسلام است. از این رو روحانیت تنها دارای نقش ارشادی و هدایتی می‌باشد.^۱

وجود اختلافات میان آدمیان طبیعی است که سبب می‌شود هر کس کاری ویژه را برعهده بگیرد. این فرض که روزی همه افراد از جهت استعدادهای طبیعی یکنواخت گردند و همه افراد آمادگی طبیعی برای هر گونه ترقی در کارها را به اندازه یکسان داشته باشند، درست نیست؛ زیرا ضرورت‌های زندگی اجتماعی از پرداختن انسان‌ها به کارهای یکسان جلوگیری می‌کند و کارگردانان گوناگونی را به کارهای متنوع وادار می‌نماید.

امتیازات حاصل از تفاوت‌های طبیعی میان آدمیان سبب روایی امتیازات طبیعی می‌گردد و نباید چنین امتیازاتی را با امتیازات طبقاتی خلط نمود. امتیازات طبقاتی به مزایای مصنوعی قراردادی گفته می‌شود که در طول تاریخ زندگی بشر، تحت تأثیر خودخواهی‌های گوناگون، به سود عده‌ای اندک و به زیان توده بزرگ مردم پدید آمده است. واگذاری مشاغل و مناصب ویژه به افرادی خاص، برخورداری از مزایای افزون‌تر قانونی از قبیل این امتیازات طبقاتی می‌باشد که با به وجود آوردن یک نظام بسته، از ورود دیگران به آن جلوگیری می‌شود.

چنین رویه‌هایی از منظر اسلام، به‌طور کلی الغا شده است و هر فردی می‌تواند با کوشش و بهره‌گیری از استعدادهای طبیعی‌اش به چیزهایی که شایستگی آن را دارد، و حتی عالی‌ترین مقامات حکومتی و مدارج علمی دست یابد.

بنابراین، از یک منظر، روحانیت همانند سایر حرفه‌های تخصصی که بخشی از نیازمندی‌های جامعه را تأمین می‌کنند، مسئول تأمین یکی از نیازهای ضروری جامعه (یادگیری معارف و احکام دینی) است. یادگیری معارف دینی به دو صورت می‌تواند انجام شود: ۱. هر یک از افراد جامعه مقداری از احکام دینی را فراگیرد؛ به گونه‌ای که در مجموع همه افراد از تمامی احکام دینی آگاه باشند. ۲. عده‌ای با کوشش بیشتر، از همه

۱. مبانی نظری قانون اساسی، سید محمد بهشتی، ص ۴۶-۴۷.

معارف و احکام دینی به صورت تفصیلی و برهانی آگاه گردند. روحانیت روش دوم را برگزیده است.

از منظر دوم، در فقه اسلامی، هرگونه امتیاز طبقاتی نفی شده است. امامت الهی که برای افراد خاصی منظور شده است نیز به دلیل برخورداری آنان از دانش و فضایل گسترده است و اساساً جنبه موروثی و طبقاتی ندارد. بر این اساس پس از غیبت آخرین امام، شئون غیراختصاصی امامت به کسانی که صلاحیت‌های لازم را داشته باشند، منتقل می‌شود و کمترین عامل خانوادگی و وراثتی در آن دخالت ندارد.

بنابراین، آن‌گاه که قدرت سیاسی در دست یک فرد روحانی قرار می‌گیرد، روحانی بودن او هیچ دخالتی در کسب قدرت ندارد.

روحانیت، چه بدون کسب قدرت و چه در صورت کسب قدرت، باید همانند سایر حرفه‌ها در نظر گرفته شود. همان‌طور که نباید دستیابی یک پزشک به قدرت سیاسی را به حکومت طبقاتی پزشکان تفسیر نمود، تصدی قدرت سیاسی توسط روحانیت نیز سبب شکل‌گیری یک حکومت طبقاتی نمی‌شود. تنها تفاوتی که میان روحانیت با سایر حرفه‌ها فرض می‌شود آن است که روحانیت همانند سایر حرفه‌ها نباید تخصص را وسیله امرار معاش خود قرار دهد و تأمین هزینه زندگی آنان بر دوش حکومت و بیت‌المال است.^۱

۴. عدم تغییر کارویژه روحانیت در فرض تشکیل حکومت

تشکیل حکومت تغییری اساسی در کارویژه‌های روحانیت ایجاد نمی‌کند. با قطع نظر از مقام رهبری جامعه که اصلی‌ترین شأن روحانیان بلندمرتبه است، روحانیت میانی اگر وارد دستگاه‌های اجرایی می‌گردد، باز هم باید کارهای تبلیغی و فرهنگی را در دست بگیرد. شهید بهشتی این مسئله را بررسی می‌کند که روحانیت پس از پیروزی انقلاب اسلامی در چه مشاغلی به‌کار گرفته شود و مواردی را می‌شمرد. خدمت در جهاد سازندگی و سپاه پاسداران برای تبلیغ اسلام و همچنین خدمات‌رسانی به محرومان نمونه‌هایی‌اند که از

۱. ر.ک: «روحانیت در اسلام و در میان مسلمین»، سیدمحمد بهشتی، ص ۱۴۵-۱۳۴.

سوی شهید بهشتی مطرح شدند. او حتی پیشنهاد می‌کند روحانیان در طول حضور در سپاه پاسداران، با لباس رزمندگان انجام خدمت نمایند و با تکیه بر کلام امام خمینی، لباس جندی را مخالف زیّ روحانیت قلمداد نکرد. در دید شهید بهشتی، اساساً تحقق آرمان‌های سپاه پاسداران بدون همراهی روحانیت با آنان امکان‌پذیر نیست.^۱

در احکام صادره از سوی امام خمینی^۲، رسالت روحانیت در نهادهای نظامی، مسائل فرهنگی و فکری و فعالیت‌های تبلیغاتی و انتشاراتی دانسته شده است.^۲ در قانون ارتش جمهوری اسلامی، مأموریت سازمان عقیدتی سیاسی، رشد و گسترش فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در ارتش و وزارت دفاع و سازمان‌های وابسته به آنها بر اساس معیارها و ضوابط اسلامی و تدابیر و رهنمودها و دستورالعمل‌های مقام رهبری تعیین شده است. انجام فعالیت‌های تبلیغی برای پرسنل از قبیل انتشار جزوات و نشریات، تشکیل کتابخانه‌ها و نمایشگاه‌ها و تولید برنامه‌های رادیو تلویزیونی ارتش و اداره مساجد و سایر اماکن مذهبی مربوط، ارائه خط‌مشی‌های مکتبی به مبادی ذی‌ربط در جهت انطباق سازماندهی‌ها، مقررات، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها با ضوابط و معیارهای اسلامی و انجام کلیه وظایف روابط عمومی از وظایف این نهاد بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی است.^۳

روحانی همچنین می‌تواند در امور آموزشی و پرورشی مدارس و دانشگاه‌ها در راستای زمینه‌سازی برای انقلاب فرهنگی اشتغال داشته باشد که بسیار مهم‌تر از انقلاب سیاسی است. نقش‌آفرینی روحانیان برجسته همانند شهید مطهری در چنین چارچوبی بوده است که هیچ شباهتی با نمونه‌های حکومت روحانی در سایر نقاط دنیا ندارد.^۴

حضور روحانیت در چنین مناصبی که همراه با پویایی و برانگیختگی است، در واقع

۱. ولایت، رهبری و روحانیت، سیدمحمد بهشتی، ص ۳۰۶-۳۰۴.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۱۴.

۳. قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۱۰۳/۲، ۱۳۶۶.

۴. ولایت، رهبری و روحانیت، سیدمحمد بهشتی، ص ۳۰۸-۳۰۷.

بیانگر پوچ بودن نگاه رایج به دین در پیش از انقلاب اسلامی بود که دین را افیون و مایه تخدیر و انزوا تلقی می‌کردند.^۱

نکته دیگری که حضور روحانیت در نهادهای نظامی را توجیه می‌کند، تمایز بخشیدن به ارتش و نیروهای نظامی اسلامی در مقایسه با ارتش سایر کشورهاست. آنچه ارتش اسلامی را از همه ارتش‌های دیگر متمایز می‌کند، عبارت است از ایمان به خدا و تعبد در مقابل فرمان الهی و احساس اینکه یک فرد نظامی در راه خدا جهاد می‌کند. چنین عناصر بنیادین، افزون بر آنکه قدرت مقاومت در نیروهای نظامی را افزایش می‌دهد، از روی آوردن به جنایت‌هایی که در ارتش‌های کشورهای دیگر صورت می‌گیرد، جلوگیری می‌کند.^۲ این رسالت مهم بر دوش روحانیت مستقر در چنین نهادهایی قرار دارد.^۳

نتیجه‌گیری

جایگاه روحانیت در جمهوری اسلامی ایران از سوی برخی نویسندگان بومی و غربی از قبیل فرادستی اقتدارگرایانه دانسته شده است. در این تحلیل، به روحانیت به مثابه یک طبقه نگریسته می‌شود که بدون اساس و بنیاد موجّه، امتیازاتی را به خود اختصاص می‌دهد. در نقد این انگاره، بیان شد که کارویژه روحانیت، هدایت‌گری به آموزه‌های اسلامی است و باید به مثابه یک حرفه تخصصی محسوب شود، نه یک طبقه. همان‌طور که مراجعه مردم به پزشک سبب شکل‌گیری طبقه پزشکان و اختصاص امتیازات بی‌اساس به آنان نمی‌گردد، روحانیت نیز صرفاً مردم را با آموزه‌های اسلامی آشنا می‌گرداند. بر این اساس، در حکومت اسلامی که قرار است آموزه‌های اسلامی اجرا شوند، روحانیت صرفاً رهبری و هدایت را برعهده دارد و این با اصل رهبری در رژیم‌های اقتدارگرا تفاوت دارد؛ زیرا سایر مناصب حکومتی را افرادی در دست می‌گیرند که لزوماً

۱. ر.ک: بیایانات مقام معظم رهبری، نرم‌افزار حدیث ولایت، ۱۳۶۷/۰۳/۱۸.

۲. همان، ۱۳۶۷/۰۷/۱۹.

۳. همان، ۱۳۷۰/۰۱/۲۷.

از زمره روحانیت نیستند. بنابراین، مردم در روابطشان با حکومت، صرفاً با رهبر ارتباط برقرار نمی‌کند.

در سایر مناصب غیررهبری، اصل آن است که قدرت در دست افراد صالح غیرروحانی باشد. تشکیل حکومت، تغییری در کارویژه روحانیت ندارد و آنان مناصبی را در اختیار می‌گیرند که با کارویژه آن تناسب داشته باشد.

منابع

۱. «ایران؛ بحران اقتصادی و اقتدارگرایی»، مرتضی کاظمیان، ۱۳۹۷. سیاست / ایران؛ بحران اقتصادی و اقتدارگرایی / <https://iranintl.com>
۲. «روحانیت در اسلام و در میان مسلمین»، سیدمحمد بهشتی، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۱.
۳. آزادی و قدرت و قانون، فرانتس نویمان، ترجمه عزت‌اله فولادوند، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۹۰.
۴. توتالیتاریسم، هانا آرنه، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۹۴.
۵. جامعه باز و دشمنان آن، کارل پوپر، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰.
۶. حق الناس، محسن کدیور، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۶.
۷. دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران؛ دوره جمهوری اسلامی ایران، حسین بشیریه، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۱.
۸. ولایت، رهبری و روحانیت، سیدمحمد بهشتی، تهران، نشر بقیع، ۱۳۸۳.
۹. مبانی نظری قانون اساسی، سیدمحمد بهشتی، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله شهید دکتر بهشتی، ۱۳۹۰.
۱۰. صحیفه امام: مجموعه رهنمودهای امام خمینی^{ره}، سیدروح‌الله خمینی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی و سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۱. فلسفه سیاسی، جین همپتون، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۹.
۱۲. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۷.
۱۳. نرم‌افزار حدیث ولایت، سید علی خامنه‌ای، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نسخه ۱، ۰، ۷، بی تا.
۱۴. قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۱۰۳/۲، ۱۳۶۶.
15. Brooker, Paul. *Defiant dictatorships: communist and Middle-Eastern dictatorships in a democratic age*. London: Macmillan Press LTD, 1997.



حوزه و اتهام سکولاریسم؛ مفهوم‌شناسی و مراتب

خلیل عالمی^۱

چکیده

دشمنان شیعه از روش‌های مختلفی برای ضربه زدن به دین و روحانیت استفاده می‌کنند. یکی از مهم‌ترین آنها حذف یا کاهش ابعاد و کارکردهای سیاسی و اجتماعی دین است. از این رو سکولاریسم از مهم‌ترین برنامه‌های دشمن برای جهان اسلام است. در سال‌های اخیر در مباحث سیاسی و اجتماعی حوزه، واژه سکولاریسم به‌عنوان ضداورزش مطرح شده است که برداشت‌های مختلفی از آن وجود دارد. ۳ برداشت در مورد مفهوم سکولاریسم مطرح است که جدایی دین از عرصه سیاسی و اجتماعی مهم‌ترین آن است. سکولاریسم در حوزه در دو سطح برخاسته از سنت و مدرنیته قابل تحلیل است. هرچند این دو سطح از جهت مبانی متفاوت هستند ولی برونداد عملی هر دو، جدایی دین از سیاست است. **واژگان کلیدی:** سکولاریسم، فقه، سنت، تجدد، دین، سیاست.

۱. دانش‌آموخته حوزه، دکتری مطالعات انقلاب اسلامی.

مقدمه

واژه «سکولار» وارداتی است و نمی‌توان با همان معیارها و مبانی تاریخی، دینی و اجتماعی سکولاریزاسیون در دنیای غرب، درباره سکولاریزاسیون در عالم اسلامی نظر داد. مسیحیت اصولاً توجهی به عالم ناسوت ندارد و با اسلام که در مدیریت زندگی دنیوی ورود جدی دارد، متفاوت است.

تاریخچه ورود سکولاریسم (به عنوان یکی از انگاره‌های اصلی تمدن غرب) به جهان اسلام نشان می‌دهد این جریان همواره ظرفیت تبدیل فرصت‌ها به تهدید را دارد؛ به‌ویژه که دشمنان با فهم شرایط و اقتضائات خاص ایران اسلامی درصدد اجرای نوعی سکولاریسم بومی شده در داخل کشور هستند.^۱

یکی از نمودهای سکولاریسم در ایران در اندیشه دینی و جریان حوزوی است که با نگاهی سنت‌گرایانه یا تقدس‌گرایانه بر جدایی دین از سیاست تأکید دارد. حوزه علمیه و نهاد روحانیت به دلیل استمراربخشی اندیشه‌های فقهی و سیاسی تشیع در عصر غیبت با روش اجتهاد، جایگاهی بی‌بدیل در تشیع و تاریخ شیعه داشته و دارد. به همین دلیل دشمنان اسلام همواره چشم طمع و کینه به این نهاد مقدس داشته‌اند تا به راه‌های مختلف آن را تضعیف و بی‌اعتبار کنند.

از ابتدای مطرح شدن انقلاب اسلامی، گروهی از روحانیون با آن مخالف بودند و به بهانه‌هایی مثل عدم جواز تشکیل حکومت، از آن کناره می‌گرفتند. با القای گسترده لزوم کناره‌گیری روحانیون از سیاست در دوره پهلوی و رسوب این القائات در برخی ذهن‌ها و انتقال آن به نسل‌های بعد، همچنان این گروه از روحانیت وجود دارند.

این جریان همواره مورد دغدغه و نارضایتی امام خمینی و مقام معظم رهبری بوده است. امام خمینی^ع در باره خطر سکولاریسم، در منشور روحانیت مرقوم داشته‌اند: «باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست از لایه‌های تفکر اهل جمود به طلاب جوان

۱. «زمینه راه رشد سکولاریسم در ایران»، اسفندیار طبری: falsafeh.com

سرایت نکند و یکی از مسائلی که باید برای طلاب جوان ترسیم شود همین قضیه است.^۱ مقام معظم رهبری نیز در دیدار با اعضای جامعه مدرسین، با به کار بردن واژه «حوزه سکولار»، درباره نفوذ سکولاریسم در حوزه اظهار نگرانی کردند.^۲

بعد از وقایع انتخابات سال ۸۸ که اصل نظام اسلامی را نشانه گرفته بود، طراحان پروژه‌های ضدامنیتی برای ایران به این نتیجه رسیدند که تقابل مستقیم و صریح در عرصه سیاسی، جواب نمی‌دهد و در نهایت منجر به حذف عوامل داخلی نظام سلطه خواهد شد. از این رو، در طراحی‌های جدید، دو نکته را در دستور کار خود قرار دادند: ۱. تشکیک و تخریب مبانی فکری، فقهی و سیاسی اندیشه «ولایت فقیه»؛^۲ ۲. تقابل‌سازی با نظام و ایجاد دوقطبی‌های مختلف با حکومت در حوزه‌های کمتر حساسیت‌برانگیز (به لحاظ امنیتی).

در این دو رویکرد نقش حوزه‌های علمیه و دستگاه روحانیت بسیار مهم و استراتژیک است؛ زیرا این بار قرار است از درون گفتمان دینی، هم اندیشه ولایت فقیه مورد حمله قرار گیرد و هم با ترویج نوعی «شریعت غیرسیاسی» یا «دین غیرحکومتی»، میراث «اسلام سیاسی» حضرت امام^ع که روح انقلاب اسلامی است، سرکوب شود.^۳

تبیین دقیق مفهوم و مراتب سکولاریسم در حوزه می‌تواند مانع تنزل یافتن این مسئله مهم به سطح نزاع لفظی و سیاسی شود و مطالبه کسانی را که نسبت به این موضوع هشدار می‌دهند، مشخص کند. بدنه و بنیان‌های حوزه انقلابی است؛ چنانکه انقلاب اسلامی حاصل نظام فکری و تلاش‌های سیاسی اجتماعی همین حوزه است، ولی برخی رویه‌های آموزشی و رویکردهای حوزه می‌تواند آن را در سیر تطور تعامل با انقلاب، در ورطه سکولاریسم اجتماعی (نه سکولاریسم الحادی و معنوی) قرار دهد.

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۹.

۲. بیانات، ۱۳۸۹/۰۸/۰۶.

۳. «فتنه‌ای جدید از درون حوزه‌های علمیه»، mashreghnews.ir.

در این نوشتار به صورت گذرا مفهوم سکولاریسم در حوزه و مراتب و سطوح آن را بررسی می‌کنیم تا هشدار تحقق سکولاریسم در حوزه مورد دقت بیشتر قرار گیرد.

مفهوم‌شناسی سکولاریسم در حوزه

هرچند امروزه سکولاریسم در حوزه به‌عنوان ضدا ارزش مطرح است، ولی وجود ابهام و عدم شفافیت در ادبیات آن، باعث شده است برداشت‌ها و تحلیل‌های متفاوتی از سکولاریسم در حوزه انجام شود. برخی به‌طور کلی سکولاریسم در حوزه را رد می‌کنند و برخی در توصیف و وضعیت‌شناسی حوزه امروز، آن را سکولار معرفی می‌کنند. بر این اساس بررسی وجوه و ساحت‌های مختلف سکولاریسم حوزوی می‌تواند به تبیین و تنقیح بیشتر موضوع کمک کند.

سکولاریسم به‌طور کلی در سه معنا به کار می‌رود:

۱. جدایی دین از نیازهای دنیوی (سکولاریسم الحادی)
 ۲. جدایی دین از سیاست، اقتصاد، حقوق و به‌طور کلی، جدایی دین از نیازهای اجتماعی (سکولاریسم اجتماعی)
 ۳. جدایی دین از معنویت (سکولاریسم معنوی)
- سکولاریسم در معنای اول و سوم در حوزه مطرح نیست، اما حوزه در خطر سکولاریسم اجتماعی قرار دارد. سکولاریسم اجتماعی دارای ساحت‌های مختلف است:^۱

۱. نفی احکام اجتماعی اسلام در اثر شبهات جدید دنیای مدرن

ممکن است افرادی در حوزه علمیه در برابر منشورها و بیانیه‌هایی مانند حقوق بشر و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان نتوانند از احکام اجتماعی اسلام دفاع کنند و تفاوت‌های ارث میان زن و مرد را که در قرآن به صراحت بیان شده است، با توجیه‌هایی نفی کنند. در تقابل با این رویکرد، امام خمینی^ع، فقه را تئوری واقعی و کامل اداره انسان از

۱. ر.ک: «آنچه حوزه را تهدید می‌کند، سکولاریسم اجتماعی است»، عبدالحسین خسروپناه؛

گهواره تا گور می‌دانست^۱ که البته بر اساس فقه پویا و بهره‌مندی از عنصر زمان و مکان در اجتهاد، در پاسخ به نیازهای روز در قالب‌های مختلف، توانمند و اثرگذار است. این ساحت سکولاریسم اجتماعی، سبب دین‌زدایی از قوانین حاکم بر جامعه اسلامی و سکولار شدن تدریجی بخشی از مناسبات اجتماعی می‌شود.

۲. نفی نظام جمهوری اسلامی

برخی با وجود قبول کردن نظام اجتماعی اسلام، نظام جمهوری اسلامی را به این بهانه که نتوانسته است همه احکام اسلام را پیاده کند، رد می‌کنند. در مقابل این افراد باید گفت ادعای انقلاب اسلامی، اجرای همه احکام اسلام نیست و تحقق احکام اسلام در حکومت سکولار به مراتب کمتر خواهد بود.

مقام معظم رهبری با لزوم توجه روحانیت به مسائل نظام اسلامی، در رد این دیدگاه می‌فرماید:

حالا یک معممی یک گوشه‌ای بیاید خودش را از نظام کنار بگیرد؛ بهانه هم این است که ما فلان انتقاد را داریم. خیلی خوب، صد تا انتقاد داشته باش ... در مقابل این صد تا اشکال، هزار تا حُسن وجود دارد. در کسر و انکسار مصالح و مفاسد است که انسان می‌تواند خط مستقیم را پیدا کند.^۲

۳. نفی نظام‌سازی در حوزه مسائل اجتماعی اسلام

فقه در قالب رساله توضیح المسائل برای اداره جامعه و تشکیل حکومت اسلامی کافی نیست بلکه باید به نظام فقهی تبدیل شود؛ مانند نظام فقه سیاسی، نظام فقه اقتصادی، نظام فقه حکومتی، نظام فقه فرهنگ و نظام فقه هنر. عدم نظام‌سازی از جمله تهدیداتی است که حوزه با آن مواجهه است.^۳

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۹.

۲. بیانات، ۱۳۹۱/۷/۱۹.

۳. «ظرفیت‌های فقه سیاسی برای نظام‌سازی»، کمال اکبری، ص ۴۱-۵۸، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۹۱؛ «فقه نظام‌ساز، بحثی در باب ظرفیت‌های فقه سیاسی برای نظام‌سازی»، محمدجواد ارسطو، ص ۱۷۹-۱۷۸؛ «فقه حکومتی؛ نرم‌افزار نهایی مدیریت جامعه در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی»، عباسعلی مشکانی و دیگران، ص ۴۵-۶۸؛ «فقه حکومتی؛ نرم‌افزار توسعه انقلاب اسلامی»، عباسعلی مشکانی، ابوالفضل سعادت، ص ۹۷-۱۱۸.

مقام معظم رهبری با تأکید بر ضرورت «توجه حوزه به نیازهای انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در زمینه نظام سازی» و «توجه به مقوله فقه حکومتی» نسبت به خطر نفوذ سکولاریسم در حوزه هشدار دادند.^۱ از این رو می‌فرمایند:

تشکیل نظام اسلامی که داعیه‌دار تحقق مقررات اسلامی در همه صحنه‌های زندگی است، وظیفه‌ای استثنایی و بی‌سابقه بر دوش حوزه علمیه نهاده است و آن تحقیق و تنقیح همه مباحث فقهی‌ای است که تدوین مقررات اسلامی برای اداره هر یک از بدنه‌های نظام اسلامی بدان نیازمند است. فقه اسلام آنگاه که اداره زندگی فرد و جامعه - با آن گستردگی و پیچیدگی و تنوع را - مطمح نظر می‌سازد مباحثی تازه و کیفیتی ویژه می‌یابد و این همان‌طور که نظام اسلامی را از نظر مقررات و جهت‌گیری‌های مورد نیازش، غنی می‌سازد، حوزه فقهت را نیز جامعیت و غنا می‌بخشد. روی آوردن به «فقه حکومتی» و استخراج احکام الهی در همه شئون یک حکومت و نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی - یعنی ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام در تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی - امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است که نظم علمی حوزه، امید برآمدن آن را زنده می‌دارد.^۲

۴. بی‌تفاوتی نسبت به نظام جمهوری اسلامی

برخی با رویکرد مقدس‌مآبی، موفقیت حوزه را در بی‌تفاوتی به مسائل سیاسی و نظام جمهوری اسلامی می‌دانند. مقام معظم رهبری در مخالفت با این دیدگاه می‌فرمایند:

هیچ کس در عالم روحانیت، اگر انصاف و خرد را میزان قرار بدهد، نمی‌تواند خودش را از نظام اسلامی جدا بگیرد ... اینکه یک آقایی در یک گوشه‌ای عبایش را بکشد به کول خودش، بگوید من به کارهای کشور کار ندارم، من به نظام کار ندارم، افتخار نیست؛ این ننگ است. ... حوزه‌های علمیه باید خود را سربازان نظام بدانند، برای نظام کار کنند، در خدمت تقویت نظام حرکت کنند. ... بنابراین حوزه‌های علمیه نمی‌توانند سکولار باشند. اینکه ما به مسائل نظام کار نداریم، به مسائل حکومت کار نداریم، این سکولاریسم است. حوزه نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد.^۳

۱. بیانات، ۱۳۸۹/۰۸/۰۶.

۲. پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت تشکیل شورای سیاست‌گذاری حوزه، ۱۳۷۱/۰۸/۲۴.

۳. بیانات، ۱۳۹۱/۷/۱۹.

سطوح سکولاریسم حوزوی

سکولاریسم حوزوی، سطوح و لایه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد، اما عمیق‌ترین و ماندگارترین لایه این نوع از سکولاریسم، لایه فکری آن است. این گونه از سکولاریسم، در دو سطح قابل بررسی و تبیین است:^۱

۱. سکولاریسم برخاسته از سنت

ذات اندیشه امامیه سیاسی است، اصولاً مفهوم واژه امامت همین است و بارزترین معنای امامت، معنای سیاسی است. وقتی که مبانی و آرا و اندیشه امامیه را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم اساساً جوهره آن بر فلسفه و اندیشه سیاسی است و فقه آن هم کاملاً سیاسی است.^۲

با این حال فقه شیعه به دلیل عدم ورود شیعه و شیعیان به مباحث حاکمیتی، در مقاطعی تنها به حوزه‌های فردی ورود کرده و فلسفه اجتماعی اسلام و مباحث اجتماعی و سیاسی در برخی از جریان‌های فکری حوزوی اساساً مورد ابتلا و بحث قرار نگرفته است، فلذا در متون و سنت‌های فقهی، اصولی و کلامی و فلسفی حوزه، ظرفیت‌هایی از سکولاریسم وجود دارد.

عده‌ای در حوزه که بحث‌هایی در مخالفت با اندیشه سیاسی امامیه دارند، اول باید تکلیفشان را با فلسفه سیاسی امامیه روشن کنند. آیا قبول دارند که فلسفه سیاسی امامیه داریم یا نه؟ اگر داریم، این فلسفه در دوران غیبت چیست؟ ما معتقدیم بر اساس ادله عقلی و نقلی، فلسفه سیاسی در دوران غیبت، ولایت فقیه است. اندیشه نیابت عامه فقیه نطفه نظریه ولایت فقیه است. اگر غیر این است، آن غیر چیست؟ می‌گویند مشروطه است؛ در حالی که مشروطه مشروعیت خود را از امامت نمی‌گیرد!

جریان سکولاریسم برخاسته از سنت، با اتخاذ مبنای فکری متفاوت با فقاها همراه با حاکمیت جمهوری اسلامی، منظومه فقهاتی خود را همواره در تردد بین طهارت و

۱. ر.ک: «سکولاریسم حوزوی، چالش‌ها و ابهامات پیش‌رو»، وحید فراهانی، mobahehat.ir.

۲. «رویاری سکولاریسم با ولایت مقدور»، داود مهدوی‌زادگان، ص ۱۲۵.

دیات در حوزه‌های فردی نگه داشته و دغدغه‌ای در حوزه فقه حکومتی و مفاهیم همسو با آن ندارد.

در این رویکرد فقه به حوزه‌های فردی محدود می‌شود و اساساً مسئله آن عرصه سیاسی و اجتماعی نیست. در نتیجه هرچند ممکن است مخالفتی تمام‌عیار با نظام اسلامی و مسائل سیاسی نداشته باشد، لکن در عمل منجر به نفی ورود فقه به عرصه‌های استراتژیک سیاسی و حاکمیتی خواهد شد. این جریان با طرح این معنی که شأن روحانیت اجل از مسائل سیاسی است، به بهانه استقلال حوزه، حاضر به حضور در عرصه‌های فکری، سیاسی و فرهنگی همسو با سیاست‌های نظام نیست.

این افراد معتقدند در حوزه نیازی به جز تحصیل و تهذیب احساس نمی‌کنیم، البته مسائل کشوری و سیاسی وجود دارد که افراد صاحب‌نفوذ و صاحب‌منصب، رهبر و دیگران وجود دارند که در موقع لزوم ابراز می‌فرمایند و هرکس که وظیفه دارد باید عمل کند.^۱

۲. سکولاریسم برخاسته از مدرنیته

اولین مواجهه‌های جامعه ایرانی با مدرنیته به پس از مشروطه بازمی‌گردد. به دلیل بیش از یک قرن مواجهه با این تمدن و ابعاد مختلف فکری و کارکردی آن، امروزه بخشی از جریانات فکری جامعه تحت تأثیر اندیشه‌های مدرن قرار گرفته که در نهایت سطوحی از آن به حوزه‌های علمیه نفوذ کرده است. نظریه پردازان، شارحان و مروجان این سطح از سکولاریسم حوزوی، گرچه دغدغه دین هم دارند، اما دغدغه مفاهیم و ارزش‌های مدرن همچون عقلانیت و آزادی را نیز دارند.

مهم‌ترین شاخص‌های سکولاریسم برخاسته از مدرنیته عبارت‌اند از:

- کنار گذاشتن ابعاد اجتماعی اسلام؛
- انفعال در برابر غرب (چه در حوزه اندیشه و چه در حوزه مسائل روز)؛

۱. ر.ک: «سکولاریسم حوزوی، چالش‌ها و ابهامات پیش‌رو»، وحید فراهانی، mobahesat.ir

- تأثیرپذیری از جریانات روشنفکری برون‌حوزوی و ارتباط با نمایندگان آن؛
- برهم زدن روش فقه جواهری و نگاه حداقلی به فقه؛
- طرح مسئله‌نمایی که اساساً جامعه ایرانی-اسلامی با آن روبه‌رو نیست و برگرفته از دوگانگی‌های بین علم و دین، تعبد و تعقل، عقل و ایمان در غرب است؛ مانند: ایجاد پشتوانه فقهی برای بیانیه‌های حقوق بشری و تبعیت دین و سیاست از خواست ملت‌ها. هرچند این جریان نسبت به نظام اسلامی بی‌تفاوت نیست و حتی ممکن است ورود منتقدانه و یا اپوزیسیون‌گونه به نظام اسلامی، مبانی و عملکردهای آن داشته باشد، اما در کارکرد و هویت سیاسی اجتماعی دین تردید جدی دارد. این جریان در ذیل جریان روشنفکری دینی، دغدغه دین و تجدد دارد و نص دینی را در بستر زمان و مکان نزول شریعت فهم می‌کند که قابل انطباق بر دوران معاصر نیست.^۱
- نکته مهم در سکولاریسم برخاسته از مدرنیته این است که برخی از افراد این جریان تعریفی از سکولاریسم ارائه می‌دهند که به معنای عدم دخالت روحانیون در امور حاکمیت یا عدم دخالت دین در حکومت (و نه سیاست) است. بر اساس این دیدگاه بین سیاست و حکومت تفکیک قائل شده است.^۲

حوزه مستقل، حوزه سکولار

یکی از مهم‌ترین مباحث در مورد سکولاریسم در حوزه، «استقلال حوزه» است. نقطه قوت و مزیت نسبی حوزه‌های علمیه این است که در طول تاریخ به حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی وابسته نبوده و پایگاه قدرت و هویت اجتماعی خود را در تعامل با جامعه دینداران تنظیم و طراحی کرده است. این ویژگی سبب شده است حوزه‌های علمیه روحیه آزادگی و عدم وابستگی داشته باشند و رسالت خود را در نشر معارف اسلامی و مبارزه با مظاهر ظلم و فساد انجام دهند.

۱. همان.

۲. «سکولاریسم سیاسی و سکولاریسم فلسفی»، عبدالکریم سروش، ص ۲۱-۳۱.

استقلال حوزه اصلی مسلم و پذیرفته شده در گفتمان حوزه انقلابی است. اساساً همین ویژگی حوزه بود که امکان انقلاب را برای آن فراهم کرد. حوزه وابسته به حکومت، محافظه‌کار و توجیه‌گر عملکرد حکومت خواهد شد، ولی برخی از افراد در حوزه تفسیری از استقلال حوزه ارائه می‌کنند که حاصل آن بی‌تفاوتی نسبت به نظام اسلامی است و حتی گاهی ممکن است به موضع‌گیری‌های ساختارشکنانه روحانیون در مقابل نظام اسلامی منجر شود.

یکی از روش‌های نظام سلطه در تضعیف انقلابی‌گری در حوزه، تولید دوگانه‌های کاذب در درون حوزه است؛ مانند: حوزه سیاسی / حوزه علمی، دخالت حداکثری / دخالت حداقلی فقیه در سیاست، مرجعیت آزاد / مرجعیت تعیینی. یکی از مهم‌ترین این دوگانه‌سازی‌ها که به هدف ایجاد دو قطبی در حوزه است، دوگانه حوزه حکومتی / حوزه مستقل است.

مفهوم‌سازی «استقلال حوزه»، تیغی برنده و شمشیری دودمه است. از یک سو گفتمان غالب روحانیت در اعصار متمدنی حاکمیت حکومت‌های طاغوت، بر همین مفهوم استوار بوده و لذا مفهومی است به شدت قریب و پذیرفتنی. از سوی دیگر، در عصر حاکمیت حکومت دینی و استقرار نظام اسلامی، می‌تواند به‌عنوان ابزاری کارآمد برای انقطاع حوزه از نظام، عمل کند.

البته کسانی که با طرح حوزه مستقل در مقابل حوزه حکومتی، تلاش دارند انقلابی‌گری حوزه را تضعیف کنند و عملاً حوزه علمیه را در بستر سکولاریسم قرار می‌دهند باید به این پرسش پاسخ دهند که چگونه اقدام بزرگانی همچون محقق کرکی و شیخ بهائی در نزدیک شدن به دربار سلاطین صفوی درست بود ولی نزدیک شدن به نظام اسلامی با تصدی ولی فقیه عادل شیعیه، ذنب لایعفر و مخالف استقلال حوزه است؟!

اساساً دوگانه حوزه مستقل / حوزه حکومتی، ادبیاتی رهن و مغالطه‌انگیز است. تعامل حوزه با نظام اسلامی به معنای حکومتی شدن حوزه نیست و استقلال حوزه هم به معنای بی‌تفاوتی با نظام اسلامی یا برعهده گرفتن نقش اپوزیسیون نیست.

حوزه انقلابی ضمن حفظ حالت انتقادی و مطالبه‌گری محترمانه و اصولی، پایگاه اجتماعی خود را حفظ می‌کند و در تعامل با نظام اسلامی، نقشی حمایت‌گرانه دارد که افزون بر نقد، از راهنمایی و حمایت نیز دریغ نمی‌کند. اساساً حوزه علمیه برای حفظ دستاورد عظیم خود (انقلاب اسلامی) باید هویت استقلالی خود را حفظ کند و انقلاب اسلامی را به اهداف بلند و دوران بلوغ و شکوفایی برساند. طبیعی است در این مسیر حوزه علمیه نیز از دستاوردهای و برکات انقلاب اسلامی بهره‌مند خواهد شد. بر این اساس می‌توان گفت در تایید و پذیرش استقلال حوزه بحثی نیست، اما باید بین مراتب و سطوح استقلال حوزه قبل و بعد از انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی تفکیک قائل شد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با حوزویان (اول اسفند ۱۳۷۰) پس از اشاره به وظایف حوزه، نسبت به نظام اسلامی و تفاوت آن وظایف با پیش از انقلاب، سه تصویر برای موضع‌گیری و ارتباط حوزه و نظام اسلامی یادآور شدند:^۱

۱. حوزه علمیه و عالمان دینی، عضو دولت و همانند الازهر دنباله رو حکومت باشند. استقلال حوزه‌های علمی شیعه از کارآمدترین ارزش‌هایی است که در هیچ یک از محافل دینی دیده نمی‌شود و این ویژگی عامل تحرک و آزادمنشی حوزویان بوده و اثر خود را از دوران‌های گذشته به خوبی نشان داده است. بنابراین حوزه نباید سازمانی از سازمان‌های دولتی باشد حتی اگر آن دولت، دولت جمهوری اسلامی باشد.
۲. حوزه و روحانیت نسبت به حکومت و مسائل آن بی‌تفاوت باشند و یا بالاتر موضعی خصمانه داشته باشند و همانند گذشته که با رژیم طاغوتی مبارزه می‌کردند با این نظام نیز مقابله کنند.

این گونه برخورد نیز به دلایل گوناگون درست نیست؛ زیرا جمهوری اسلامی دستگاه عدل و اسلامی است. آن دستگاه‌ها دستگاه ظلم و غصب بود. در رأس این نظام رهبری

۱. ر.ک: «نقش حوزه‌های علمیه در استمرار انقلاب اسلامی»، www.andisheqom.com، کد خبر ۱۱۵۷۸.

قرار دارد که باید فقیه و از حوزه باشد. افزون بر همه اینها براساس قانون اساسی همه نهادهای این نظام بر اساس اسلام باید اداره شوند. بنابراین حوزه‌های علمیه و عالمان دینی نمی‌توانند نسبت به حکومت اسلامی بی‌تفاوت و یا با آن موضعی خصمانه داشته باشند.

۳. حوزه جدا باشد استقلال داشته باشد اما همراه باشد و از نظام جمهوری اسلامی پشتیبانی کند.

روحانیت همان گونه که پیش از انقلاب تا تحقق نظام اسلامی در همه صحنه‌های اجتماعی مسلمانان حضور فعال داشت، از این پس نیز باید در همه صحنه‌های سیاسی فرهنگی و اجتماعی حضور داشته باشد. اسلامیت نظام و استمرار آن در گرو حضور او در صحنه‌های گوناگون است. اگر روحانیت از صحنه بیرون رود، به تدریج جمهوری اسلامی غیراسلامی خواهد شد. قدرت و امکانات بسیاری در خارج و داخل کشور برای غیراسلامی شدن به کار گرفته شده و به کار گرفته می‌شوند.

درک این واقعیت که انقلاب اسلامی همان رسالتی بود که سال‌ها تمامی علما و فقه‌های شیعه در راه رسیدن به اعتلای آن کوشش می‌کردند، این انگیزه را ایجاد می‌نماید که روحانیت همراه و همگام نظام اسلامی باشد. اگر حوزه خود را منفک از نظام اسلامی تعریف کند، در واقع به دستاوردهای علمای سلف پشت پا می‌زند و یافته‌هایی را که آنان در پی رسیدن به آن بودند، به چالش می‌کشانند. در این بین نباید از زمینه‌سازی‌ها برای بهبود ارتباط میان روحانیت و نظام اسلامی غافل شد مانند دستگاه‌های قانونگذار که به حق می‌توانند با بهره‌گیری از افکار و اندیشه‌های دینی در رشد و تعالی جامعه موثر واقع شوند.^۱

اصل ضرورت تعامل بین نظام اسلامی و روحانیت دو سویه است و نمی‌توان مسئولیت آن را متوجه یک طرف دانست، اما این انتظار وجود دارد که حوزه‌ها به‌عنوان متولیان امر هدایت و تدوین‌گران نظام فکری جامعه در جهت رسالتی که بر عهده‌شان قرار

۱. در شماره هشتم ماهنامه حوزه انقلابی (خرداد ۱۳۹۹) مقاله‌ای در مورد ضرورت و سطح تعامل حوزه با نظام اسلامی چاپ شد. ر.ک: «شاخص‌های ترابط سیاسی بین نظام اسلامی و روحانیت»، حامد حبیبی، ص ۳۱-۴۲.

داده شده است پیشگامان تعامل و نقش آفرینان تقنین باشند. دولت‌ها هم طبعاً به علت اجرای این رویکردها باید در گام اول اصل اندیشه را پذیرفته باشند و در جهت نزدیک شدن به آن کوشش کنند.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی بروزی از مبانی فکری و نظام سیاسی حوزه بود که توانست در تعامل با نظام اجتماعی، قدرت بسیج‌کنندگی خود را به رخ همه مدعیان بکشانند. از این رو هویت اصلی و اساسی حوزه، انقلابی‌گری است. در طول انقلاب اسلامی نیز وصف غالب حوزه انقلابی باقی ماند.

نکته حائز اهمیت این است که نقلابی‌گری در گذر زمان به تناسب تغییر مراتب و مراحل انقلاب اسلامی تغییر می‌کند و حوزه برای انقلابی ماندن و حفظ میراث عظیم سیاسی و اجتماعی خود (انقلاب اسلامی) باید عرصه‌های جدیدی از انقلابی‌گری را تجربه کند. از این جهت حوزه در معرض غیرانقلابی شدن قرار می‌گیرد.

بررسی مفاهیم و مراتب سکولاریسم نشان می‌دهد، هویت حوزه با سکولاریسم فاصله زیادی دارد. سکولاریسم فلسفی (الحاد) و دینی (جدایی از معنویت) اساساً در حوزه قابل طرح نیست. از طرف دیگر سکولاریسم با خاستگاه تجدد و روشنفکری نیز در حوزه جایگاهی ندارد.

خطری که حوزه را تهدید می‌کند این است که جریان‌های سستی حوزه، دین را در عرصه فردی خلاصه و از ورود به عرصه سیاسی اجتماعی اجتناب کنند. در این صورت سکولاریسم به معنای جدایی دین از عرصه اجتماع، در حوزه رخ خواهد داد. اهمیت این عرصه از این جهت است که تداوم هویت دینی انقلاب اسلامی به حضور متداوم سیاسی اجتماعی حوزه مربوط است.

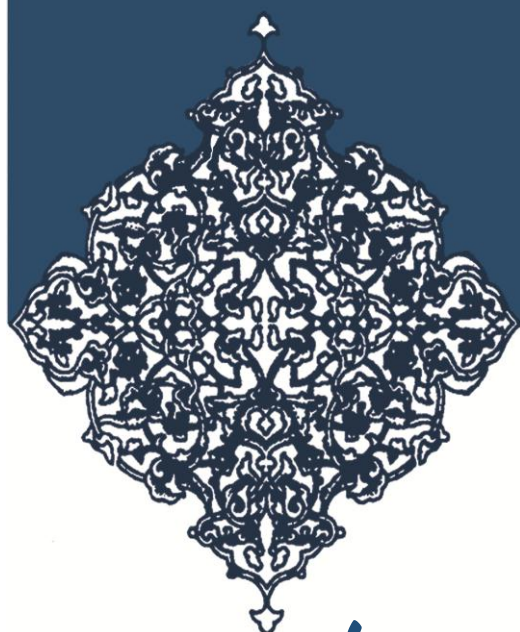
برخی از گروه‌های سستی حوزه با شعار استقلال حوزه، حوزه را در معرض خطر سکولاریسم قرار می‌دهند. به این ترتیب دو جریان سنت‌گرا و روشنفکر با وجود اینکه

خواستگاه و مبانی فکری متفاوتی دارند، در نمود بیرونی و دستاورد عینی، در ایستگاه سکولاریسم به یکدیگر می‌رسند.

هرچند خواستگاه یکی از این دو جریان مدرنیته و دیگری فقه و حوزه سنتی است ولی یکی با شعار «استقلال حوزه» و دیگری با شعارهایی مانند «حقوق بشر» و «دموکراسی»، بر عدم ورود حوزه به مسائل سیاسی و حکومتی تاکید دارند. نتیجه هر دو جریان انزوا و کنار گذاشته شدن دین از صحنه مدیریت زندگی اجتماعی است که عبارت دیگری از سکولاریسم است.

منابع

۱. «آنچه حوزه را تهدید می‌کند سکولاریسم اجتماعی است»، عبدالحسین خسروپناه، نشست روحانیت انقلابی - روحانیت سکولار، <https://basirat.ir/fa/news/262975>.
۲. «رویارویی سکولاریسم با ولایت مقدر»، داود مهدوی‌زادگان، ماهنامه اندیشه نامه، سال اول، شماره اول، شهریور ۱۳۹۶.
۳. «زمینه راه رشد سکولاریسم در ایران»، اسفندیار طبری، falsafeh.com.
۴. «سکولاریسم حوزوی، چالش‌ها و ابهامات پیش‌رو»، وحید فراهانی، mobahehat.ir، ۱۳۹۸/۳/۲۲.
۵. «سکولاریسم سیاسی و سکولاریسم فلسفی»، عبدالکریم سروش، بازتاب اندیشه، شماره ۶۴، مرداد ۱۳۸۴.
۶. «شاخص‌های ترابط سیاسی بین نظام اسلامی و روحانیت»، حامد حبیبی، حوزه انقلابی، شماره ۸ خرداد ۱۳۹۹.
۷. «ظرفیت‌های فقه سیاسی برای نظام‌سازی»، کمال اکبری، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۹۱.
۸. «فتنه‌ای جدید از درون حوزه‌های علمیه»، mashreghnews.ir، ۱۳۹۷/۱۰/۲۷.
۹. «فقه حکومتی؛ نرم‌افزار توسعه انقلاب اسلامی»، عباسعلی مشکانی، ابوالفضل سعادت، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۲، بهار ۱۳۹۲.
۱۰. «فقه حکومتی؛ نرم‌افزار نهایی مدیریت جامعه در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی»، عباسعلی مشکانی و دیگران، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۱۱. «فقه نظام‌ساز، بحثی در باب ظرفیت‌های فقه سیاسی برای نظام‌سازی»، محمدجواد ارسطو، ماهنامه سوره، شماره ۵۶-۵۷، بهمن و اسفند ۱۳۹۰.



بخش سوم

پرونده ویژه: کرونا و جریان دینداری



کرونا و جریان دینداری؛ توطئه یا بیماری طبیعی

محمدحسین محمدی

اشاره

بیش از یک سال است که کرونا در صدر اخبار جهان قرار دارد. این بیماری از ووهان چین شروع شد و کل جهان را فراگرفت و قربانیانی میلیونی برجای گذاشت. این آمار و مشخصات، سبب شده است کم و بیش ذهن همه انسان‌ها درگیر موضوع کرونا شود. عده‌ای آن را توطئه‌ای علیه اهداف خاص سیاسی و دینی می‌دانند در مقابل برخی کرونا را یک بیماری طبیعی می‌دانند و کسانی را که اعتقاد به توطئه دارند توهمی، می‌خوانند. کرونا ابعاد مختلف جامعه بشری را تحت تاثیر قرار داد. بخش مهمی از این اثرگذاری اخلاقی گرایانه در مورد جهات دینی بود. کرونا با تعطیلی اجتماعات و ایجاد محدودیت‌های اجتماعی، مراسم مذهبی و مناسک گروهی را تعطیل کرد. به دنبال همه‌گیر شدن کرونا اماکن مذهبی به شدت خلوت شد. در ایران مساجد و مراسم مذهبی، نمازهای جمعه و اماکن زیارتی تعطیل شد. در شرایط کرونایی برنامه‌های عبادی ماه مبارک رمضان افول کرد، چندین ماه نماز جماعت تعطیل شد، مراسمی مانند روز قدس برگزار نشد، مراسم و سخنرانی‌های ماه محرم به سوی فضای مجازی افت کرد، فضای معنوی ماه رجب با تعطیلی اعتکاف دچار رکود شد. این شرایط

سبب شد عده‌ای کرونا را توطئه‌ای علیه جریان دینداری و تسلط نظام سلطه و طاغوت تحلیل کنند.

در این مقاله نظرات مختلف در مورد منشأ ایجاد و نشر کرونا (توطئه یا طبیعی بودن) و همچنین رویکردهای مختلف در مواجهه با کرونا (ساده‌انگاری یا بزرگ‌نمایی) را مطرح می‌کنیم تا بتوانیم به قدرت تحلیل بهتر و در نتیجه تصمیم‌گیری بهتر در این مورد دست یابیم. گروه‌های مختلف حوزوی در مورد کرونا موضع‌گیری‌های مختلف داشتند. جریان غالب روحانیت و حوزه‌های علمیه با تصمیم‌های ستاد کرونا همراهی کردند تا جایی که برنامه‌ها و اماکن دینی را تعطیل شدند ولی تعدادی موافق همراهی با این جریان نبودند و تعطیلی مراکز و مراسم دینی را برناتفتند. به هر حال مطالب این مقاله را می‌توان به نوعی در مسیر موضوع‌شناسی احکام دینی تلقی کرد. مواجهه فقهی، اخلاقی و کلامی با کرونا مستلزم شناخت ابعاد و زوایای گوناگون آن است.

کرونا توطئه‌ای بزرگ

بنابر نظریه توطئه افرادی قدرتمند مخفیانه کارهایی را به ضرر مردم و به سود خودشان انجام می‌دهند. در بسیاری از تئوری‌های توطئه سناریویی طراحی می‌شود که بنابر آن نیروهایی پشت پرده قصد دارند سیاست و اقتصاد جهان را به فرمان خود درآورند. یکی از ابزارهای و اقدامات آنها استفاده از سلاح‌های بیولوژیکی است. یکی از گمانه‌های اصلی در مورد کرونا این است که کرونا نوعی حمله بیولوژیک است. آمریکا و چین از متهمان اصلی بودند.^۱

در مورد منشأ حمله بیولوژیکی کرونا نظرات مختلفی وجود دارد. بر این اساس برخی معتقدند مورچه‌خواری به نام پانگولین از مدفوع خفاش تغذیه کرده است و این ویروس را منتشر کرده است. در مورد چگونگی این انتقال باید دخالت‌های انسانی را عامل اصلی دانست.^۲

1. <https://www.mashreghnews.ir/news/1050163>.

2. <https://snn.ir/fa/news/834057>.

کرونا و جریان دینداری؛ توطئه یا بیماری طبیعی

ممکن است گفته شود چطور کرونا سلاحی بیولوژیک است درحالی که کشورهای اروپایی و خود آمریکا به آن دچار شده‌اند. در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت احتمال دارد این ویروس ناخواسته در آن کشورها منتشر شده است یا اینکه بگوییم کشورهای استعماری برای اجرای طرح‌های تروریستی خود حتی جان مردم خود را نیز نادیده گرفته است. هدف، می‌تواند کاهش جمعیت جهان، کاهش جمعیت ژنوم‌های خاص، سود سرشار مافیای دارو و واکسن یا شیوع بیماری‌های مهلک دیگر در آینده باشد. به همین دلیل، رهبر انقلاب در فرمان تشکیل قرارگاه بهداشتی و درمانی، فرماندهی این قرارگاه را به نیروهای مسلح سپردند و در متن فرمان به احتمال وجود جنگ بیولوژیک و لزوم مانورهای متقابل تصریح کردند.^۱

در مورد علت پیدایش نظریه‌های توطئه در مواجهه با رویدادها و بحران‌ها باید بین تکوین برخی از این نظریه‌ها در بستر اجتماع و تلقین برخی از سوی ساختارهای قدرت، تفکیک قائل شد. البته در هر صورت گسترش این نظریات در جامعه بدون توجه به پشتوانه‌های تحلیلی و علمی آن، سبب کاهش امنیت روانی جامعه و گسترش بدبینی عمومی می‌شود. بنابراین باید به آثار منفی نظریه‌های توطئه توجه کرد.

توطئه‌باوری در چند دهه گذشته رواج بیشتری پیدا کرده است؛ زیرا در چند مورد بسیار معروف، مانند رسوایی واترگیت در آمریکا، نظریه‌های توطئه‌ای که درباره آنها به وجود آمده بود و ابتدا دور از ذهن به نظر می‌رسید، بعدها معلوم شد که واقعی بوده است.

پیشینه حمله بیولوژیک

تا قبل از سال ۱۹۰۰ موارد محدودی از جنگ‌های بیولوژیکی گزارش شده است؛ زیرا در این دوره اطلاعات و درک عمومی از بیماری‌های واگیردار محدود و با اشتباه‌های همراه بوده است. بعد از این تاریخ دولت‌ها برنامه‌های جنگ بیولوژیکی خود را تنظیم کردند. جنگ جهانی اول و دوم نمونه آشکاری بر این نوع جنگ‌ها بود که از انتشار

1. <https://www.mashreghnews.ir/news/1052791>.

بیماری‌هایی مانند سیاه زخم و تیفوس به‌عنوان سلاح جنگی استفاده شد. بر این اساس در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، تولید و استفاده از جنگ بیولوژیکی ممنوع شد.^۱ بعد از سال ۱۹۴۵، به‌ویژه در دوران جنگ سرد، برنامه جنگ بیولوژیکی دولت‌ها به‌ویژه آمریکا و شوروی وارد مرحله جدیدی شد که تلفات وسیع را برنامه‌ریزی می‌کرد. در فاصله ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۵، کمتر از ۲۰ کشور برنامه‌های سازمان‌یافته‌ای برای توسعه جنگ بیولوژیکی دارند یا در حال تلاش برای تنظیم آن هستند. این برنامه‌ها از نظر اندازه و پیچیدگی متفاوت هستند. کشورهایی مانند آمریکا و شوروی سابق، قابلیت‌های عملیاتی خود را برای انتشار عوامل بیولوژیکی در سطح مناطق وسیعی با استفاده از سیستم‌های پیشرفته توسعه داده‌اند.^۲

برنامه جنگ بیولوژیکی اسرائیل پیش از ۱۹۴۸ آغاز شد و در این سال، عوامل بیولوژیکی مانند آلوده کردن منابع آب، در برابر انگلیسی‌ها و اعراب به کار گرفته شد.^۳ با توجه به تحولات علمی و فناوری، انتظار می‌رود جنگ‌های بیولوژیکی با پیشرفت و تحول زیادی مواجه شوند.^۴

متهمان ردیف اول حمله بیولوژیکی

۱. کرونا؛ ابزاری برای اهداف آمریکا

برخی کشورها آمریکا را منشأ حمله بیولوژیکی می‌دانند. آنها برای ادعای خود مویذاتی می‌آورند:

۱. پیشنهاد ترامپ برای خرید نجومی شرکت پژوهشی «کیورفاک» آلمان و انتقال آن

۱. تحلیل تاریخی جنگ‌های بیولوژیکی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب اسلامی، ص ۹-۱۴، تهران، ۱۳۹۹.

2. Carus, W. S. (2017). A Short History of Biological Warfare: From Pre-History to the 21st Century. National Defense University Press, Washington, D.C.

3. Cohen, A. (2001). Israel and Chemical/Biological Weapons: History, Deterrence, and Arms Control. The Nonproliferation Review- Fall and Winter, p.27-53.

4. Kumar, A. & et al (2011). Review Paper: Biological Warfare, Bioterrorism and Biodefence. J Indian Acad Forensic Med, 33 (1).

به آمریکا این گمانه را تقویت کرد که ترامپ قصد دارد در ماجرای کرونا و یک جنگ بیولوژیک احتمالی، دست بالا را حفظ کند و واکسن یا داروی آن را در انحصار خود نگهدارد. ترامپ در اظهار نظری دیگر، اعلام کرد «جهان در جنگ با یک دشمن پنهان به سر می‌برد و ما پیروز خواهیم شد» این گفتار ترامپ به این برداشت دامن زد که شاید آمریکایی‌ها این ویروس را روانه کشورهای هدف کرده‌اند و از قبل داروی آن را هم ساخته‌اند.^۱

۲. در سال ۲۰۱۵ او باما رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده آمریکا، در یک مصاحبه خبری از احتمال شیوع یک بیماری در سال ۲۰۲۰ صحبت می‌کند. او در این مصاحبه به صراحت می‌گوید این بیماری، یک ویروس هوابرد و بسیار مرگبار است. همچنین فیلم‌های متعدد سینمایی در دو دهه اخیر در آمریکا ساخته شده است که ویروس کرونا را پیش‌بینی کرده است.^۲

۳. آمریکا در زمینه فعالیت‌های بیولوژیکی، سابقه دارد که پیشینه آن به جنگ جهانی دوم می‌رسد. بسیاری از این آزمایش‌ها بعد از این در آمریکا انجام شده است.^۳ وجود ۴۰۰ مرکز آزمایشگاهی نظامی آمریکا در نقاط مختلف جهان از جمله هند، مالزی، چین، اندونزی، گرجستان و حتی روسیه نظریه‌های توطئه را وسعت بخشید.^۴ بیش از ۲۰۰ آزمایشگاه بیولوژیک آمریکا در جهان و اطراف ایران فعالیت می‌کنند.^۵

پایگاه آمریکایی گلوبال ریسرچ در مقاله‌ای^۶ به قلم لاری رومانوف، یکی از محققان خود فاش کرد که دولت ایالات متحده، حدود ۱۳۰ مرکز تحقیقات تسلیحات بیولوژیک خود را در سال‌های اخیر برای انجام تحقیقات در حوزه جنگ بیولوژیک به کار گرفته و بر عوامل بیماری‌زا علیه یک نژاد خاص متمرکز شده‌اند.

1. <https://www.irna.ir/news/83720292>.

2. <https://go2tr.com/mag/the-secret-of-contagion-about-coronavirus>.

3. <https://www.mashreghnews.ir/news/1050657>.

4. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/02/28/2267985>.

5. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/12/29/2226792>.

6. <https://www.mashreghnews.ir/news/1052252>

این گزارش همچنین می‌افزاید که وزارت دفاع آمریکا در گزارشی به کنگره اعلام کرده برنامه‌ای برای ایجاد عوامل بیولوژیک مصنوعی و تغییر ویروس‌های غیرکشنده به نوع کشنده و مقاوم کردن آنها در برابر واکسیناسیون در دست اقدام دارد. موسسه تحقیقات پزشکی ارتش آمریکا (USAMRIID) در فورت دیتریک مرلند، مرکز اصلی تحقیقات درباره تسلیحات بیولوژیک آمریکا است که ۸۰ هزار متر مربع وسعت دارد.

۲. کرونا؛ وسیله‌ای برای تثبیت مقام اولی اقتصاد برای چین

عده‌ای بر این باورند چین برای دستیابی به قدرت اول اقتصادی جهان به حمله بیولوژیکی به آمریکا و اروپا روی آورده است. طرفداران این نظریه برای ادعای خود، دلایل زیر را ارائه کرده‌اند:^۱

۱. در اول ژانویه ۲۰۲۰، بازار غذاهای دریایی چین، در شهر ووهان، طی اطلاعیه‌ای تعطیل شد. پس از این تعطیلی در اقدامی هماهنگ، فاضلاب منطقه، به طور کامل پاکسازی شد. این اقدام دولت مرکزی چین، اقدامی تخریبی در راستای از بین بردن صحنه جرم تلقی شده است.

۲. چین با انتشار نمایشی ویروس در سطح محدود، خود را نخستین قربانی این ویروس معرفی کرده است که فقط در شهر ووهان محاصره شد و شهرهای بزرگ و مهم همچون پکن و شانگهای از این ویروس در امان ماندند، ولی در بسیاری از کشورهای اروپایی مانند ایتالیا، اسپانیا و بریتانیا در کنار ایالات متحده آمریکا، انتشار ویروس الگویی فراگیری داشت.

۳. بعد از شیوع ویروس کرونا و آثار اقتصادی این ویروس بر بازارهای بین‌المللی سهام، دولت چین از فرصت استفاده کرد و با پایین آمدن قیمت سهام بسیاری از کمپانی‌ها، با استفاده از ذخایر ارزی‌اش این سهام را خرید.

1. <https://snn.ir/fa/news/834057>.

۴. آمار فعالیت‌های اقتصادی چین نشان می‌دهد این کشور تاثیر کمی از کرونا پذیرفته است. نیویورک تایمز هم‌اخیرا در گزارشی تحلیلی به نقل از اداره ملی آمار چین نوشت: در سه‌ماهه ژوئیه، اوت و سپتامبر، اقتصاد چین با رشد ۴/۹ درصدی نسبت به همین فصل در سال گذشته مواجه شده است. عملکرد قدرتمند اقتصادی موجب شده تا چین تقریباً به رشد ۶ درصدی اقتصادی که تا پیش از آغاز کرونا گزارش داده بود، بازگردد. نیویورک تایمز می‌افزاید هرچند بسیاری از اقتصادهای برتر جهان به سرعت از عمق انقباض اقتصادی که در بهار رخ داده بود، خارج شدند، اما چین نخستین کشوری است که از رشد اقتصادی خبر می‌دهد.^۱

۱. در منطقه هوبئی چین که مرکز آن شهر ووهان است، در سال ۲۰۰۰ آزمایشگاه‌های پژوهشی متعددی به سرمایه‌گذاری مشترک چین و آمریکا تأسیس شد. یکی از وظایف این آزمایشگاه‌ها، تحقیق در انواع ویروس‌های منجمد شده در گودال‌های قدیمی است که در اثر کاوش‌های باستانی در اطراف منطقه هوبئی در جنوب شرق چین، کشف شده است.

توجه دانشمندان زمانی به این منطقه جلب شد که در آنجا قدیمی‌ترین نوع جانداران ماموت (نوعی از پستانداران گیاه‌خوار بزرگ و منقرض شده از خانواده فیل) در جهان کشف گردید. گذشته از آن در سال ۲۰۰۲ کاوش‌گران بقایایی از فسیل بشری را در آنجا کشف کردند که قدمت آن به ۳۶۰ هزار سال برمی‌گردد، در حالی که فسیل‌های بشری کشف شده قبل از آن، تنها ۲۵۰ هزار سال قدمت را نشان می‌داد.

این آزمایشگاه‌ها درباره علت انقراض برخی از انواع بشری در زمان ناآرامی پوخته زمین، تحقیقاتی زیادی انجام داده‌اند. به باور زیست‌شناسان، ۱۵۰ هزار سال پیش نسلی از ویروس‌های کشنده در زمین ظهور کرده است که بخشی بزرگی از جمعیت بشر را نابود کرده است.

1. <http://farhangeiranian.ir/fa/news/5271>.

در سال ۲۰۰۳ دانشمندان توانستند در آزمایشگاه‌های ووهان، میکروب منجمد شده‌ای را که از داخل یاخته یک حیوان فسیل شده به دست آورده بودند، احیا کنند، اما چون قدرت آسیب رساندن به انسان را نداشت، سبب نگرانی و ترس دانشمندان نشد. اگر میکروب دیرینه فسیل شده‌ای که کشنده و ویران‌گر باشد احیا گردد، چه عواقب وخیم و ترسناکی را در پی خواهد داشت؟

افزون بر نکات یاد شده، همه می‌دانند که نخستین کانون شیوع کرونا، شهر ووهان بوده است. به‌ویژه اطلاعات به دست آمده حاکی از آن است که در ۱۹ نوامبر ۲۰۱۹ جانگ کی جیان، استاد بیماری‌های ویروسی دانشگاه ملی ووهان، ضمن گزارشی به اداره بهداشت استان هوبئی، از ظهور ویروس خطرناک کرونا خبر داده است، اما پس از آن دو ماجرا به وقوع پیوست: ۱. ثبت رسمی اولین مبتلا به ویروس کرونا در ووهان ۲. درگذشت کی جیان در اثر افت شدید فشار خون.^۱

در پاسخ به این دلایل برخی معتقدند چین با استفاده از مدل حکمرانی و همچنین پایبندی به طب سنتی و شرقی توانسته است کرونا را مهار کند و از عوارض آن نجات پیدا کند؛ نه اینکه آن را برای سایر کشورها ساخته است و خود از آن در امان مانده است.

اخبار رونق کسب و کار، گردشگری و از سرگیری روند عادی زندگی روزمره در چین، نشانگر این واقعیت است که چین به طرز موفقیت‌آمیزی بر هیولای کرونا غلبه کرده است. جشن‌های «دوگانه» چین در ماه اکتبر سال ۲۰۲۰ نشان داده که از کرونا رهایی یافته و صرفاً پنج هزار قربانی داده است. در این اعیاد (جشن پاییزه و بزرگداشت هفتادویکمین سال تأسیس جمهوری خلق چین؛ هفته طلایی چین) ۶۳۰ میلیون چینی به سفر رفتند. این رقم معادل ۸۰ درصد تعدادی است که سال گذشته اقدام به سفر کردند. شگفت‌انگیزتر اینکه درآمد بخش توریسم چین در این مدت ۷۰ درصد سطح سال گذشته بوده و به رقم

1. <https://www.independentarabia.com/nod/107766>.

۷۰ میلیارد دلار رسیده است؛ در حالی که در سایر نقاط جهان این بخش از اقتصاد ورشکسته، یا به کل تعطیل شده است.^۱

۳. کرونا؛ نمودی دیگر از شیطنتهای اسرائیل^۲

عده‌ای بر این باورند کرونا محصول دست یهودیان اسرائیل است. رژیم صهیونیستی از بدو اشغالگری خود آزمایش‌های شیمیایی و فعالیت‌های بیولوژیکی خود را در پیش گرفته است؛ پایگاه اطلاعاتی «strangeside» در گزارشی نوشت، اسرائیل دو راز بزرگ دارد: ۱. آزمایش‌های هسته‌ای مخفی به نام «دمونا» که گوشه‌ای از آن توسط «مردخای وانونو» در دهه ۷۰ میلادی آشکار شد؛ ۲. آزمایشگاه‌های زیرزمینی این رژیم برای تولید سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی که در ۱۳ مایلی جنوب تل‌آویو قرار دارد. این موسسه (IIBR)، پرسنل بسیار ماهر و پیشرفته‌ای را با فناوری‌های پیشرفته و ساختارهای زیربنایی برای انجام تحقیقات کاربردی و توسعه در زمینه‌های زیست‌شناسی، شیمی دارویی و علوم محیطی به‌کار گرفته است. این در حالی است که اسرائیل با قاطعیت از امضای کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیکی و سموم در سال ۱۹۷۲ خودداری کرد.

نخستین آزمایش بیولوژیکی اسرائیل بعد از جنگ جهانی دوم انجام شد؛ هنگامی که گروهی از یهودیان شروع به جستجوی روش‌ها برای انتقام از نازی‌ها کردند. آنها با تشکیل گروهی به نام «انتقام‌جویان» طرحی را برای مسموم کردن نازی‌ها که در زندان‌های اروپا و اردوگاه‌های کار اجباری سابق بودند، ترتیب دادند. یکی دیگر از اقدامات بیولوژیکی این گروه در سال ۱۹۴۵، انجام شد. اعضای این گروه وارد اردوگاه «استالاگ» در نزدیکی «نورنبرگ» شدند و با مسموم کردن مسواک‌های نازی‌ها، نزدیک به ۳ هزار نفر را از بین بردند.

1. <http://farhangeiranian.ir/fa/news/5271>.

2. <https://paydarymelli.ir/fa/news/57732>.

عرصه‌های جنگ بیولوژیک بودن کرونا

۱. آسیب‌رسانی به ژن‌های خاص برای اهداف خاص

برخی معتقدند انتشار ویروس کرونا به مثابه یک «سلاح ژنتیکی» در یک جنگ بیولوژیکی علیه ملت‌های خاصی از جمله ملت ایران است. سلاح‌های ژنتیکی روی ژنوم ملت‌ها، نژادها، جمعیت‌ها یا گروه‌های خاص اثر می‌گذارند و متناسب با اهداف آن می‌تواند نتایج مختلفی از معلولیت‌های جسمی یا ذهنی گرفته تا مرگ و نابودی جمعیت خاص موردنظر داشته باشد.

موضوع مطالعه ژنوم انسان نخستین بار در «پروژه ژنوم انسان» مطرح شد. این برنامه علمی تحقیقاتی از ۱۹۹۹ آغاز و تا ۲۰۰۳ به اتمام رسید. هدف آن، کشف ژن‌های تمامی انسان‌ها و تجزیه و تحلیل ساختار DNA انسان و استفاده از آن در بررسی‌های بیولوژیکی و پزشکی بود.

در آمریکا با «پروژه ژنوم ایرانیان»، ژنوم ایرانی‌ها در اختیار دانشگاه استنفورد قرار دارد. ۲۵ هزار ژن ایرانی در اختیار آمریکا و رژیم صهیونیستی است. نتایج کشف ضعف و قوت این ژن‌ها در بخش نظامی و سیستم‌های امنیتی استفاده می‌شود. در گروه تحقیقاتی دانشگاه استنفورد، پردیس ثابتی دختر پرویز ثابتی رئیس اداره سوم ساواک شاه و پروفیسور رستم مرتبط با رژیم صهیونیستی حضور دارند.^۱

آمریکا ۲۵ آزمایشگاه بیولوژیک سطح ۴ و مخفی با توانایی‌های خاص در اطراف ایران دارد که می‌تواند در اهداف جنگ بیولوژیک علیه ایران استفاده کند.^۲

نقشه پراکندگی کرونا در ایران با نقشه پراکندگی نژادها در استان‌های مختلف انطباق زیادی دارد. سکناس ژنتیکی ترک و کرد کمتر دچار کرونا شده‌اند. ترکیه و پاکستان و افغانستان در همسایگی ایران، آمار ابتلای بسیار اندکی داشته‌اند؛ در حالی که ایتالیایی‌ها که نزدیک‌ترین سکناس ژنوم با ایرانی‌ها را دارند، شاهد شیوع و مرگ و میر بالا بوده‌اند.

۱. تحلیل تاریخی جنگ‌های بیولوژیکی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ص ۲۷ و ۲۸.

2. <https://www.mashregnews.ir/news/1050657>.

حملات بیولوژیک به ایران طی ماه‌های گذشته، چندین مرتبه در ابعاد کوچکتر، آزمایش و تمرین شد. در مهرماه، شیوع ایدز در یکی از روستاهای لرگان خبرساز شد. در آذرماه بوی تعفن گسترده‌ای در تهران منتشر شد و خبر جاسازی قرص‌های مسموم در کیک‌های صنعتی پخش شد.^۱

۲. جبران تجربه ناموفق حکمرانی حقیقی در فضای مجازی

دست‌های پشت صحنه بعد از جنگ جهانی، صحنه را به گونه‌ای مدیریت کردند که جامعه بشری را به پذیرش یک حاکمیت جهانی و محدود کردن اختیارات دولت و ملت‌ها واداشتند. در این شرایط تحت عنوان سازوکارهایی برای تحقق صلح پایدار، سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل و زیرمجموعه‌های آن را بر جهان حاکم کردند. آنها آسیب را به حدی گسترده کردند که حتی کشورهایی که مستقیماً درگیر آن جنگ‌ها نبودند، به پذیرش این نظم جهانی و سیطره قدرت‌ها از طریق شبکه سازمان‌های بین‌المللی تن بدهند.

همان طور که بحران جنگ جهانی اول و دوم، بستر جامعه جهانی را برای پذیرش یک نظم جدید با ادعای صلح پایدار مهیا کرد، این فضای ناامن کنونی هم می‌تواند جامعه جهانی را برای پذیرش یک پیشنهاد جدید برای تحقق یک نظم مادی و ایجاد حکمرانی مجازی مهیا کند تا بتوانند سیطره بلامنازع مجازی بر جهان پیدا کنند. بر این اساس مقام معظم رهبری در روز عید مبعث (نهم فروردین ماه ۱۳۹۹) فرمودند ما در فضای مجازی هم باید قوی بشویم.^۲

تعطیلی‌ها و قرنطینه‌های گسترده‌ای که کرونا ایجاد کرد سبب شد مردم اوقات فراغت بیشتری داشته باشند و بیشتر در خانه بمانند. یکی از مهم‌ترین ابزار در این شرایط برای پرکردن اوقات فراغت مراجعه به فضای مجازی و تماشای فیلم بود. در این

1. <https://www.mashreghnews.ir/news/1052791>.

۲. کرونا و فرضیه عبور از حکمرانی حقیقی به حکمرانی مجازی، سید محمد مهدی میرباقری؛

https://eitaa.com/mirbaqeri_ir/2584

شرایط برگه برنده در دست شرکت‌ها و کشورهای است که کمپانی‌های بزرگ فیلم‌سازی دارند. همه این شرکت‌ها بر اساس مبانی تفکر مدرن، مادی‌گرایی و دنیاگرایی ایجاد شده و اداره می‌شوند.^۱

گلوبال ریسرچ در گزارشی^۲ ویژه به قلم پیتر کوئینگ دستیار پژوهشی این اندیشکده به واکاوی ابعاد پنهان بیماری همه‌گیر کرونا و اهداف و پیامدهای آن پرداخته است. این اندیشکده کانادایی گزارش خود را با این فرضیه آغاز می‌کند که نابودی جهان، تصادفی نیست. این اتفاق از چند دهه قبل برنامه‌ریزی شده است.

اکنون افراد ناشناس نهادهای مالی و دولت پنهان، جهان را به زندگی در مرحله قفل و قرنطینه قرار داده‌اند. این موارد در گزارش راکفلر ۲۰۱۰ (صفحه ۱۸، سناریوی مرحله قفل) پیش‌بینی شده و توسط رویداد ۲۰۱۳^۳ مورد تایید قرار گرفته است.

از همه اینها اسناد فراوانی بیرون آمد که حاوی دستورالعمل‌ها و سناریوهایی برای نحوه کنترل بشریت (کاهش جمعیت و در بهترین حالت، اصلاح نژاد) بودند که چگونه گروه کوچک «نخبگان دولت پنهان جهانی»، در نهایت همه ما را مجبور به قرار گرفتن زیر پوشش ماسک، فاصله‌گذاری اجتماعی و اجتناب از صحبت با یکدیگر کنند.

همه این موارد سبب می‌شود ما از فضای واقعی و عینی به فضای مجازی سوق داده شویم. فضای مجازی، از مهم‌ترین حقایق جامعه امروز بشری است که از لوازم و دستاوردهای تمدن غربی است که البته مبانی مدرنیته را نیز بازتولید می‌کند. فضای مجازی بر اساس برخی مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی طراحی و ایجاد شده است که قواعد، اصول و سبک زندگی خاصی را در راستای تفکر مادی‌گرایی به ارمغان می‌آورد. به هر حال طراحان و گردانندگان فضای مجازی متعلق به تمدن غرب هستند و

1. <http://farhikhtegandaily.com/news/45603>.

2. <https://www.mashreghnews.ir/news/1103811>.

۳. این رویداد که توسط دانشگاه جان هاپکینز و با همکاری بنیاد گیتس و مجمع جهانی اقتصاد (WEF) سازماندهی شده بود، شامل مانور شبیه‌سازی همه‌گیری‌ای بود که هم‌اکنون در آن به سر می‌بریم.

افزایش کنشگری در این عرصه حضور بیشتر در بازی‌ای است که قواعد آن را آنها طراحی کرده‌اند.

بر این اساس لازم است جریان دینی با هوشمندی بیشتری در فضای مجازی فعالیت کند تا بتواند این تهدید را به فرصت تبدیل کند. تأکید مقام معظم رهبری بر قوی شدن و حضور فعال در فضای مجازی از این جهت است.

۳. دولت پنهان و نظم نوین جهانی

نظم نوین جهانی بر این اساس تبیین می‌شود که در کل جهان یک حکومت وجود داشته باشد. جورج بوش پدر، نخستین سیاستمداری بود که در سخنرانی خود، خطاب به کنگره در سال ۱۹۹۰ میلادی بر ضرورت ایجاد نظم نوین جهانی تأکید کرد و از آن پس، این ایده کهن مجامع مخفی ماسونی و ایلومیناتی، وارد فاز عملیاتی شد.^۱

پس از جنگ جهانی اول و دوم، برخی اختیارات دولت‌ها و ملل مستقل به سازمان‌های جهانی و مجامع بین‌المللی واگذار شد. پایه‌گذار این سازمان‌ها، نهادهای صهیونیستی و گروه‌های ماسونی بودند. تأسیس دولت جهانی، هدف غایی است تا قوانین داخلی کشورها دارای ارزش پایین‌تری نسبت به قوانین این دولت یکپارچه باشند. این روند بایستی از طریق حذف خاستگاه ناسیونالیستی موجود و مطرح بین اقوام و ملل تحقق پیدا کند.

یکی از عواملی که می‌تواند به استقرار این دولت جهانی کمک کند آشوبی جهانی است که از میان آن، ضرورت ایجاد نظم نوین جهانی را به دیگران بفهماند.

روزنامه گاردین طی گزارش مجازی گروه ۲۰، متشکل از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، روز پنجشنبه، نهم فروردین ماه ۱۳۹۹، برای مقابله با کرونا اعلام کرد: این چیزی نیست که یک کشور واحد بتواند از پس آن برآید. یک واکنش جهانی هماهنگ باید صورت پذیرد.

۱. برای مطالعه بیشتر رک: ایلومیناتی، سیزده خاندان تاجدار، سیزده خط خونین، (از مجموعه ۸ جلدی تاریخ فرهنگی قبیله لعنت)، اسماعیل شفیعی سروستانی، موعود عصر، تهران، ۱۳۹۸.

واگذاری اختیاراتی فراگیر و در گستره جهانی به سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی وابسته به مجامع مخفی ماسونی به بهانه ناتوانی کشورها برای مقابله با ویروس کرونا، این مجامع را بیش از پیش به تأسیس دولت جهانی و به ظاهر زیر چتر سازمان‌های بین‌المللی نزدیک می‌کند. آنها یک بیماری فراگیر در ابعاد جهانی را به بحران اقتصادی فراگیر، در ابعاد جهانی پیوند خواهند داد، تا از میانه آن، نجات‌بخش ساخته و پرداخته شده، برای نجات بشر در ابعاد جهانی سربرآورد.^۱

بر این اساس اطلاعات مراکز اقتصادی بین‌المللی نشان می‌دهد، ثروت میلیاردرهای جهان در دوره اوج همه‌گیری ویروس کرونا رشد چشمگیری داشته است.^۲ بر اساس گزارش موسسه آکسفام، مجموع دارایی ۱۰ مرد ثروتمند جهان در طول دوران شیوع بیماری کرونا، بیش از ۵۴۰ میلیارد دلار افزایش یافته است. این مبلغ برای پیشگیری از فقیر شدن افراد به دلیل شیوع کرونا و پرداخت هزینه واکسن همگان کافی است. بر اساس این گزارش «جف بزوس» مدیرعامل و موسس شرکت آمازون با درآمد ۱۰ ماهه گذشته خود می‌تواند به هر ۸۷۶ هزار کارمندش، ۱۰۵ هزار دلار پاداش دهد.^۳

گلوبال ریسرچ در یک گزارش^۴ تحلیلی در مورد ویروس کرونا و برنامه «دولت پنهان» برای پیاده‌سازی نظم نوین جهانی می‌نویسد: در دنیایی زندگی می‌کنیم که زندگی و سرنوشت بشر در دست تعداد انگشت‌شماری الیگارش‌ی بسیار ثروتمند، قدرتمند، و فاقد خلق و خوی انسانی قرار دارد. آنها را می‌توان دولت پنهان نامید. آنها کمتر از ۰/۰۰۰۱ درصد جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند. این افراد ناشناس که وانمود می‌کنند دنیا را اداره می‌کنند هیچگاه انتخاب نشده‌اند. آنها ساختارها یا سازمان‌هایی ایجاد کرده‌اند که هیچگونه پایه و اساس قانونی ندارند. آنها کاملاً فاقد هرگونه بستر حقوقی بین‌المللی هستند. آنها در

۱. «کرونا: جهانی زمینه‌ساز حکومت جهانی»، اسماعیل شفیعی سروستانی، ص ۳۳۴-۳۳۷، مجله دیده بان اندیشه، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۹۹.

2. <https://www.asriran.com/fa/news/750349>.

3. <https://www.asriran.com/fa/news/767272>.

4. <https://www.mashreghnews.ir/news/1118334>.

کرونا و جریان دینداری؛ توطئه یا بیماری طبیعی

خط مقدم اهریمن قرار دارند. شاید چند اهریمن رقیب موجود باشند. اما همگی هدف یکسانی دارند: یک نظم جهانی جدید یا واحد.

در این گزارش آمده است: این افراد ناشناس برای مثال مجمع جهانی اقتصاد (نماینده صنایع بزرگ، مؤسسات مالی بزرگ، و نام‌های بزرگ)، گروه ۷ و گروه ۲۰ (رهبران قوی‌ترین اقتصادهای دنیا) را اداره می‌کنند. سازمان‌ها و مؤسسات کم‌اهمیت‌تری نیز هستند که گروه بیلدبرگ، شورای روابط خارجی، چتم هاوس و امثال اینها نامیده می‌شوند. اعضای همه اینها یکدیگر را همپوشانی می‌کنند. حتی این خط مقدم بسط‌یافته نیز در مجموع کمتر از ۰,۰۰۱ درصد جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهد. آنها همگی خودشان را به دولت‌های ملی مستقل برآمده از انتخابات و قانون اساسی، دنیای چندملیتی، سازمان ملل، و اتحادیه اروپا تحمیل کرده‌اند.

در حقیقت، آنها سازمان ملل را متقاعد ساخته‌اند تا در راستای تحقق خواسته‌هایشان تلاش کند. مدیرکل‌های سازمان ملل و همچنین مدیرکل‌های سازمان‌های چندگانه زیرمجموعه سازمان ملل عمدتاً توسط آمریکا و با علامت رضایت نوکرهای اروپایی‌اش انتخاب می‌شوند. اگر عملکرد کاندیدای مربوطه در منصب رئیس سازمان ملل یا رئیس یکی از سازمان‌های زیرمجموعه آن ناموفق باشد، خیلی زود او را کنار می‌زنند. اتحادیه اروپا، سازمان‌های برتون وودز، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و حتی دیوان کیفری بین‌المللی واقع در لاهه توسط این اهریمن‌ها ایجاد شده‌اند. این دیوان فاقد هرگونه توان اجرایی است تا اطمینان حاصل شود که قانون همیشه طرف قانون‌شکنان است.

در نهایت این اقتصاد مالی یا بدهی‌محور است که همه چیز را در کنترل خود دارد. راهزنان نئولیبرال غربی یک سیستم به وجود آورده‌اند که در قالب آن نافرمانی سیاسی را می‌توان در قالب بیدادگری اقتصادی یا سرقت مستقیم اموال ملی آنها در قلمروهای بین‌المللی مجازات نمود. مخرج مشترک این سیستم دلار آمریکاست که حضورش (همچنان) همه جا مشاهده می‌شود.

این گزارش می‌افزاید: ما توسط اهریمن به بردگی گرفته شده‌ایم. این اهریمن است که

تعیین می‌کند اقتصادهای ما شکوفا شوند یا افول کنند، چه کسی باید زیر بار بدهی کمر خم کند، همه‌گیری بیماری کی و کجا باید رخ دهد و اینکه تحت چه شرایطی، مثلاً وضع محدودیت‌های اجتماعی، می‌توان از همه‌گیری بیماری جان سالم به‌در برد. مهم‌تر از همه اینها ابزاری است که اهریمن بسیار زیرکانه بکار می‌گیرد: یک دشمن خیلی ریز و نامرئی به نام ویروس و یک هیولای عظیم اما نامرئی به نام ترس. اینها موجب می‌شوند خیابان‌ها را خلوت کنیم، از دیدار دوستان حذر کنیم، و بی‌خیال سرگرمی‌های اجتماعی شویم.

خیلی زود این اهریمن مشخص می‌سازد چه کسی باید زنده بماند و چه کسی باید بمیرد. موج دیگری از همه‌گیری ممکن است اتفاق افتد و آنگاه مردم ممکن است برای واکسن، ناقوس عزای خود و ثروت بادآورده شرکت‌های داروسازی فریاد سر دهند.

گلوبال ریسرچ در گزارشی^۱ این ادعا را مطرح کرد که وضعیت اعلام کنترل‌ها و محدودیت‌ها از طرف دولت‌ها ادامه خواهد داشت تا زمانی که واکسن آماده شود. در آن زمان، مردم به حدی از این «بازی» بیزار و خسته شده‌اند که داوطلبانه و بدون در نظر گرفتن اینکه این واکسن‌ها چقدر می‌توانند تست نشده و خطرناک باشند، برای دریافت آن اقدام می‌کنند. اما این واکسن‌ها به احتمال بسیار زیاد حامل پروتئینی برای تغییر دی‌ان‌ای هستند و احتمالاً نوعی تراشه نانو به آنها اضافه شده تا بتوانند اشخاص را از راه دور کنترل و دستکاری کنند. این دلیل اصلی امواج الکترو مغناطیس G5 است که خطرش می‌تواند به مراتب بیشتر از کووید باشد.

واکسن‌های تغییردهنده دی‌ان‌ای، ژنوم انسان را به لحاظ ژنتیکی اصلاح می‌کنند. این نوع واکسن هرگز روی انسان‌ها تست نشده است. شرکت مونسانتو (Monsanto) روی گیاهان و محصولات غذایی این آزمایش‌ها را انجام می‌دهد و آنها را به جانداران اصلاح شده ژنتیکی (GMO) تبدیل می‌کند. اتحاد جهانی واکسن که بنیاد «بیل و ملیندا گیتس» و «گلاکسو اسمیت کلاین» (یکی از مهم‌ترین شرکت‌های داروسازی) با

1. <https://www.mashreghnews.ir/news/1103811>.

حمایت سازمان بهداشت جهانی، مؤسس و تأمین‌کننده مالی آن بوده‌اند، طرح‌هایی برای GMO دارد.

صحبت‌های بیل گیتس در TED Talk جنوب کالیفرنیا در فوریه ۲۰۱۰ را به یاد بیاورید. او در این سخنرانی گفت، «در صورتی که ما کارمان را واقعاً خوب انجام دهیم (اشاره به واکسیناسیون)، احتمالاً می‌توانیم جمعیت جهان را به اندازه ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش دهیم.»

۴. سوداگری شرکت‌های داروساز

بخش مهمی از مباحث بیماری در مورد درمان و داروی رفع آن است. از این جهت بخش مهمی از دانش پزشکی به اقتصاد درمان مربوط می‌شود که زمینه بسیار مساعدی برای ایجاد مافیا و سوداگری دارد؛ زیرا فرد بیمار برای نجات از مرگ هر هزینه‌ای را پرداخت می‌کند. بر این اساس برخی بر این باور هستند که کرونا توطئه شرکت‌های داروسازی است برای اینکه بتوانند داروهای خود را بفروشند یا اینکه آزمایش‌های جدید دارویی انجام دهند.^۱

این موضوع وقتی بیشتر جلب توجه می‌کند که برخی پزشکان یا مدیران درمانی و بیمارستانی بر نوع خاصی از دارو یا نظام درمان تأکید دارند که بیشتر با منافع شرکت‌های بزرگ داروسازی تطبیق دارد.

گزارش‌های رسمی و غیررسمی گویای این است که کشور چین در مهار بحران کرونا موفق بوده است. یکی از دلایلی که برای این موفقیت ذکر شده، به کارگیری همزمان طب سنتی چین در کنار طب رایج بوده است.

در ایران نیز بسیاری از مردم برای درمان کرونا به داروها و روش‌های درمانی بر اساس طب ایرانی و اسلامی روی آورده‌اند که رضایت‌بخش و موثر بوده است. در این شرایط این پرسش مطرح می‌شود که چرا با وجود استقبال و گزارش‌های مثبت

1. <https://www.mashreghnews.ir/news/1133277>.

مردمی، در معالجه بیماران کرونایی، از ظرفیت این طب به طور مؤثر استفاده نمی‌شود و در طول این مدت حتی یک بیمارستان هم به اساتید و پژوهشگران این حوزه اختصاص نیافته است^۱؟

استفاده از طب سنتی و ایرانی در درمان کرونا می‌تواند ظرفیت بالایی برای مطرح شدن قدرت و پیشینه غنی دانش پزشکی ایرانی و اسلامی است و می‌تواند تهدید کرونا را به فرصتی بزرگ تبدیل کند. کشورهای غربی (آمریکا و اروپا) که همواره با غرور و خودبرتربینی با کشورهای اسلامی و شرقی مواجه می‌شوند، اکنون به شدت با بیماری کرونا مواجه هستند و آمار ابتلا و مرگ در این کشورها روند صعودی دارد.

در این شرایط اگر نظام درمان اسلامی ایرانی، منجی بشر از بحران کرونا باشد، افزون بر ایجاد روحیه اعتماد به نفس و خودباوری، از جهت سیاسی و ایدئولوژیک نیز دستاورد بزرگی برای غلبه بر تمدن سلطه‌جویانه و استکبارگرایانه غرب خواهد بود. علی‌رغم همه این ظرفیت‌ها و زمینه‌ها، برخی در کشور به این طب غنی که در مبارزه با کرونا نمره قبولی گرفته است اعتمادی ندارند و دنباله‌رو نظام طبی غربی هستند.

کرونا یک بیماری طبیعی شبیه دیگر بیماری‌ها

در مقابل نظریه توطئه برخی معتقدند کرونا یک بیماری واگیردار طبیعی است که جامعه بشری درگیر آن شده است و توطئه‌ای در کار نیست. جدید بودن این بیماری، ناآشنا بودن با آن، بروز ناگهانی و سرعت بالای انتشار و شیوع آن سبب شده است که انسان آمادگی مواجهه با آن را نداشته باشد. از این رو این بیماری توانسته است برنامه عادی زندگی بشر را به هم بریزد.

البته رد تئوری توطئه به معنای نفی قطعی اصل توطئه نیست. توطئه می‌تواند وجود داشته باشد، اما وجود آن نیازمند استدلال، مدرک و اثبات است.

طرفداران این نظریه موارد زیر را برای تایید نظرات خود ارائه می‌کنند:

1. <http://www.jahannews.com/report/743750>

کرونا و جریان دینداری؛ توطئه یا بیماری طبیعی

۱. تاریخ بشری دوره‌های مختلفی داشته و شاهد بلاهایی همچون طاعون، مالاریا و آنفلانزا بوده است. این بیماری‌ها میلیون‌ها انسان را کشته‌اند پیش از آنکه آمریکا کشف شود و اسرائیلی وجود داشته باشد.

اپیدمی بخشی از تاریخ بشر و یکی از تراژدیک‌ترین صحنه‌های زندگی انسان است که تلخ‌ترین و تکان‌دهنده‌ترین اندوه‌های بشری طی آن بروز یافته‌اند. اپیدمی نیز چون سیل، طوفان، زلزله و آتشفشان از پدیده‌های طبیعی است که در آن زندگی می‌کنیم. رشد توان و دانش بشر توانسته تهدید همه‌گیری را کاهش دهد اما صفر نکرده است.

۲. طبق معاهده کنترل سلاح‌های بیولوژیک که تا کنون به تأیید ۱۶۵ کشور دنیا و از جمله آمریکا و چین رسیده است، ساخت، انتشار، اشاعه و ذخیره کردن سلاح‌های بیولوژیکی ممنوع است و مقررات سختی در این زمینه وجود دارد.

هزینه‌های جنگ بیولوژیک بسیار بالاست و اساساً قابل کنترل نیست. مخاطرات این جنگ‌ها در برابر منافع آنها بسیار بزرگتر هستند. تضمینی وجود ندارد که نیروی خودی گرفتار نشود. در مجموع پیامدهای کنترل‌نشده آنها آنقدر سنگین و پرخطر است که امکان استفاده از آنها را غیرعقلانی می‌سازد.

۳. از نظر علمی تغییر ماهیت ویروس و جهش ژنتیکی آن، امر شناخته‌شده و روشنی در دانش پزشکی امروز است. ویروس‌ها در مواجهه با اقدامات کنترلی و درمانی انسان، به سمت تغییر برای مقاومت در برابر داروها می‌روند. بنابراین جهش ژنتیکی ویروس‌ها امر طبیعی است که با تغییر در زنجیره وراثتی منجر به تولد نسلی جدید با ویژگی‌های متفاوت با نسل اصلی می‌شود.

ویروس کرونا در خفاش‌ها موجود است و می‌تواند از طریق حیوان‌های ثالث مانند حیوانات وحشی که مورد شکار قرار می‌گیرند، به بدن انسان منتقل شود. این ویروس در مرحله انتقال از حیوان به انسان دچار جهش ژنتیکی می‌شود.

تحقیقات متعددی انجام شده است که نشان می‌دهد کرونا یک ویروس طبیعی است که جهش ژنتیکی پیدا کرده است.

۲۷ عفونت‌شناس برجسته جهان در مجله معتبر لنست (Lancet) نامه‌ای منتشر کردند و در آن نظریه‌های توطئه درباره ویروس کرونا را محکوم کردند.^۱

«کرسستین اندرسن» از انستیتوی پژوهشی سکریس و «اندرو رامپوت» از دانشگاه ادنبره، پس از تحقیقات ژنتیکی در ویروس کرونا، به این نتیجه رسیدند که دو احتمال در مورد ویروس کرونا وجود دارد: ۱. این ویروس، در اثر تکامل طبیعی در جسم یکی از حیوانات، به شکل فعلی در آمده، سپس به انسان منتقل شده است؛ ۲. ویروس کرونا فرایند تکامل را مستقیماً در داخل جسم انسان، سپری کرده و به شکل کنونی در آمده است.

پژوهش دیگری که در مجله «نیچر میدیسن» در ماه مارس منتشر شد، به این نتیجه دست یافته است که این ویروس، نتیجه طبیعی تکامل زیستی ویروس کرونا است که در اثر جهش ژنتیکی، شکل کنونی را به خود گرفته است. بر اساس این پژوهش، جهش تکاملی در ویروس‌ها گه‌گاه رخ می‌دهد، چنانچه ویروس کرونا یک بار در سال ۲۰۰۳ در چین، بار دیگر در سال ۲۰۱۲ در عربستان سعودی و سرانجام در اواخر سال ۲۰۱۹ در ووهان چین، چنین جهشی را انجام داد که اکنون بشریت تاوان آن را می‌پردازد.^۲

مواجهه با کرونا؛ ساده‌سازی یا بزرگ‌نمایی (کروناهراسی)

با قطع نظر از اینکه کرونا توطئه باشد یا یک بیماری طبیعی باید پذیریم ویروسی به نام کرونا وجود دارد که می‌تواند سبب مرگ انسان نیز بشود. در مواجهه با کرونا دو رویکرد کلی وجود دارد: برخی آن را بسیار ساده‌سازی می‌کنند و در حد یک سرماخوردگی تنزل می‌دهند حتی برخی کرونا را یک دروغ بزرگ می‌دانند. در مقابل این گروه، برخی کرونا را بزرگ‌ترین بحران و مهم‌ترین مسئله می‌دانند که نظام سیاسی و اجتماعی جامعه را تهدید می‌کند.

1. [https://www.thelancet.com/journals/lancet/article/PIIS0140-6736\(20\)30418-9/fulltext](https://www.thelancet.com/journals/lancet/article/PIIS0140-6736(20)30418-9/fulltext).

2. <https://www.independentarabia.com/nod/107766>.

کرونا و جریان دینداری؛ توطئه یا بیماری طبیعی

استناد این افراد به آمار بالا و روبه‌گسترش ابتلا و مرگ‌کرونا بی است ولی مخالفان آنها این آمار را رد می‌کنند و آمارسازی می‌دانند. به نظر آنها بررسی آمار فوتی‌های قبل کرونا و بعد کرونا نشان‌گر این است که کرونا اگر باشد، تأثیری خاصی در تعداد فوتی‌ها ندارد. افزون بر این در این دوران آمار فوتی بر اساس عواملی مانند اعتیاد، تصادف رانندگی و سقط جنین بیشتر از بالاترین آمارهای تلفات کرونا بوده است؛ در حالی که نسبت به آن موارد حساسیتی وجود ندارد.^۱

افزون بر این بخشی از افزایش آمار تلفات کرونا به دلیل اقدامات ناقص و غلط‌کادر درمان در بیمارستان است که به دنبال آزمون و خطای راه‌های مقابله با ویروس است.^۲

گلوبال ریسرچ در گزارشی^۳ در مورد کرونا می‌نویسد در کشورهای در حال توسعه، ۶۰ تا ۷۰ درصد نیروی کار غیررسمی است که نه تحت برنامه‌های حمایت اجتماعی قرار دارد، نه از مزایای اجتماعی برخوردار است و نه از تعهدات قراردادی کارفرمایان بهره می‌برد. این افراد تنها و روی پای خود هستند. آنها باید به دنبال معاش روزانه خود باشند و نمی‌توانند در قرنطینه بمانند. در این شرایط بسیاری از آمار مرگ به دلیل مشکلات و چالش‌های اقتصادی و خدمات بهداشتی است ولی همه این مرگ‌ها به کرونا نسبت داده می‌شود. از این طریق، آمارها برای اربابان شیطنی بهبود پیدا می‌کند.

در بخشی از این گزارش به نقل از گروه کارشناسی برجسته آلمانی آمده است کسانی که به خاطر کرونا جان خود را از دست می‌دهند، اساساً کسانی هستند که به لحاظ آماری امسال جان خود را از دست می‌دادند؛ زیرا به پایان زندگی خود رسیده‌اند. به روشنی می‌توان دریافت که خطر کرونا از بسیاری از ویروس‌های دیگر بیشتر نیست.

پس از گذشت بیش از ده روز از حضور بیش از ۱۴ میلیونی زائران در مراسم اربعین، گزارشات میدانی، بیمارستانی و وزارت بهداشت عراق، خلاف ادعا و پیش‌بینی‌های

1. <https://www.asriran.com/fa/news/761275>.

2. <https://www.mashreghnews.ir/news/1133277>.

3. <https://www.mashreghnews.ir/news/1103811>.

رسانه‌های داخلی و خارجی را نشان داد. بر اساس آمار ارائه‌شده وزارت بهداشت عراق، تعداد فوتی‌های بیماران مبتلا به کرونا در کربلا «صفر» و در شهر نجف اشرف فقط یک نفر بود؛ در حالی که بر اساس مبنای سازمان بهداشت جهانی تجمع ۱۴ میلیونی باید به یک فاجعه انسانی منجر می‌شد.^۱

جا دارد مسئولین و کارشناسان برای مردم توضیح دهند که چه اتفاقی در عراق رخ داده است؟! چرا در ایران، با وجود محدودیت و وضع قوانین و سخت‌گیری در برگزاری مراسمات مذهبی، آمار کرونا بالاست. البته هدف از بیان این موارد، زیر سؤال بردن زحمات شبانه‌روزی کادر درمان و مسئولین متعهد کشور نیست و هدف، شفاف شدن مسائل برای مردم است.

کرونا و پوشش ناکارآمدی دولت

برخی افراد معتقدند هدف از بزرگ‌نمایی کرونا پوشش ناکارآمدی دولت است. بر این اساس دولت تدبیر و امید بسیاری از ناکارآمدی و ضعف‌های خود را به بهانه کرونا پوشش می‌دهد و توجیه می‌کند. افزون بر این پرداختن به کرونا سبب می‌شود افکار عمومی به دنبال مسائل انتقاداتگیز از دولت نباشد. ماجرای کرونا باعث ایجاد هاله‌ای برای دیده نشدن مشکلات کشور و همچنین بهانه دولت برای عدم انجام وظایف مدیریتی خود شده است. این روزها بیماری کرونا و دغدغه سلامتی به‌عنوان اولویت اول مردم به شمار می‌رود و افکار عمومی برای این اولویت از بسیاری از مشکلات خود چشم پوشی می‌کنند. مدیریت بیماری کرونا در کشور نیز با سیاست‌های منفعلانه دولت روبه‌رو شده است. اکنون کرونا به کمک تحریم آمده است تا توجیه‌گر نابسامانی‌هایی باشد که بیش از همه چیز به ضعف مدیریتی دولت مردان برمی‌گردد نه به عواملی مانند تحریم و کرونا.^۲

از سوی دیگر بخشی از جریان غرب‌گرا در کشور کرونا را دستاویزی برای همراهی با

1. <http://www.jahannews.com/report/743750>

2. <http://www.jahannews.com/report/747708>.

برنامه‌های شرکت‌ها و سازمان‌های غربی و بین‌المللی قرار داده‌اند. به عبارت دیگر کرونا پوششی برای فعالیت خرابکارانه جریان نفوذ شده است.

در برخی موارد جریان نفوذ در وزارت بهداشت با پیروی از برنامه‌های سازمان بهداشت جهانی و عدم توجه به ظرفیت طب اسلامی و سنتی، آمار فوتی‌های کرونا را افزایش داده و ایران را به آزمایشگاه داروها و برنامه‌های آنها تبدیل کرده است. استعفای آقای ملک‌زاده معاون تحقیقات وزارت بهداشت بسیاری از مسائل را فاش کرد.^۱

بخش دیگری از این جریان با مخالفت مقام معظم رهبری با واردات واکسن آمریکایی و انگلیسی (سخنرانی تلویزیونی ۱۹ دی ۱۳۹۹) خود را نشان داد. مدیران ارشد دو شرکت آمریکایی «فایزر» و «مادرنا» که متولی اصلی واکسن «آمریکایی» هستند، یهودی‌اند. «آلبرت بورلا»، دامپزشک و مدیر مالی، رییس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت آمریکایی فایزر است. بورلا، یک یهودی یونانی است. «تال زکس»، مدیر ارشد مادرنا و مسوول پروژه واکسن کوید ۱۹ در این شرکت، اصولاً یک اسرائیلی زاده حیفا است که مدرک خود را از دانشگاه بن گوریون واقع در سرزمین‌های اشغالی گرفته است.^۲

ورود پزشکان بدون مرز به ایران و مخالفت با حضور آنها در ایران که منجر به اخراج آنها از کشور شد نیز در همین راستا قابل تحلیل است. تجربه تاریخی ملت ایران به یاد دارد که حضور پزشکان بدون مرز در کشور در زمان جنگ تحمیلی برای درمان مجروحان شیمیایی، فرایند درمان را مختل کرد. همچنین پس از انتقال مجروحان شیمیایی ایران به اتریش، بمب‌های عراق بسیار موثرتر شد؛ زیرا مجروحان ایرانی به پزشکان بدون مرز اعتماد کردند و به پرسش‌های آنها درباره عملکرد بمب‌ها پاسخ دادند.

مشاهدات بالینی هزاران نمونه انسانی، همراه با اظهارات بیماران، شرکت داروسازی «بایر» را قادر کرد سلاح‌های شیمیایی ترکیبی و پیشرفته‌ای بسازد که ماسک‌های متداول و پدافند شیمیایی در برابر آن کم‌اثر بود. حامی درمان مجروحان ما و فروشنده سلاح شیمیایی به صدام، شرکت داروسازی بایر در آلمان بود!

1. <https://www.mashreghnews.ir/news/1133277>; <http://www.jahannews.com/report/745929>.

2. <https://www.mashreghnews.ir/news/1165952>.

ناراحتی و عصبانیت مایک پمپئو (وزیر خارجه آمریکا و از قاتلان سردار سلیمانی) از خروج پزشکان بدون مرز، دلیلی بر توطئه دستگاه‌های جاسوسی آمریکایی است.

نتیجه‌گیری

بنابر آنچه در این مقاله گذشت در مورد منشأ ایجاد کرونا نظرات مختلف است. برخی آن را یک بیماری طبیعی می‌دانند مانند سایر بیماری‌های واگیردار ولی برخی آن را یک توطئه بزرگ قلمداد می‌کنند. در مواجهه با بیماری کرونا نیز دو رویکرد وجود دارد که با نظر در مورد منشأ آن مرتبط است. برخی آن را بسیار ساده‌سازی می‌کنند (در حد یک بیماری ساده مانند سرماخوردگی) ولی برخی آن را بسیار مهم می‌دانند و در اولویت اول قرار می‌دهند.

قضاوت در مورد هر یک از این نظریات کار آسانی نیست و نیاز به بررسی‌ها و مستندات زیادی دارد، ولی کرونا چه توطئه باشد یا نباشد، در هر صورت ما امروز با آن مواجه هستیم و باید این تهدید را به فرصت در مسیر دینداری تبدیل کنیم.

کرونا می‌تواند ترکیبی از جنگ شناختی و زیستی علیه ایران باشد. امروزه بیشتر محققان در زمینه جنگ‌های آینده بر این باورند که جنگ‌های آینده، بر دو بخش متمرکز هستند: جنگ‌های ژنتیکی (زیستی) و جنگ‌های ادراکی (شناختی).

جنگ‌های زیستی به بحران‌های زیستی، گسترش و شیوع بیماری‌های ناشناخته و یا تغییرات ژنتیکی منجر می‌شود ولی جنگ‌های ادراکی، ذهن و فکر افراد و سپس اراده و قدرت تصمیم‌گیری آنها را مورد حمله قرار می‌دهد. جنگ ادراکی با به هم ریختن توان ذهنی و ادراکی و تهی کردن روح و روان یک ملت، می‌تواند بدون تلفات و هزینه نظامی آن ملت را به شکست بکشاند.

جنگ شناختی به دو ابزار و یک پیشران نیاز دارد: ۱. باید با یک بحران و یا مسئله محوری همراه باشد؛ چه واقعی و چه ساختگی. در قالب یک بحران یا مسئله مشخص و مهم می‌توان ذهن افراد را درگیر کرد و به هم ریخت. ۲. برای توفیق باید به ابزاری مسلط

کرونا و جریان دینداری؛ توطئه یا بیماری طبیعی

بود که توانایی ایجاد شک و شبهه و بی‌اعتمادی و یا ابهام را داشته باشد؛ چون در چنین فضایی، ذهن افراد، آسیب‌پذیر شده و آمادگی پذیرش الگوها و یا ادراکات دیگران را خواهد داشت. به همین دلیل رسانه‌ها و نخبگان جزو مهم‌ترین پیش‌ران‌های یک جنگ ادراکی هستند.

زمینه‌ها و حواشی شیوع کرونا در ایران مستعد یک جنگ ادراکی است. در واقع کرونا زمینه هر دو نوع جنگ را دارد. سربازان و طراحان جنگ ادراکی، تلاش می‌کنند با بحران‌سازی و تبلیغ و ترویج نقاط ضعف، روحیه عدم اطمینان و ابهام را در مردم شیوع داده و در نهایت در ذهن مردم حکم ناکارآمدی نظام را ترویج داده و تعمیق بخشند.

آنچه در مورد واکسن کرونا و واردات واکسن در کشور روی داد نمونه‌ای از جنگ‌های شناختی در بستر جنگ زیستی است که تلاش می‌کند بین مردم و نظام فاصله ایجاد کند و بستری را برای نفوذ ایجاد کند. بر این اساس برای اینکه بتوانیم کرونا را از تهدید به فرصت تبدیل کنیم، موارد زیر قابل توجه است:

۱. اقتصادی: بخش مهمی از آثار کرونا در مورد تبعات منفی اقتصادی در کاهش شغل و رکود اقتصادی است. ساخت واکسن، دارو و سایر وسایل مورد نیاز بهداشتی زمینه مناسبی برای صادرات و کسب درآمد برای کشور فراهم می‌کند.

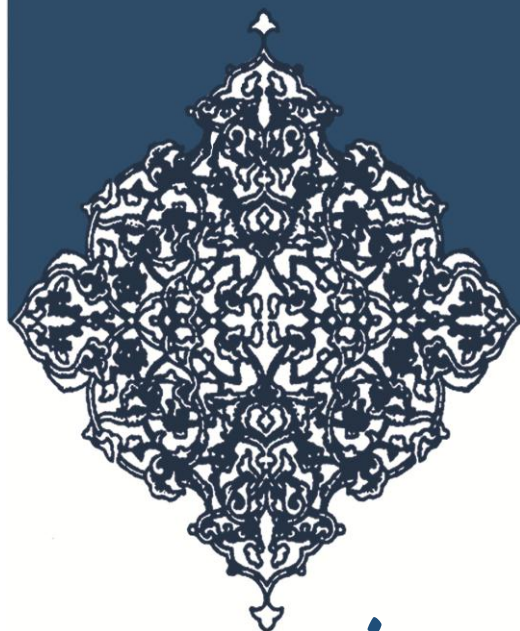
افزون بر این کرونا فصل جدیدی در شغل‌های مجازی و اینترنتی ایجاد کرد.

۲. اجتماعی: کرونا با فاصله‌گذاری اجتماعی سبب کاهش انسجام و ارتباطات اجتماعی می‌شود. مشارکت مردمی و اقدامات گروه‌های جهادی در مبارزه با کرونا و کمک مومنانه فصل مهمی از تاریخ کشور در تقویت انسجام اجتماعی است.

۳. فرهنگی: کرونا میزان حضور در فضای مجازی را افزایش داد تا حدی که محیط آموزشی کشور به فضای آموزشی منتقل شد. هرچند فضای مجازی آسیب‌های زیادی دارد ولی حضور با برنامه و فعال (نه منفعل) جریان انقلابی در فضای مجازی، ظرفیت‌های تبلیغی، دینی و فرهنگی زیادی را به دنبال خواهد داشت که در توسعه معارف دینی بسیار موثر است.

۴. سیاسی: در حالی که بسیاری از کشورهای جهان در مبارزه با کرونا و شرایط کرونایی با معضلات و بحران کارآمدی مواجه شدند ولی در مجموعه تلاش نظام سیاسی کشور در مقابله و مدیریت کرونا، سبب شد مردم اعتماد بیشتری به نظام سیاسی کسب کنند. باید توجه داشته باشیم ایران به تحریم‌های ظالمانه‌ای دچار شده است که انجام امور را دشوارتر می‌کند.

در مجموع کرونا می‌تواند اعتماد به نفس و خودباوری ایرانیان (غرور ملی) را افزایش دهد و به آنها کمک کند، ظرفیت‌های خود را به منصفه ظهور برسانند و جنگ زیستی و شناختی را مدیریت کنند؛ یعنی هم محیط زیست را اصلاح کنند (بر بیماری غلبه کنند) و هم اینکه اجازه ندهد دشمن سیستم ادراکی آن را به هم بریزد بلکه انسجام خود را در مقابل دشمن افزایش دهند.



بخش چهارم
گزارش علمی



اشاره

در فرخنده سالروز ولادت دخت نبی مکرم اسلام حضرت فاطمه زهرا^{علیها السلام} و نیز تولد سلاله پاک ایشان بت شکن بزرگ تاریخ، امام خمینی^{علیه السلام} و نیز در آستانه چهل و دومین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران و در ایام الله دهه مبارکه فجر، همایش سالانه علمی - بصیرتی مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم برگزار شد. این همایش با شعار «حوزه انقلابی، حوزه تحول خواه و تمدن ساز» و با رعایت شیوه نامه های بهداشتی، در تاریخ ۱۵ و ۱۶ بهمن ماه ۱۳۹۹ و با هدف تقویت انسجام فکری و عملی، بصیرت افزایی، انگیزه بخشی اساتید بسیجی و نیز بازخوانی وظایف انقلابی اساتید، مدیران و نخبگان در شهر مقدس قم برنامه های خود را اجرا کرد.

برنامه های روز اول

خیر مقدم و گزارش فعالیت یک ساله مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم
همایش در روز اول با سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین نبوی، مدیر مرکز آغاز شد. ایشان ضمن اعلام خیر مقدم، گزارشی مصور از فعالیت های مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم و معاونت های تابعه آن ارائه دادند. بخشی از سخنان ایشان را مرور می کنیم:

۱. کارشناس ماهنامه حوزه انقلابی.

طلاب با حضور ارزنده در عرصه‌های خدمت، پیشگامی خود در مسیر انقلاب را ثابت کرده‌اند. بحمدالله حوزه‌های علمیه و روحانیت در عرصه‌های جهاد، ایثار و شهادت، همیشه پیشگام بوده‌اند.

امروز طلاب برای نصرت دین سختی‌های بسیاری را به جان می‌خرند و در این زمینه نباید به سم‌پاشی‌ها و هجمه رسانه‌ای دشمن به حوزه و روحانیت وقعی نهاد. امروز حضور جهادی طلاب در عرصه‌هایی نظیر مبارزه با کرونا و یاری رساندن به مردم در سیل‌ها و زلزله‌ها بخشی از تبلیغات سوء را از بین برد و نقشه‌هایشان را خنثی کرد.

اساتیدی که در عرصه تربیت سرباز برای امام زمان عج فعالیت می‌کنند، اگر متخلق به اخلاص باشند، ثمره فعالیت‌ها برکت خواهد یافت که اگر اخلاص در کار باشد، هیچ‌گاه کار نادرست انجام نخواهیم داد. اگر مسئولان کشور نیز اخلاص داشتند هیچ‌گاه میل به مذاکره پیدا نکرده و در راستای منافع دشمنان حرکت نمی‌کردند.

امروز رهبر معظم انقلاب با یک سخنرانی خود تمام نقشه‌های استکباری را نقش بر آب می‌کنند. اگر کسی از درجه اخلاص فوق‌العاده برخوردار نباشد چنین تاثیر کلامی نخواهد داشت.

ایشان در بخش دوم سخنان خود گزارشی از عملکرد مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه ارائه کردند و فرمودند:

معاونت پژوهش ما تا کنون ۱۰۰ مقاله داشته که در نشریه حوزه انقلابی منتشر شده است و ما درصدد آن هستیم که مقالاتی را به رشته تحریر درآوریم که به تقویت حوزه انقلابی کمک کند. تاکنون ۱۵ شماره ماهنامه حوزه انقلابی، چاپ و منتشر شده است.

۱۳ لجنه علمی در بسیج اساتید و نخبگان حوزه تشکیل شده است که این لجنه‌ها به فوریت‌های پژوهشی می‌پردازند. لجنه‌های علمی اخلاق، اقتصاد، سیاست، فقه حکومتی، کلام، مدیریت، فضای مجازی و هنر اسلامی از جمله این لجنه‌ها هستند و تا کنون نزدیک به ۱۰۰ جلسه برگزار کرده‌اند.

اموری همچون برگزاری نشست‌های هم‌اندیشی سیاسی، دیدار با علما و مسئولان، تهیه و انتشار پایان‌نامه‌های موضوعی و تحلیلی و تهیه و تولید بولتن‌های خبری مورد نیاز اساتید نیز از جمله اقدامات معاونت سیاسی اجتماعی مرکز بسیج اساتید و نخبگان حوزه است.

رئیس مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه در پایان گزارشی از روند

خلاصه‌ای از همایش علمی - بصیرتی مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم (بهمن ۱۳۹۹)

فعالیت‌های معاونت فرهنگی، معاونت منابع انسانی، کانون نخبگان و واحد امور خواهران، معاونت امور مدیران و چند معاونت دیگر مرکز ارائه کردند.

پیام ویژه حضرت آیت‌الله العظمی نوری همدانی به همایش

پخش پیام تصویری مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی دام ظلّه العالی از دیگر برنامه‌های این همایش بود. معظم له در این پیام، ضمن تشکر و قدردانی از متصدیان و برگزارکنندگان این همایش، توصیه‌ها و رهنمودهایی در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب و ولایت و نقش بسیج اساتید حوزه در این زمینه ارائه فرمودند.

بخشی از سخنان ایشان را مرور می‌کنیم:

انقلاب اسلامی برای ملت ایران عزت و عظمت به ارمغان آورد. امروز بالاترین نعمت خداوند، نعمت ولایت است و همه پیشرفت‌ها و دستاوردهای کشور را مرهون نعمت ولایت هستیم.

یکی از نعمت‌های بزرگ پروردگار این است که به ما یاری کرد تا علی‌رغم قدرت کمی که داشتیم، طاغوت را شکست دهیم.

پیش از انقلاب، مردم از لحاظ فرهنگی دچار نوعی خودکم‌بینی و ذلت در برابر استکبار و غرب بودند، اما با پیروزی انقلاب اسلامی به ظرفیت‌های خود پی بردند.

انقلاب اسلامی برای ملت ایران عزت و عظمت به ارمغان آورد. ما در آن روزگار از لحاظ اقتصادی به تمام معنا وابسته بودیم و اقتصادمان متکی بر نفت بود و غربی‌ها همه منافع ما را چپاول می‌کردند.

از لحاظ سیاسی نیز اراده‌ای از خود نداشتیم و عزل و نصب‌هایمان را آمریکایی‌ها و غربی‌ها انجام می‌دادند، اما انقلاب اسلامی به صحنه آمد و این حقارت‌ها را کنار زد و ایران اسلامی را از لحاظ فرهنگ، اقتصاد، سیاست و توان دفاعی تقویت کرد.

همه این پیشرفت‌ها و دستاوردها را مرهون نعمت ولایت هستیم. از همین جهت امام راحل فرمودند برای حفظ انقلاب اسلامی باید پشتیبان ولایت فقیه باشیم.

باتوجه به اهتمام روایات نسبت به قدردانی از نعمت ولایت، امروز باید بدانیم که اگر قدردان نعمت ولایت نباشیم و نسبت به آن کفران بورزیم، همه نعمات و آسایش خود را از دست خواهیم داد؛ زیرا این ولایت است که کشتی انقلاب اسلامی را در طوفان‌های سهمگین حفظ می‌کند. امام راحل و رهبر معظم انقلاب از آن جهت که در مقام ولایت قرار دارند

توانسته‌اند کشتی انقلاب اسلامی را از طوفان‌های سهمگین و خطرناک نجات داده و به ساحل امن برسانند.

سخنرانی نماینده ولی فقیه در سپاه

در ادامه همایش، حجت‌الاسلام و المسلمین آقای حاجی صادقی ریاست محترم نمایندگی ولی فقیه در سپاه به ایراد سخنرانی پرداختند، ایشان ضمن ابراز تشکر از برگزارکنندگان و دست‌اندرکاران این همایش، به بیان مهمترین بایسته‌ها در زمینه حفظ و سیانت از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و نیز نقش حوزه علمیه، روحانیت و اساتید بسیجی در تقویت و پیشرانی حرکت عظیم نهضت اسلامی امام خمینی* پرداختند. ایشان در بخش دیگری از سخنانشان نکات تحلیلی درباره آخرین تحركات جبهه خصم و مخاطرات درونی (جریان نفاق) و بیرونی (دشمن خارجی) نظام و انقلاب، ارائه کردند.

بخش‌هایی از سخنان ایشان را مرور می‌کنیم:

دشمن برای اقتدارزدایی از رهبری و انقلاب دست از تلاش نخواهد کشید. امسال دهه فجری را برگزار می‌کنیم که با وجود همه توطئه‌ها، انقلاب از حرکت خود بازنیستاده است. انقلاب ما فراز و نشیب داشته، ولی افولی رخ نداده است. یکی از مهمترین برنامه‌های رئیس‌جمهور بایدن، آن است که می‌خواهد اقتدار از دست رفته آمریکا در داخل و خارج را احیا کند. شاخص‌های از دست رفته ابرقدرتی آمریکا فراوان هستند. روزی امام راحل فرمودند که سنگرهای کلیدی دنیا را فتح می‌کنیم. برخی طعنه زدند که شما مشکل صدام را حل کنید و بعد به دنبال سنگرهای بعدی باشید. این مسئله ما را به یاد فرمان فتح امپراطوری‌ها توسط پیامبر اسلام ﷺ می‌اندازد که عده‌ای به ایشان طعنه زدند. فتنه تعامل استکباری مبتنی بر اهداف و روش‌هایی است. ۵ دلیل محکم برای این مساله وجود دارد که یکی از آنها تجربه صدر اسلام است. ۱۶۰ ماموریت علمی به موسسات علمی آمریکا داده شد که چگونه می‌توانیم با بنیادگرایی اسلامی در ایران مقابله کنیم. نقطه مشترک همه این تحقیق‌ها، آن بود که با انقلاب اسلامی نمی‌توانیم با عملیات سخت مواجه شویم. آنها از فرهنگ شهادت می‌هراسند.

انقلاب اسلامی با تمام مسایل، از فتنه‌های بزرگی گذشته است. فتنه خلق یکی از فتنه‌های بزرگ ابتدای انقلاب بود. دهه شصت، فتنه سلطه جریان ملی‌گرایی که به دنبال استحاله

انقلاب بود. فتنه قائم مقام نیز فتنه بزرگی بود و اگر امام علیه السلام این کار بزرگ را نمی‌کردند و وی فرماندهی نظام ولایی را به دست می‌گرفت، امروز انقلاب اسلامی در کجا قرار داشت؟

فتنه دهه ۷۰ که فتنه استیلا یافتن اصلاحات سکولار بود می‌خواست ما را به مسیحیت غرب متمایل کند. آنها می‌گفتند اسلام باید مثل مسیحیت، لاغر شود تا نمیرد. فتنه دهه ۸۰ در یک دایره المعارف نوشته شده است که به یک جلد کتاب مبدل شد. طراحی سناریوهای ۸۸ بسیار دقیق تنظیم شده بود. کلمه جنبش سبز اولین بار در سال ۸۴ توسط «مک کین» به کار برده شد که گفت ما در ایران، حکومت را با جنبش سبز سرنگون می‌کنیم.

در آن دوره، یا یک سری خواص سکوت کردند یا در میدان تشخیص لغزیدند، اما در این میان افرادی بودند که هم شجاعت داشتند و هم صراحت در بیان. مرحوم آیت الله مصباح یزدی از همین بزرگان بود که با صراحت بیان در پای انقلاب ایستاد.

روز ۲۹ خرداد و ۹ دی تیر خلاص را به استکبار زد. در آن زمان نخبگان خوب عمل نکردند، ولی مردم بهترین عملکرد را داشتند. دشمن می‌خواهد در دهه ۹۰ امت را از انقلاب جدا کنند؛ یعنی می‌خواهند کاری کنند که مردم با حاکمیت فاصله بگیرند.

تعامل بهترین راهبرد تشخیص داده شده از سوی استکبار است که به دنبال نفوذ است. تغییر ذائقه فرهنگی و گرایشی مردم، از اولین راهبردهای دشمن در این حوزه است. آنها می‌گویند اگر مردم در معاش مشکل پیدا کنند، از معاد انقلاب دست بر می‌دارند.

ایجاد و القای حس ناامیدی از دیگر راهبردهای دشمن است. اینکه همیشه می‌گویند نمی‌توان کاری کرد یک مساله بسیار مهم است. می‌خواهند کاری کنند که اگر مسئولان روزی خوب هم عمل کردند مردم باور نکنند.

ترامپ در تبلیغات ۴ سال پیش می‌گفت اگر رئیس جمهور شوم برجام را پاره می‌کنم. ولی او یک سال و نیم صبر کرد و پس از انتخابات ایران چنین کاری نمود؛ چون اگر آن زمان برجام را پاره می‌کرد، نتیجه انتخابات آنگونه که آنها می‌خواستند نمی‌شد. بایدن هم به دنبال برگزاری انتخابات در ایران است.

محور دومی که روی آن متمرکز شده‌اند، غفلت نخبگان و مدیران از روحیه انقلابی و سوق به سمت سازش است. آنها می‌خواهند نخبگان متقاعد شوند و بگویند که در دوران نظم نوین جهانی، ادبیات انقلابی جواب نمی‌دهد. امروز دشمن به دنبال دوقطبی‌هایی چون علم یا ایمان، تعبد یا تعقل هستند. کتابی با عنوان استقلال یا توسعه می‌نویسند یعنی اگر توسعه می‌خواهیم نباید حرف‌های قدیمی بزنیم بلکه باید از مذاکره سخن گفت.

۱۲ سال است که ثابت کردیم گفتگو و سازش و نرمش، کارآمدی ندارد. گفتمان ما در صنایع نظامی، گفتمان مقاومت بوده است و امروز در بهترین شرایط قرار داریم و به یک قدرت بازدارندگی مطلق رسیده‌ایم که شاید در برخی از جاها برخی از ما، دوست هم داریم که دشمن یک حرکتی هم بزند که متوجه بشود که چه توانایی داریم. در یک روز در یک مانور ۲۶ موشک شلیک کردیم. دشمن قدرت ما را می‌داند. موشکی که تا ۲ هزار کیلومتر را پوشش می‌دهد دشمن را به عقب برده است.

اگر امروز آمریکا ما را نمی‌زند، به خاطر عدم اراده نیست بلکه به خاطر ترس است. پهباد ما دو ساعت بالای ناو آنها رفت، ولی جرأت زدن به پهباد ما را نداشتند. حاج قاسم این پیروزی‌ها را با مذاکره به دست آورد یا با ایستادگی؟ گفتمان مقاومت کارآمد است. در این روزها باید با مساله کارآمدی به بحث پردازیم.

هرجا ذلت نشان دادیم دشمن به ما حمله کرد. قرآن کریم بیان می‌دارد که نکند که به‌خاطر تکیه بر دیگران، خداوند بگوید که دیگر انتظار نصرت از من را نداشته باشید. نگذارید که دشمن با جوسازی و تقابل‌ها دوقطبی ایجاد کند. دشمن از قطب سختی و رفاه سخن می‌گویند. راحتی و رفاه مردم با سازش ایجاد نمی‌شود. دشمن می‌خواهد بگوید که شما بخاطر آرمان‌گرایی منافع ملی‌تان را از دست دادید. رهبری معظم بیان کردند که منافع ملی ما در آرمان‌های ملی ما تعریف و تامین می‌شود. دشمن برای نخبگان حتی حوزه، سند و برنامه دارد چنان که موسسه رند آمریکا روی این مساله زوم کرده است.

دشمن روی امر رهبری کار جلدی می‌کند. دشمن می‌خواهد کاری کند که رهبری سوم این انقلاب از جنس رهبری اول و دوم نباشد. محور دوم این است که می‌خواهند فضا به سمتی برود تا رأیی به ولایت تحمیل شود. محور دیگر آن است که بازوهای ولایت را بشکنند و نهادهایی که به رهبری منصوب هستند را تضعیف کنند.

سرفصل چهارم دشمن، تلاش برای اقتدار زدایی از رهبری و انقلاب است؛ زیرا می‌گویند اگر انقلاب، قوی نباشد زودتر می‌شکند.

رهبر ما همیشه ما را به قوی شدن دعوت می‌کنند. امروز روی ۶ واکسن کرونا کار می‌کنیم و برخی از کشورها از ما درخواست خرید واکسن دارند. دشمن می‌گوید اگر سلطه اقتصادی رفت، سلطه سیاسی هم می‌رود. همچنین به دنبال اقتدارزدایی در صحنه سیاسی هستند. آنها نمی‌خواهند که ایران فصل الخطاب باشد. اقتدارزدایی در عرصه اقتصادی و معنوی و نظامی از جمله تلاش‌های دشمن است.

خلاصه‌ای از همایش علمی - بصیرتی مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم (بهمن ۱۳۹۹)

تحریف، از دیگر تلاش‌های مهم دشمنان است که رهبری معظم روی این مساله تاکید فراوان دارند.

دشمن می‌خواهد انتخابات را به زمینه و مقدمه‌ای مبدل کند که انقلاب را از این مسیر بزنند و از الان روی آینده کار می‌کنند.

بسیج اساتید باید روی مسائلی مختلفی کار کنند. تحلیل واقعیت باید درست و دقیق باشد و با شناخت آسیب‌ها و نقاط قوت باشد. همچنین باید به جامعه بیاورانیم که آمریکا هنوز شیطان و دشمن است. کدام دشمن، مشکل دشمنش را حل می‌کند؟ دشمن روی امنیت کار می‌کند.

نابسامانی‌های موجود به خاطر عمل به شریعت نیست، بلکه به خاطر عمل نکردن به شریعت است. کلید حل این مشکلات برگشتن به هویت دینی و قدرت داخلی است. برای اینکه مردم انتخاب آگاهانه داشته باشند به چند مساله نیاز داریم. نخست، آگاهی و بصیرت است. انسان در انتخاب آزاد است، ولی در برابر انتخابش باید پاسخگو باشد. باید بعد انگیزشی را با خدمت صادقانه در ابعاد مختلف ارتقا ببخشیم. بسیج اساتید باید امامت سیاسی بسیج طلاب را به عهده بگیرد و بسیج طلاب امامت همه طلاب را به عهده بگیرد.

سخنرانی مسئول دفتر مقام معظم رهبری در قم

حجت‌الاسلام و المسلمین آقای محمدی عراقی، مسئول دفتر مقام معظم رهبری در قم، دیگر سخنران همایش بود. ایشان ضمن ابراز تشکر از بانیان مراسم، به تبیین مهم‌ترین دستاوردها در طول سال‌های بعد از انقلاب در عرصه‌های گوناگون پرداختند و خواستار تقویت هرچه بیشتر روحیه انقلابی‌گری در حوزه در جهت تحقق منویات مقام عظمای ولایت امام خامنه‌ای مدّ ظلّه العالی شدند.

مهم‌ترین سخنان ایشان را مرور می‌کنیم:

اساتید، بینش سیاسی و روحیه مطالبه‌گری را در حوزه تقویت کنند.

قرآن کریم کلمه شجره طیبه را با عنوان یک ضرب‌المثل بیان می‌کند. مفسران مباحث متعددی پیرامون کلمه طیبه بیان کرده‌اند. برخی مفسران این کلمه را کلمه توحید دانسته‌اند و برخی دیگر نیز مراد از آن را قرآن دانسته‌اند. برخی دیگر دعوت به اسلام و افعال مؤمن نامیدند.

امام باقر^ع فرمودند که شجره پیامبر اکرم^ص هستند و حضرت علی^ع و حضرت فاطمه^ع برگ و بار درخت هستند و شیعیان نیز ثمره‌های این درخت هستند.^۱
انقلاب اسلامی که ثمره خون شهدا و خون دل‌های امام راحل و زحمات هزاران هزار روحانی و ثمره حوزه‌های علمیه مقدس و حضور مردم است، می‌تواند مصداقی از این کلمه و شجره طیبه باشد.

اگر در شناخت وظیفه‌مان نسبت به انقلاب کوتاهی کنیم نمی‌توانیم پاسخگوی امام و شهدا باشیم. به همین دلیل باید بیشتر به همفکری بپردازیم و به نتایج مشخص برسیم. مسایل امروز و فردای ما و انتظار در روحانیت و حوزه علمیه و اساتید بسیجی بسیار بالا است.
نقاط قوت و دستاوردهای انقلاب قابل شمارش نیست. در بخش اول گام دوم، مقام معظم رهبری عظمت نظام و دستاوردهای انقلاب اسلامی را به رساترین شکل ممکن بیان کرده‌اند. پیشرفت‌ها و رویش‌های بسیاری داشته‌ایم. پیشرفت در عرصه‌های مختلف از جمله نانو، بیوتکنولوژی، پیشرفت‌های فناوری علمی و نظامی و... از دستاوردهای نظام است؛ زیرا این پیشرفت‌ها به دلیل راهبردهای مقام معظم رهبری بوده است.

چه کسی تصور می‌کرد؛ روزی مردم از هراس موشک‌های اسکاد دشمن خواب نداشتند، ولی امروز به فناوری موشک‌های سوخت جامد نقطه زن رسیده‌ایم. امروز در صنعت هسته‌ای به پیشرفت‌های برگشت‌ناپذیر رسیده‌ایم. بیماری کرونا در حالی که هزاران نفر را روزانه در آمریکا و انگلیس می‌کشد امروز در ایران با همت جوانان ایران تا این حد کنترل شده است و کشوری مثل سوئیس به دنبال خرید واکسن ایرانی است.

ایران هفت درصد ذخایر معدنی دنیا را در اختیار دارد و چرا باید با این همه منابع این همه بیکاری وجود داشته باشد؟ در دوران جنگ فشارهای بیش از این را تحمل می‌کردیم ولی مردم راضی‌تر بودند؛ زیرا ارتباط مسئولان با مردم بیشتر بود. رهبری همیشه در زمان تصدی ریاست جمهوری با مردم ارتباط داشتند و مردم شرایط کشور را درک می‌کردند.

اساتید حوزه جزو نخبگان ما هستند. حداقل ۸۰۰ نفر عضو این تشکل هستند. در ابتدا باید به مردم خوراک فکری دهیم. باید به طلاب بسیجی مشورت دهید و به آنها خوراک بدهید. باید بسیجیان طلبه یک سرو گردن از جامعه خود از نظر تحلیل و بینش سیاسی بالاتر باشند.

حوزه ای که مثل امام راحل و مقام معظم رهبری و شهید مدرس را تربیت کرد باید به

۱. قال الباقر^ع: أَمَا الشَّجَرَةُ فَرَسُولُ اللَّهِ^ص وَ فَرَعُهَا عَلِيُّ^ع وَ غَصْنُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ وَ ثَمَرُهَا أَوْلَادُهَا^ع وَ وَرَقُهَا شِيعَتُنَا. (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۳۶، باب انهم الشجرة الطيبة في القرآن و اعدائهم الشجرة الخبيثة)

خلاصه‌ای از همایش علمی - بصیرتی مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم (بهمن ۱۳۹۹)

تولیدات این گونه خود ادامه بدهد. آیا حوزه علمیه ما عقیم شده است؟ آیا دیگر مدرس ندارد؟ قطعاً دارد ولی نمی‌توانیم آنها را به مردم معرفی کنیم. مقام معظم رهبری روی جریان مطالبه‌گری تاکید فراوان دارند. مطالبه‌گری حوزویان امر بسیار مهمی است. ایشان فرمودند که از من هم مطالبه کنید و اگر پیشنهادی دارید از این نشست به ایشان و سیاسیون و اهل اقتصاد و دولتمردان پیام دهید. یکی از ثمرات این گونه جلسات باید بررسی مهمترین و حساس‌ترین مشکلات انقلاب باشد. باید مسایل کوتاه، میان و بلندمدت انقلاب در این جلسات بررسی شود. رهبری معظم روی قم و وضعیت فرهنگی قم حساسیت بسیاری دارند که امیدواریم اساتید بتوانند نقش راهنما را برای طلاب بسیجی ایفا کنند و از این طریق این نگرانی‌ها پاسخ داده شود.

سخنرانی مسئول دبیرخانه همایش

سخنران پایانی همایش در روز اول، حجت‌الاسلام و المسلمین آقای رجبی‌نیا مسئول دبیرخانه همایش بود. ایشان ضمن تشکر از حضور پرشور اساتید بسیجی در روز اول همایش و نیز دعوت از اساتید جهت شرکت در برنامه‌های روز پایانی همایش و حضور جدی در کمیسیون‌های تخصصی. برنامه‌های کمیسیون‌های مذکور را بیان کردند. در پایان مراسم و با حضور مدعوین و میهمانان ویژه همایش، از برگزیدگان سومین فراخوان آثار علمی پژوهشی مرکز اساتید، مدیران و نخبگان که به همت معاونت پژوهش این مرکز برگزار شده بود، در قالب اهدای جوایز، تقدیر شد.

برنامه‌های روز دوم

در روز دوم، کمیسیون‌ها شش‌گانه همایش با حضور ارکان کمیسیون‌ها (رئیس، دبیر و منشی) و نیز با مشارکت اساتید در محورهای مرتبط با عناوین کمیسیون‌ها برگزار شد و حاضرین در کمیسیون‌ها به هم‌اندیشی و رایزنی‌های علمی ناظر به محورها و موضوعات اصلی و فرعی کمیسیون‌ها پرداختند.

در ادامه خلاصه مهم‌ترین مطالب کمیسیون‌ها را مرور می‌کنیم:

کمیسیون انتخابات

- ضرورت مدیریت بر فرایند ادراک ذهنی برای جهت‌بخشی در انتخابات

- مبارزه با حاکم گرداندن وهم و خیال (با تبلیغات بیش از حد) در مقابل عقل در عرصه انتخابات

- استفاده از هوش مصنوعی جهت پیشبرد اهداف انتخابات
- ایجاد کانالها و گروهها در فضای مجازی جهت اهداف انتخاباتی
- کادرسازی توسط بسیج اساتید
- توجه به آراء خردهفرهنگها
- مدیریت بر آرای خاکستری
- اطلاع رسانی وضعیت کاندیداها به شورای محترم نگهبان
- ضرورت وحدت نظر در جامعه مدرسین
- ضرورت وحدت در روحانیون ولایی هر منطقه
- ضرورت ارتباط گیری با مراجع عظام
- ارتباط وثیق با اعضای جامعه مدرسین
- فعال سازی مساجد و نماز جمعهها
- برگزاری جلسات پرسش و پاسخهای انتخاباتی
- فعال سازی فضاهای مجازی و ایجاد حساسیت فعالان آن برای حضور حداکثری در انتخابات
- آسیب شناسی جهت برنامه ریزی برای آینده
- شناخت ریشه های تهدید و مقابله با آن
- ضرورت مواظبت برای منع ورود نفوذیها
- ضرورت تفسیر دولت جوان و بیان شاخصهها از نظر مقام معظم رهبری
- دعوت از شخصیت های شاخص و مطلع جهت بصیرت افزایی
- اعزام اساتید نخبه بسیجی بر پایه تفسیر قرآن و احادیث اهل بیت (ع)
- مدیریت و مبارزه با ترفند دوگانه سازی جامعه (یا جنگ یا مذاکره!)
- پرهیز از استفاده ابزاری روحانیت
- ضرورت انتخاب اصلح و تقویت او

خلاصه‌ای از همایش علمی - بصیرتی مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم (بهمن ۱۳۹۹)

- جلوگیری از تطمیع مردم
- ضرورت تفکیک میان عملکرد دولت‌ها و اصل نظام
- مدیریت بعد از انتخابات بر فرد منتخب
- ضرورت بیان شاخصه‌های کاندیدای اصلاح و تطبیق آن بر فرد مورد نظر
- مقابله با روحیه بی تفاوتی (عدم رأی دادن)
- بیان دستاوردهای نظام مقدس جهت تشویق مردم برای رأی دادن

کمیسیون جمعیت

محرور اول: راهکارهای علمی و عملی حوزویان برای افزایش جمعیت و نقش حوزه در مقابله با موانع آن به‌ویژه مسئله سقط جنین

۱. موانع و آسیب‌ها

- کاهش قبح گناه سقط جنین و عادی‌سازی آن در سطح جامعه
- رفاه‌زدگی
- تعهدات پیدا و پنهان مدیران ارشد در قالب پذیرش پیمان‌های بین‌المللی
- پول‌دوستی برخی پزشکان و عدم آگاهی پزشک از جنایی بودن سقط جنین
- دست‌ها و سیاست‌های پنهان در نسل‌کشی
- عدم همکاری برخی نهادها برای بصیرت‌افزایی در این موضوع
- ضعف اعتقادی
- ترس از عدم سلامت فرزند
- وفور وسایل و ابزار سقط جنین و جلوگیری از بارداری

۲. راهکارها

- ارائه آمار و اطلاعات صحیح درباره مسائلی همچون سقط جنین
- جلوگیری از انتشار آزادانه مطالب ترویجی در راه‌های جلوگیری از باروری و سقط جنین

- فرهنگ‌سازی در مباحث اعتقادی و حرمت
 - پیگیری اصلاح قوانین مربوطه
 - ترویج نشست‌ها و سخنرانی‌های بصیرت‌افزایی با این موضوع
 - تبیین مباحث با محاسن فرزندآوری و معرفی الگوهای موفق
 - تدوین و ترویج متون فقهی و ارسال آن برای پزشکان
- محور دوم: نقش حوزه‌های علمیه در مقابله با سیاست‌های کاهش جمعیت و تغییر جمعیت در ایران و جهان اسلام

۱. آسیب‌ها و موانع

- عدم ارائه آمار مناسب و آسیب‌های آن در کاهش فرزندآوری در مقیاس ایران و جهان
- عدم اطلاع‌رسانی کافی در خصوص آسیب‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی در اثر بحران جمعیت
- ضعف مبانی اعتقادی، نفوذ یهود، غرب‌زدگی مدیران و نگاه سکولاریسم به این مقوله و اجرای اسناد بین‌المللی ابلاغی مانند سند ۲۰۳۰
- عدم ورود مراجع تقلید در سیاست‌های جمعیت در مباحث فقهی و سیاستگذاری جمعیت
- عدم ورود جدی حوزه‌های علمیه به مباحث مربوطه
- مشکلات اقتصادی
- عدم وجود جایگاه مناسب برای مباحثی چون طب اسلامی و تغذیه سالم
- عدم ارائه الگوی مناسب در سبک زندگی اسلامی
- اهمیت ویژه جامعه به مسئله تحصیل و مانع دانستن فرزندآوری در اشتغال به تحصیل حتی در میان طلاب و حوزویان

۲. راهکارها

- مطالبه حوزویان از نهادهای حوزوی خواهران مبنی بر اصلاح سیاست‌های آموزشی که در تضاد و تعارض با وظایف مادری و فرزندآوری است.

خلاصه‌ای از همایش علمی - بصیرتی مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم (بهمن ۱۳۹۹)

- مطالبه حوزویان از نهادهای حوزوی برادران مبنی بر ارائه تسهیلات و خدمات به طلاب در راستای افزایش فرزندآوری

- تدوین نقشه راه مناسب در راستای افزایش جمعیت از طرف حوزه علمیه و پیگیری از نهادهای مربوط برای اجرایی شدن آن مانند صدا و سیما، شهرداری، وزارت آموزش و پرورش، اقتصاد و دارایی.

- ترویج مبانی ناب اسلام و سیره اهل بیت علیهم‌السلام پیرامون مباحث رازقیت و توکل - پیگیری از مراجع قانونی در مباحثی که در راستای کاهش جمعیت انجام می‌شود و خلاف شرع و مبانی دینی است

- در اولویت قرار دادن موضوعات مرتبط با افزایش جمعیت و فرزندآوری در برنامه‌های تبلیغی و تقویت شناختی مردم نسبت به این موضوعات

- تهیه اسناد جهت الزام نهادهای حوزوی و دانشگاهی به مدیریت شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی اقتصاد

- تشکیل گروه‌های جهادی جهت مشاوره دینی به پزشکان، پرستاران و مادران باردار - ارائه مباحث اخلاقی در مورد جمعیت و فرزندآوری توسط اساتید سطوح عالی حوزه

محورسوم: راه‌های رفع موانع قانونی و ایجاد مشوق‌های فرزندآوری

۱. آسیب‌ها و موانع

- عدم وجود قوانین موضوعه متناسب با مبانی اسلام
- عدم اجرای قوانینی که به درستی وضع شده
- عدم توجه به مطالبات رهبری و سیاست‌های کلی نظام از سوی متصدیان امر
- عدم اطلاع‌رسانی صحیح و به موقع از این قوانین به مردم

۲. راهکارها

- مطالبه‌گری جدی در اجرای قوانین وضع شده و مطالبات رهبری و حمایت از قوانین مصوب اجرا نشده

- تسهیل در امر ازدواج، فرزندآوری، معیشت و اشتغال بانوان در منزل
- تسهیل در امر درمان ناباروری و جذب کمک‌های مردمی و خیرین در جهت
درمان ناباروری

- فرهنگ‌سازی در جایگاه فرزندآوری به لحاظ اعتقادی، اقتصادی و سیاسی
- برگزاری نشست‌ها، دوره‌های آموزشی، بحث‌های تبلیغی در مورد قوانین فرزندآوری
- ارائه الگوهای مناسب جهت ترویج و تبلیغ سبک زندگی اسلامی در موضوع
فرزندآوری و تربیت نسل

- ارائه طرح‌های معیشتی جهت تسهیل در امر فرزندآوری

محور چهارم: بررسی شیوه‌ها و راهکارهای تبلیغی - ترویجی با محوریت فرزندآوری در جامعه با
رویکرد علمی مبتنی بر آیات و روایات

۱. آسیب‌ها و موانع

- عدم تدوین متون تبلیغی ترویجی از سوی نهادهای حوزوی در این مورد
- عدم آشنایی مبلغین با مباحث مرتبط با جمعیت
- عدم ورود جدی مسئولین امر از نهادهای حوزوی در این موضوع

۲. راهکارها

- تربیت نیروهای متخصص اعم از مبلغ، پژوهشگر و غیره در موضوع جمعیت مبتنی
بر آیات و روایات
- تبیین جایگاه فرزندآوری در بین طلاب و اساتید
- برگزاری دروس خارج با موضوعات مرتبط با جمعیت و فرزندآوری و مباحث
فقهی آن به‌ویژه مسئله سقط جنین
- مطالبه از مراجع تقلید جهت ارائه مباحث علمی مبتنی بر آیات و روایات و
استفتائات مرتبط در این موضوع

کمیسیون جهش تولید

محور اول: نقش‌های تبیینی

۱. ادراک درست از موضوع و انتقال این درک به جامعه:

- شرایط و جنگ اقتصادی

- اصلاح ذهنیت منفی نسبت به تولید داخلی

۲. قرآن و جایگاه مجاهدان اقتصادی؛ مانند:

الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (سوره توبه، آیه ۲۰)

لَكِنَّ الرَّسُولَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَ أُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (سوره توبه، آیه ۸۸)

۳. قرآن و تولید؛ مانند:

وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ (سوره انفال، آیه ۶۰)

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَ مَنَعَكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (سوره نساء، آیه ۱۴۱)

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (سوره انشقاق، آیه ۶)

۴. سیره اهل بیت علیهم السلام (سخت‌کوشی در تولید، قناعت در مصرف، عبادت بودن و ارزش

فرهنگ کار)

۵. تجربیات تاریخی و نمونه‌های پیشرفت به عنوان پشتوانه تاریخی فرهنگ کار

۶. پیوست فرهنگی برای فعالیت‌های اقتصادی تولیدی کشور

۷. تأکید قرآن بر سرعت و سبقت در تولید به عنوان مصداق خیر.

محور دوم: جریان‌سازی

۱. روان‌شناسی تبلیغ
۲. جهت‌دهی ذائقه‌ها
۳. مطالبه‌گری
۴. تاکید و توجه به مشاغل خانگی و کارگاه‌های کوچک زودبازده (هر خانه یک کارخانه)
۵. الگوی عملی (عملکرد ما الگوی جامعه است)؛ استفاده از تولیدات داخلی در بدنه حوزه و خانواده‌های طلاب + استفاده از ابزارهای تشویقی
۶. تاکید و تبیین مدیریت جهادی و روحیه انقلابی
۷. توجه به جهش تولید در محصولات حوزه (تولید متناسب با حوزه)
۸. تاکید بر دانش‌های بنیادین اقتصادی
۹. تشکیل کمیسیون‌های تخصصی اقتصادی در حوزه با هدف سازماندهی و مدیریت طبقات مختلف سازمان روحانیت در عرصه اقتصاد (فرهنگ‌سازی موثر)
۱۰. استفاده از تجربیات مفید و موثر غرب در عین چشم بستن به اصول و مبانی غرب
۱۱. توجه به شاخص جمعیت در عرصه تولید و اقتصاد با حمایت از فرزندآوری و الگوسازی برای مردم و سازمان‌های دیگر
۱۲. استفاده از ظرفیت رسانه
۱۳. ترویج و تقویت ایمان و تقوا به عنوان زیر بنای اصلی در پیشرفت‌های اقتصادی، عدالت و تولید

کمیسیون راه‌های مقابله با جریان‌های غیرانقلابی در حوزه

محور اول: عوامل بستر ساز جریان‌های غیرانقلابی در حوزه‌های علمیه

- عوامل اخلاقی مانند حب جاه و مقام و جلب توجه
- عوامل اعتقادی مانند این بهانه که ضعف عملکرد برخی مسئولین نظام به پای دین نوشته می‌شود لذا نباید نظام دینی باشد.

خلاصه‌ای از همایش علمی - بصیرتی مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم (بهمن ۱۳۹۹)

- چندشغله بودن مدیران انقلابی و عدم تمرکز آنها در مدیریت انقلابی که سبب ضعف عملکرد و عدم میدان دادن به طلاب جوان و میانسال انقلابی می‌شود.
- حمایت مالی، معنوی، شخصیتی و روانی جریان‌های غیرانقلابی از اساتید و طلاب
- عدم زمینه‌های آموزشی در نظام آموزشی حوزه جهت تربیت انقلابی طلاب (فقدان متون آموزشی در مورد انقلاب و ولایت فقیه در نظام آموزشی حوزه)
- اختلاف نیروهای انقلابی در برخی عرصه‌ها
- عدم تبیین مبانی فقهی انقلاب و نظریه حکومت در عصر غیبت
- نفوذ اندیشه‌های روشنفکری و تجددگرایانه در حوزه در مقابل اندیشه حوزه انقلابی
- ناآگاهی یا کم‌آگاهی جریان‌ات حوزوی از مسائل انقلاب (بسیاری افراد چون اطلاع درستی ندارند نمی‌توانند از انقلاب دفاع کنند. در این مورد بیت مراجع بسیار مهم است)
- آزدگی‌های روانی و شخصیتی در عزل و نصب‌ها یا ردصلاحیت‌ها

محور دوم: راهکارهای مقابله با جریان‌های غیرانقلابی در حوزه‌های علمیه

- ایجاد نهاد خاص جهت شناسایی و رصد جریان‌های غیرانقلابی
- هدایت‌گری و بصیرت‌بخشی به جریان طلاب انقلابی جوان (طلاب تندرو و افراطی)
- شناسایی طلابی که زمینه غیرانقلابی‌گری دارند و هدایت آنها در مسیر انقلاب جهت جلوگیری از انحراف آنها
- شناسایی، مدیریت و طبقه‌بندی جریان‌های فعال حوزه انقلابی در شبکه‌های اجتماعی
- جذب حداکثری با تمرکز بر افرادی که زمینه انحراف دارند.
- ایجاد زمینه و سازوکار انقلابی جهت تعیین مرجعیت (با کمک مراجع معظم تقلید حاضر و جامعه محترم مدرسین حوزه علمیه قم)
- شناسایی، تقویت، حمایت و معرفی اساتید انقلابی از جهات علمی و غیره
- موضع‌گیری شفاف و صریح نیروها و نهادهای انقلابی در مورد مسائل و چالش‌های اجتماعی و حکومتی

- ارتقای بینش سیاسی، تاریخی و جریان‌شناسانه طلاب به‌ویژه طلاب جوان
- معرفی و تبیین شاخصه‌های انقلابی‌گری
- گسترش و ترویج فقه سیاسی و فقه حکومتی در حوزه
- شناسایی و اضمحلال عوامل تضعیف جریان انقلابی در حوزه
- تبیین دستاوردهای انقلاب به‌ویژه در مورد حوزه
- گسترش مطالبات انقلابی‌گری در حوزه
- بهره‌برداری از مرکز بسیج اساتید حوزه به‌عنوان مرکز هم‌اندیشی و گردهمایی اساتید جهت تبادل فکر و اندیشه
- لزوم توجه به ملاک انقلابی‌گری در گزینش طلاب
- تربیت نیروهای انقلابی

خلاصه مباحث کمیسیون تربیت طلاب انقلابی

اهداف

- تربیت طلاب به منظور تداوم جریان انقلاب با در نظر گرفتن موقعیت‌ها و سمت‌های علمی، اجرایی و فرهنگی آنان در راستای تحقق مفاد بیانیه گام دوم

عوامل مؤثر

- گزینش بر اساس پیشینه مناسب
- توجه به نقش مدیران مدارس و نهادها و مراکز مربوط
- جایگاه ویژه اساتید و مربیان
- متون درسی و آموزشی (منشور امام، بیانیه گام دوم)
- طرح‌های پژوهشی مرتبط

روش‌ها و راهکارها

- گزینش استادان، مدیران و متصدیان انقلابی

خلاصه‌ای از همایش علمی - بصیرتی مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم (بهمن ۱۳۹۹)

- برگزاری دوره‌های کارورزی
- برگزاری دروس مرتبط با انقلاب اسلامی
- تضمین مباحث انقلابی در بین دروس ارائه شده
- تأمین نیازمندی‌های مالی طلاب
- تدارک اردوهای فرهنگی بصیرتی
- تضمین مسائل انقلابی در جلسات اخلاقی
- برگزاری طرح‌هایی همچون طرح ولایت مؤسسه امام خمینی (ره) در سطوح طلاب، اساتید، مدیران و نخبگان

کمیسیون مطالبه‌گری

- آشنا کردن طلاب با چالش‌ها و آسیب‌ها در اولویت مطالبه‌گری
- احصای اموری که حوزه علمیه می‌تواند به صورت قانونی ورود پیدا کند
- محور قرار دادن دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در تبیین و اولویت‌های مطالبات نظام
- سرمایه‌گذاری جدی برای استفاده از ظرفیت‌های حوزوی مانند مجمع نمایندگان طلاب به عنوان یکی از مهمترین نهاد حوزوی
- ایجاد تمرکز، وحدت و ساماندهی نیروهای انقلابی و مطالبه‌گر
- شبکه‌سازی و استفاده از ظرفیت ائمه جمعه و جماعات برای پیگیری مطالبات
- گفتمان‌سازی و زمینه‌سازی برای تحقق مطالبات و نیز پیگیری جهادی مطالبات با استفاده از ظرفیت اساتید جوان
- پیش‌قدم شدن نهادهای حوزوی برای پاسخگویی به مطالبات جهت الگو شدن برای نظام
- شناسایی نیروهای شاخص حوزوی برای اثرگذاری بیشتر در بخش مطالبه‌گری
- تلاش برای نشان دادن معایب تمدن غرب به صورت مستند در فضای مجازی
- ورود اساتید به عنوان عقبه فکری محتوایی برای نیروهای فعال در فضای مجازی
- بررسی عوامل کند شدن یا تعطیلی مطالبه‌گری در تصمیم‌گیری حوزه

- ضرورت تبیین آداب مطالبه‌گری فردی و جمعی
- ضرورت عکس‌العمل در برابر رفتارهای به‌ظاهر انقلابی اما مغایر با جایگاه حوزه انقلابی
- ضرورت تبیین حدود و ثغور و ویژگی‌های مطالبه‌گری
- ضرورت پیگیری مطالبات و جلوگیری از ورود یأس در میان مطالبه‌گران
- ضرورت تبیین جایگاه فقهی مطالبه‌گری
- لزوم تعیین مرجع مطالبه‌گری
- ضرورت آموزش نظام‌مند شیوه‌های مطالبه‌گری و تعیین رابطه مطالبه‌گری با تقویت یا تضعیف نظام
- تبیین قلمرو رسالت روحانیت در ابعاد درون حوزه و برون حوزه در امر مطالبه‌گری
- تعیین مراتب و اقتضائات تحقق مطالبه‌گری و تبیین وظیفه در صورت عدم تحقق مطالبات
- ضرورت مطالبه از دولت برای مقابله جدی با آسیب‌های فضای مجازی و فیلتر برخی شبکه‌های مجازی منحرف
- ضرورت ورود حوزه به عنوان پرچم‌دار و پیش‌برنده مطالبه‌گری در امور حوزوی و غیرحوزوی به‌ویژه در سطح نظام و دولت
- رصد مسئولان مربوط در حوزه علمیه در مورد شیوه‌های پذیرش طلاب و ایفای مسئولیت‌های حوزوی
- ضرورت پر کردن خلاء فکری طلاب توسط اساتید حوزه به‌صورت سازماندهی شده
- ارتقاء سطح مطالبه‌گری از طریق تمرکز بر خواسته‌های عام و اصلی و فراگیر طلاب و نادیده گرفتن خواسته‌های جزئی.

صحن علنی همایش (جمع‌بندی و ارائه گزارش)

پس از اتمام جلسات تخصصی کمیسیون‌های شش‌گانه، همه کمیسیون‌ها در صحن علنی همایش حاضر شدند. پس از قرائت آیات نورانی کلام الله مجید و پخش سرود مقدس جمهوری اسلامی و عرض خیر مقدم، گزارشی اجمالی به همراه نکات مقدماتی توسط حجت‌الاسلام والمسلمین آقای رجیب‌نیا مسئول دبیرخانه همایش ارائه شد.

خلاصه‌ای از همایش علمی - بصیرتی مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم (بهمن ۱۳۹۹)

در ادامه کمیسیون‌ها، گزارشی از مباحث ارائه شده در کمیسیون و نیز جمع‌بندی نهایی ارائه کردند.

سخنران پایانی روز دوم همایش، حجت‌الاسلام والمسلمین نبوی ریاست محترم مرکز بسیج اساتید حوزه بود. ایشان ضمن تشکر مجدد از حضور جدی اساتید و به‌ویژه فعالیت‌های کمیسیون‌های تخصصی، درباره وضع موجود و نیز افق پیش‌روی اساتید، مدیران و نخبگان بسیجی حوزه نکاتی بیان کردند.

بیانیه پایانی همایش

بیانیه پایانی همایش به دلیل کمبود وقت، به صورت مجازی برای مدعوین ارسال شد و به اطلاع اساتید و مخاطبان رسید.

بسم الله الرحمن الرحيم

بیانیه پایانی همایش دوروزه علمی بصیرتی مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم (نیمه بهمن ۱۳۹۹)

ان تَصْرُواَ اللهُ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثِّبَ أَقْدَامَكُمْ (سوره محمد، آیه ۷)

در آستانه چهل و دومین سالگرد پیروزی باشکوه انقلاب اسلامی و میمنت میلاد باسعادت حضرت صدیق‌طاهره علیها السلام و فرزند برومندشان معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی علیه السلام، ما استادان بسیجی حوزه علمیه قم ضمن تجدید میثاق با مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای و با الهام از رهنمودهای معظم له و امام راحل علیه السلام به‌ویژه در راستای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی قطعنامه همایش سالانه بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه را به شرح ذیل تقدیم می‌نماییم:

۱. ما اساتید، مدیران و نخبگان بسیجی حوزه علمیه قم به عنوان سربازان امام زمان علیه السلام در پیشگاه الهی خود را متعهد می‌دانیم که از مکتب نورانی اهل بیت علیهم السلام صیانت کرده و از انقلاب اسلامی که ثمره عظیم خون شهیدان است در لوای زعامت مقام معظم رهبری تا تحقق تمدن نوین اسلامی تلاش نماییم.

۲. از آنجایی که حوزه علمیه، مادر انقلاب اسلامی است و پاسداری از آن وظیفه ما حوزویان می‌باشد ضمن قدردانی از زحمات بزرگان و مسئولان حوزه، بر اساس فرموده

مقام معظم رهبری خواستار تحول عمیق در زمینه‌های علمی، اخلاقی و سیاسی بوده تا حوزه بتواند در شرایط حساس کنونی وظیفه حراست و دفاع از دین و انقلاب را به شایستگی انجام دهد.

۳. ما حرکات دشمنان خارجی و ایادی داخلی آنها را که پیوسته درصدد نفوذ و ضربه زدن به نظام مقدس جمهوری اسلامی هستند، همواره زیر نظر داشته و مقابله هوشمندانه مسئولان را مصرانه خواستاریم و از آنان تقاضا داریم به وظایف قانونی خود در این رابطه به نحو احسن عمل نمایند.

۴. از باب «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»^۱ وظیفه خود می‌دانیم از مسئولان انقلابی قوای سه‌گانه به‌ویژه از تلاش‌های امیدوارکننده دستگاه قضایی و مجلس انقلابی حمایت نماییم، نیز از آنان خواستاریم که مبارزه بی‌امان علیه فساد و مفسدان اقتصادی، فرهنگی و طرد نیروهای نفوذی در سازمان‌ها را باصلابت ادامه داده و لحظه‌ای با این انحرافات مماشات نمایند.

۵. از زحمات کلیه نیروهای مسلح به‌خصوص عزیزان سپاه و ارتش به سبب حفظ امنیت و تقویت اقتدار نظامی و هم‌چنین به دلیل شکستن هیمنه دشمن و استکبار مانند عین الاسد و پهپاد آمریکایی و زبون کردن آنان در خلیج فارس تشکر می‌کنیم. در همین راستا از آن حافظان ایران و انقلاب اسلامی، خواهان گرفتن انتقام سخت از خون‌های پاک شهدای مظلوم به‌ویژه شهید سپهبد قاسم سلیمانی و شهید ابو مهدی المهندس و دانشمند برجسته هسته‌ای، شهید دکتر فخری‌زاده، هستیم.

۶. از آنجایی که ارکان نظام اسلامی بر اساس رأی اکثریت مردم شکل می‌گیرد، در آستانه انتخابات سرنوشت‌ساز ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی از همه بزرگان، شخصیت‌ها و گروه‌های انقلابی و فعالان سیاسی مصرانه درخواست می‌کنیم در ایجاد امید در مردم و تشویق آنها به شرکت در انتخابات تلاش نموده تا به فضل الهی بهترین و توانمندترین فرد بر اساس شاخص‌های مورد نظر امامین انقلاب انتخاب شود و دولتی توانمند انقلابی شکل گیرد.

۷. ما ضمن حمایت و اعلان همبستگی با همه نیروهای مقاومت، به همه کافران، منافقان و فاسدان صریحاً اعلام می‌نماییم که با همه توطئه‌های آنان در داخل و خارج از کشور مبارزه کرده و هرگز از راه اباعبدالله الحسین^ع و شهیدان راه حق فاصله نخواهیم گرفت. ان‌شاءالله.

۱. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۴۴؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱۳.



فرم نظرسنجی ماهنامه حوزه انقلابی

فرهیخته گرامی

نظر به ضرورت بهره‌مندی از نظرات سازنده شما استاد گرامی برای ارتقای ماهنامه حوزه انقلابی، لطفاً نظرات خود را با تکمیل پرسشنامه، از راه‌های زیر ارسال فرمایید:

۱. اصل فرم را به مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه به نشانی: قم، خیابان شهیدان فاطمی (دورشهر)، کوچه ۴ تحویل دهید.

۲. تصویر فرم را از طریق پیام‌رسان‌های ایتا و سروش به شماره (۰۹۱۹۴۵۲۵۳۰۲) ارسال فرمایید.

ردیف	عنوان و موضوعات	عالی	خوب	متوسط	ضعیف
۱	اهمیت، اولویت و میزان اثربخشی مطالب نشریه حوزه انقلابی				
۲	حجم، موجز و رسا بودن مباحث				
۳	قوت و به‌روز بودن مقالات علمی - تخصصی				
۴	قوت و به‌روز بودن تحلیل‌های اجتماعی - سیاسی				
۵	مناسب بودن وضعیت ظاهری (طرح جلد، صفحه‌آرایی و...)				

یک. چه مباحثی را بیشتر مطالعه می‌کنید؟
دو. شما دوست دارید، نشریه را به صورت مکتوب دریافت و مطالعه کنید یا دیجیتال و در فضای مجازی باشد؟ دریافت مکتوب دریافت دیجیتال

سه. اگر نظر توصیفی و تکمیلی برای ارتقای ماهنامه حوزه انقلابی دارید، ارائه فرمایید:
چهار. در صورت تمایل: (نام و نام خانوادگی، مدارج علمی و شماره تلفن همراه):

معاونت پژوهش

مرکز بسیج اساتید، نخبگان و مدیران حوزه علمیه قم